

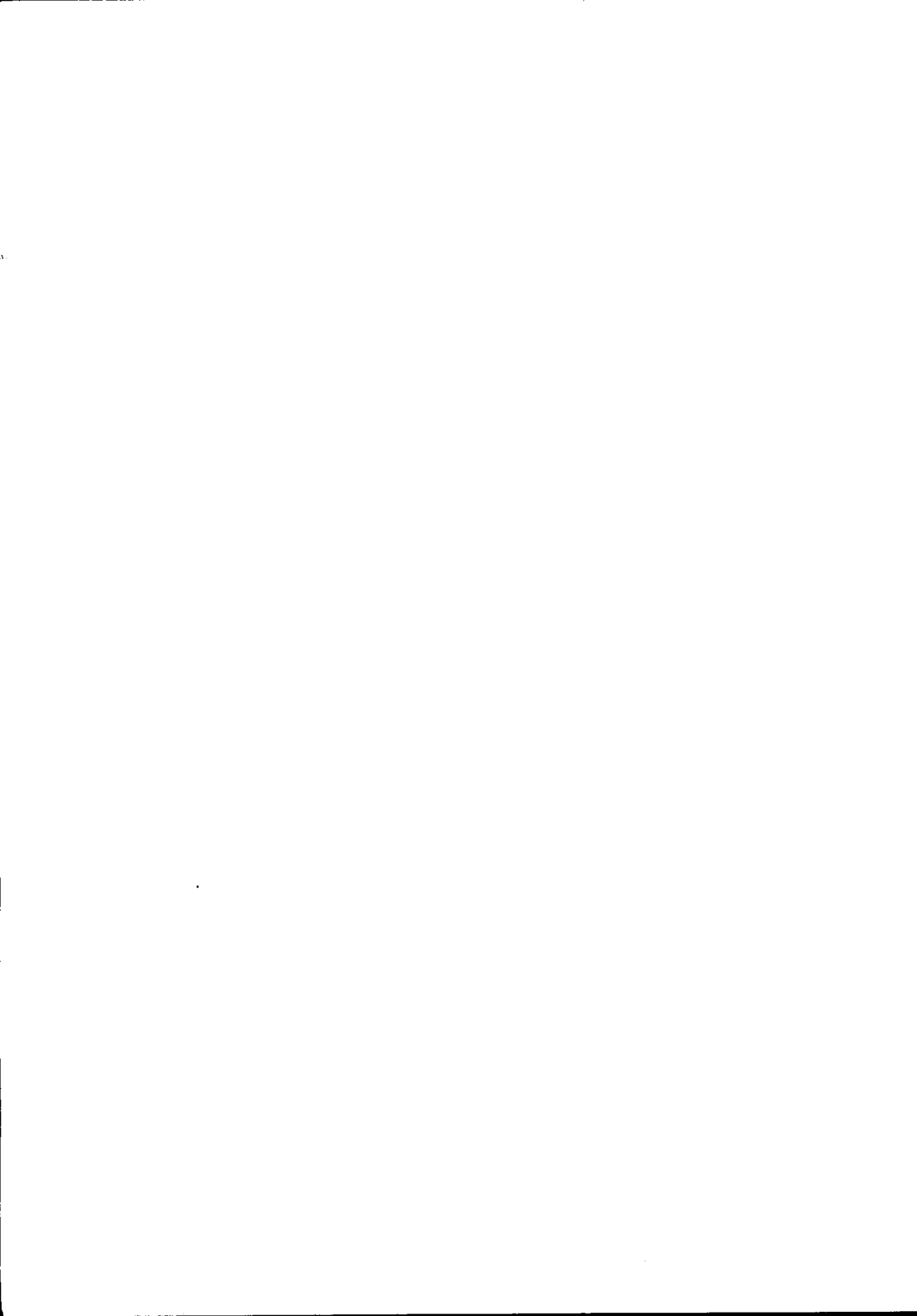
# منظور از . . .

در شرح معضلات و مبهمات آثار و الواح مبارکه

جلد چهارم

تالیف حمید الله حسامی

زمستان ۱۳۹۴



فهرست

شماره صفحه	شرح	شماره ترتیب
۱	منظور از داوئر تسعه	۱۵۱
۳	منظور از دوران استقلال	۱۵۲
۴	منظور از عهد اول عصر تکوین	۱۵۳
۶	منظور از عهد دوم عصر تکوین	۱۵۴
۹	منظور از عهد سوم عصر تکوین	۱۵۵
۱۲	منظور از عهد چهارم عصر تکوین	۱۵۶
۱۵	منظور از عهد پنجم عصر تکوین	۱۵۷
۱۷	منظور از هیات معاونت	۱۵۸
۱۹	منظور از عصر رسولی	۱۵۹
۲۱	منظور از سلطنت الهیه	۱۶۰
۲۲	منظور از مراحل هفت گانه	۱۶۱
۲۳	منظور از خشیه الله	۱۶۲
۲۵	منظور از ایام محرمه	۱۶۳
۲۷	منظور از ایام ها	۱۶۴
۳۲	منظور از عهد اعلی	۱۶۵

۳۴	منظور از یوم میثاق	۱۶۶
۳۹	منظور از اُخرَب مدَن عالم	۶۷
۴۶	منظور از الواح متمم کتاب اقدس	۱۶۸
۵۱	منظور از موسسه ایادی	۱۶۹
۶۴	منظور از کور	۱۷۰
۶۷	منظور از نظم بدیع	۱۷۱
۷۱	منظور از دو رکن نظم بدیع	۱۷۲
۷۶	منظور از آیه و الا ترجع الی	۱۷۳
۸۸	منظور از عصر	۱۷۴
۸۹	منظور از دور	۱۷۵
۹۱	منظور از عهد	۱۷۶
۹۳	منظور از کور دیانت بهائی	۱۷۷
۹۹	منظور از منشور نظم بدیع	۱۷۸
۱۱۱	منظور از نظم اداری	۱۷۹
۱۱۸	منظور از تجری سفینه الله	۱۸۰
۱۲۱	منظور از عصر ذهبی	۱۸۱
۱۳۴	منظور از دوران مجهولیت	۱۸۲
۱۳۸	منظور از دوران مظلومیت	۱۸۳

۱۴۱	منظور از دوران انفصال	۱۸۴
۱۵۸	منظور از عصر تکوین	۱۸۵
۱۶۵	منظور از رسمیت	۱۸۶
۱۶۷	منظور از عهد میثاق	۱۸۷
۱۷۰	منظور از حکومت جهانی	۱۸۸
۱۷۲	منظور از مراحل دهگانه	۱۸۹
۱۷۴	منظور از مرحله اول	۱۹۰
۱۸۰	منظور از مرحله دوم	۱۹۱
۱۸۲	منظور از مرحله سوم	۱۹۲
۱۸۵	منظور از مرحله چهارم	۱۹۳
۱۸۷	منظور از مرحله پنجم	۱۹۴
۱۸۹	منظور از مرحله ششم	۱۹۵
۱۹۱	منظور از مرحله هفتم	۱۹۶
۱۹۳	منظور از مرحله هشتم	۱۹۷
۱۹۵	منظور از مرحله نهم	۱۹۸
۱۹۷	منظور از مرحله دهم	۱۹۹
۱۹۹	منظور از عهد ابهی	۲۰۰

## مقدمه

جلد چهارم کتاب منظور از اختصاص به مباحث و اصطلاحات نظم بدیع و نظم اداری دارد .

زیرا بحر بیکران معارف امری به قدری وسیع است که سالها باید غواص وار در عمق این اقیانوس عظیم غوض نمود تا گهرهای فراوانی که در آن نهفته است را به قدر مقدور و در حد بضاعت و امکانات موجود به دست آورد . امید است توانسته باشم خدمتی هر چند ناچیز در شرح و معرفی بعضی از اصطلاحات امری نموده و عاملی باشم تا دیگران همتی نمایند در تکمیل و رفع نواقص و شرح مطالب بیشتر که گفته اند دیگران کاشتند ما خوردیم ما میکاریم تا دیگران تشویق شده ادامه دهند .

حبیب الله حسامی

کرمان - زمستان ۱۳۹۴

## ۱۵۱- منظور از مرکز دوائر تسعه رمس مظهر حضرت رب اعلى است

حضرت ولی امرالله مقام حضرت اعلى را یکی از موسسات عمده و مقدس نظم بدیع الهی محسوب فرموده اند . برای چه؟ برای اینکه جمال مبارک در لوح کرمل پیش بینی فرمودند که در این کوه باید هم مرکز روحانی باشد و هم مرکز اداری ، حضرت ولی امرالله این مطلب را برای زائرین شرح می دادند که مرکز روحانی همین مقام حضرت اعلى است . پیش بینی فرمودند که این کعبه الهی باید در این کوه باشد و دستور دادند که عرش مبارک به اینجا منتقل شود . دانشمند فقید ارجمند جناب هوشمند فتح اعظم که مستغنی از تعریف هستند در کتاب بحر پرگهر بیان مبارک حضرت ولی امرالله را نقل می نمایند که می فرمایند : " مقام اعلى هم چنانکه در عوالم غیبیه به فرموده حضرت رب البریه مطاف ارواح مرسلین است در عالم کون نیز مرکزیت مقام اعلایش ثابت و

محقق و رمس مطهرش به ظاهر ظاهر مرکز دوائر  
تسعه ناسوتیه واقع"

و ایشان بعد دایره های نه گانه در توفیق مبارک را  
معرفی می نمایند

در این دایره های نه گانه به ترتیب

۱-دایره اول کره ارض

۲-دایره دوم اراضی مقدسه

۳-دایره سوم کوه کرمل

۴-دایره چهارم حرم اقدس

۵- دایره پنجم حدائق وسیعه حول مقام

۶-دایره ششم مقام اعلی

۷-دایره هفتم ضریح مطهر

۸-دایره هشتم تابوت مقدس

۹-دایره نهم رمس مطهر

قرار دارند .



۱۵۲- منظور از دوران استقلال دوره ایست

که امر الهی در ردیف سایر شناخته شود

مرحله استقلال دوران بعد از انفصال است که این آئین را با سایر ادیان الهی برابر و مساوی می دانند چهارمین مرحله از مراحل هفت گانه نشو و ارتقای آئین جهانی بهائی که قرار است بسیط غبرا را رشک بهشت برین نماید دوران استقلال است . این دوره که بعد از دوره انفصال و وابسته بودن به ادیان عتیقه رخ خواهد داد و به عنوان یک دین مستقل همانند سایر ادیان آسمانی صاحب کتاب شناخته خواهد شد از طرف مجامع رسمی ممالک مختلفه دارای همان حق و حقوقی می گردد که سایر ادیان دارند و دیگر تبعیضی در بین نخواهد بود و پیروان آن مورد اذیت و آزار قرار نخواهند گرفت و این دوره مقدمه ایست برای رسمیت یافتن .

۱۵۳- منظور از عهد اول عصر تکوین شروع  
دوران ولایت امری حضرت ولی امرالله تا سال  
۱۳۲۵ شمسی و ۱۹۴۶ میلادی است

ابتدای عهد اول عصر تکوین افتتاح الواح وصایا و  
جلوس حضرت ولی امرالله بر اریکه ولایت امر الهی  
است و مدت آن ۲۵ سال است که تحت رهبری و  
قیادت مرکز ولایت امر اساس نظم اداری امرالله  
مرتفع گردید حضرت ولی امرالله دوران عهد اول را  
۲۵ سال تعیین فرمودند که به سال ۱۰۳ بدیع مطابق  
۱۹۴۶ میلادی و ۱۳۲۵ شمسی پایان یافت . از  
مهمترین وقایع این عصر ارشادات و راهنماییهای  
هیكل مبارک حضرت ولی امرالله در تاسیس و تقویت  
محافل روحانیه ملیه و ایجاد موسسه ایادی امرالله و  
انتخاب حضرات ایادی امرالله از ۵ قاره عالم و بسط  
و گسترش دامنه امرالله به اکثر نقاط جهان و اتمام و  
اکمال ساختمان مقام اعلی و حدائق حول روضه  
مبارکه و امر به داشتن نقشه های متعدد و متنوع از  
جمله نقشه هفت ساله امریکا از تاریخ ۱۹۳۷ الی

۱۹۴۴ و نقشه ۴۵ ماهه مهاجرتی ایران که منجر به فتح نقاط عربی همجوار و قیام بیش از چند صد نفر از مهاجرین به امر خطیر مهاجرت و همچنین ترسیم نقشه دهساله .

دیگر از اقداماتی که در طی عهد اول عصر تکوین انجام گردید می توان از تاسیس محافل روحانی ملی در آمریکا به سال ۱۹۲۵ در آلمان و انگلستان و هندوستان به سال ۱۹۲۳ در مصر به سال ۱۹۲۴ در عراق به سال ۱۹۳۱ و در ایران و استرالیا در سال ۱۹۳۴ اشاره نمود . البته اقدامات مشعشانه دیگری نیز در طی نقشه های ۷ ساله و دهساله انجام شد که به علت کثرت و تنوع آن امکان ذکر و معرفی آنها نیست . از جمله انجام تزئینات و اتمام مشرق الاذکار شیکاگو از دیداد محافل روحانیه ملیه

فتح نقاطی که از دیانت بهائی بی خبر بودند توسط فاتحین و فارسان امر نشر و انتشار آثار امری به زبانهای مختلف

و هزاران اقدام کوچک و بزرگ دیگر

۱۵۴- منظور از عهد دوم عصر تکوین از سال  
۱۰۴۶ الی ۱۰۶۳ و تا تشکیل بیت العدل اعظم  
است

عهد دوم عصر تکوین مقارن با سنین اولیه شروع  
قرن دوم بهائی یعنی تقریباً به سال ۱۹۴۶ میلادی  
آغاز گردید و پایان آن مصادف بود با یکصدمین سال  
اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در بغداد و در پایان  
همین عهد بود که به سال ۱۹۶۳ میلادی بیت العدل  
اعظم الهی تاسیس گردید دوران عهد دوم حدود ۱۷  
سال طول کشید .

بیت العدل اعظم درباره عهد دوم در پیام مورخ  
شهرالبهاء ۱۴۳ بدیع می فرمایند : عهد ثانی یا مرحله  
ثانویه عصر تکوین مقارن با سنین اولیه قرن دوم  
بهائی آغاز گردید و تا تاسیس بیت العدل اعظم در  
سنه ۱۲۰ بدیع ادامه داشت . از اقدامات مهمی که در  
عهد دوم از عصر تکوین انجام شد می توان از دومین  
نقشه ۷ ساله محفل روحانی ملی آمریکا  
نقشه ۶ ساله در انگلستان و استرالیا

نقشه ۴/۵ ساله در هندوستان

نقشه ۳ ساله در نیوزیلند

نقشه ۵ ساله در عراق

و نقشه ۴۵ ماهه مهاجرتی در ایران

حضرت ولی امرالله درباره اهمیت نقشه ۴۵ ماهه ایران می فرمایند : نقشه ۴۵ ماهه از مشروعات مهمه پیروان جمال رحمن است هدف اعلايش اجابت آخرین ندای حضرت عبدالبها راجع به امر خطیر مهاجرت است و مقصد اسمایش استحکام اساس نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله است " ۱-در این دوره مشرق الاذکار شیکاگو رسما طی مراسم و جشنهای مفصل افتتاح گردید .

۲-شورای بین المللی انتصابی به سال ۱۹۵۱ برای کمک به حضرت ولی امرالله در اجرای امور تشکیل شد .

۳-بنای مقام اعلی که در زمان حضرت عبدالبهاء پی ریزی شده بود به سال ۱۹۵۳ تکمیل گردید

۴- نقشه دهساله از ابتدای ۱۹۵۳ به نام جهاد کبیر

اکبر به منظور توسعه و تقویت موسسات امریه در ارض اقدس و تقویت و ازدیاد محافل ملیه و تشکیل کنفرانسهای بین القارات و ساختمان مشرق الاذکار در استرالیا و آفریقا و صدها برنامه ریزی بلند و کوتاه مدت ترسیم گشت ولی متاسفانه در اواخر نقشه ده ساله الهی یعنی ۳ سال مانده به پایان آن صعود حضرت ولی امرالله واقع گردید و از آن به بعد حضرات ایادی امرالله که حارسان امر الهی نامیده شده و در پیام اکتبر ۱۹۵۷ وظیفه صیانت از امرالله نیز به عهده آنان گذاشته شده بود فاتحانه این نقشه را به اتمام رسانده از انشقاق و اختلاف که زائیده تشتت افکار بعد از صعود هر مظهر ظهور یا جانشینش می باشد جلوگیری نموده و بالاخره با تشکیل بیت العدل اعظم این عهد درخشان پایان پذیرفته و عهد سوم عصر تکوین شروع گردید .

## ۱۵۵- منظور از عهد سوم عصر تکوین از تشکیل بیت العدل اعظم است تا سال ۱۹۸۴ میلادی

عهد سوم عصر تکوین که از ۱۹۶۳ میلادی و با  
اختتام موفقیت آمیز نقشه ده ساله و تاسیس بیت العدل  
اعظم شروع گردید تا سال ۱۹۸۴ میلادی ادامه داشت  
و مدت آن قریب به ۲۳ سال بود .

بیت العدل اعظم در دستخط مورخ ۱۹۶۳ چنین می  
فرمایند "یاران محبوب امر الهی که از آغاز اشراق  
در کهف حفظ و کلائت و عون و مرحمت دو ظهور  
اعظم و مرکز عهد اقوم و آیت رب اکرم محفوظ و  
مصون مانده حال به مرحله جدیدی وافد و به عهد  
ثالث عصر تکوین و اصل و وارد گشته است"

در این دوره سه مشروع عظیم جهانی در ظل قیادت  
و هدایت بیت العدل اعظم شروع و به تکمیل اهداف  
محوه اقدام نمودند که عبارتند از نقشه نهساله از  
۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳ نقشه پنجساله ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ و  
نقشه هفت ساله از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۶ که در این دوره

بفرموده بیت العدل اعظم نقاب مجهولیت به یک سو  
افکنده گردید .

در این دوره بیت العدل اعظم با مشورت با حضرات  
ایادی امرالله که یادگارهای نفیس حضرت ولی امرالله  
بودند طرحی جامع برای توسعه و پیشرفت فعالیت‌های  
امری در مواضع مختلفه صیانت و نشر معارف و  
تبلیغ طی نقشه ۹ ساله مطرح فرمودند که تعداد محافل  
روحانیه بالغ بر ۱۱۳ محفل گردید که ۵ محفل بیشتر  
از سهمیه متقبل شده بود . چند کنفرانس بین المللی در  
قارات مختلفه تشکیل شد مشرق الانکار پاناما افتتاح و  
مقدمات تاسیس مشرق الانکار فرانکفورت در المان  
فراهم گردید انتخاب دومین و سومین دوره اعضای  
بیت العدل اعظم انجام شد . دارالتبلیغ بین المللی به  
سال ۱۹۷۳ تاسیس گردید و هیئتهای مشاورین قاره  
ای تشکیل شد . نقشه ۵ ساله و ۷ ساله دیگر با اهداف  
متنوع از جمله شروع ساختمان دارالتشریح، تهیه  
مقدمات مشرق الانکار ساموا و هندوستان و افتتاح  
آنها ، تشکیل ۸ کنفرانس بین المللی طی نقشه ۵ ساله  
و ۵ کنفرانس طی نقشه ۷ ساله و توسعه دوائر جامعه



بهائی در سازمان ملل متحد و ازدیاد محافل روحانیه  
ملی به ۱۶۸ محفل ، تاسیس دفتر اروپائی جامعه بین  
الملل در ژنو که بالاخره این اقدامات و اعزام  
مهاجرین به نقاط مختلفه و ازدیاد محافل روحانی  
محلی باعث شد که امر الهی از مرحله مجهولیت  
خارج شده و عهد ثالث پایان پذیرد .

در کتاب اسرار ربانی که قاموس لوح ۱۰۵ و از  
تالیفات حضرت اشراق خاوری است در صفحه ۸۵ و  
صفحه ۹۸ جلد دوم مرقوم رفته است که عصر تکوین  
نیز به سه عهد منقسم است که البته اشتباه است . و  
عهد عصر تکوین را معهد اعلی آن مقام مصون از  
خطا معین می فرمایند و در هنگام تالیف این کتاب ما  
در عهد پنجم از عصر تکوین می باشیم .

۱۵۶- منظور از عهد چهارم عصر تکوین از ژانویه ۱۹۸۶ الی ژانویه ۲۰۰۱ میلادی است

عهد چهارم عصر تکوین از ژانویه ۱۹۸۶ شروع گردید و تا ژانویه ۲۰۰۱ به مدت تقریباً ۱۵ سال ادامه یافت . بیت العدل اعظم در پیام منبع مورخ دوم ژانویه ۱۹۸۶ می فرمایند " این نحوه اقدام ... بدایت مرحله تازه ای را در جلوه نظم اداری ظاهر و نمایان می سازد . حضرت ولی امرالله عهد های مختلفه متتابعه ای را در عصر تکوین پیش بینی فرموده بودند حال بیت العدل اعظم ظهور و بروز های مرحله تحول و تکاملی اخیر را در رشد بلوغ تشکیلات بهائی بدایت عهد رابع عصر تکوین تعیین و اعلام می فرمایند . و در همان پیام تاکید می فرمایند که حال عهد چهارم از عصر تکوین آغاز گزیده و مرحله جدیدی در حیات روحانی جامعه بهائی به وجود آمده است که خود طلوع عهد های آینده این عصر نورانی خواهد بود . تا ظهور عصر ذهنی نظم بدیع جهان آرای الهی امتداد خواهد یافت . این عهد با

رشد و بلوغ ذاتی که در نتیجه ارشادات و راهنمائیها  
ی معهد مصون از خطای الهی یعنی بیت العدل اعظم  
ایجاد شده بود برای تکامل موسسات امریه و توسعه و  
تقویت محافل روحانی ملی سال ۱۹۸۶ طی پیام منیع  
بیت العدل آغاز گردید . در طی این عهد نقشه ۶  
ساله که ابتدایش سال ۱۹۶۸ و انتهایش سال ۱۹۹۲  
بود تنظیم و به عالم بهائی ابلاغ گردید . اهداف عالیه  
این نقشه منیعه فهرست وار عبارت بود از

افتتاح مشرق الاذکار هند

توزیع بیانیه صلح به بزرگان و روسای جهان

پی ریزی شالوده مرکز مطالعه نصوص

شروع بناهای ضمیمه دارالاثار بین المللی مانند

دارالتحقیق که همان مرکز مطالعه نصوص است

دارالتشریح ساختمان مقر بیت العدل اعظم - درالتبلیغ

بین المللی و کتابخانه بین المللی

تاسیس دفتر محیط زیست در جامعه بین المللی

مشارکت جوانان در نقشه با طرح یکسال خدمت

انتشار کتاب اقدس به زبان انگلیسی

و همچنین سعی هر چه بیشتر جامعه بهائی در حیات جامعه بشری - طبع و نشر آثار امری توسعه دامنه تعلیم و تربیت که منجر به تشکیل موسسه معارف بهائی و دانشگاه مجازی امری گردید .

طی این عهد امر مبارک که از مرحله مجهولیت در آمده بود بیشتر و بهتر به دنیا شناسائی گردید صفحه مخصوص جامعه بهائی در اینترنت تاسیس شد و تعداد محافل روحانیه ملی به ۱۸۱ عدد بالغ گردید . بیانیه آینده را چه کسی رقم می زند از طرف دارالانشاء معهد اعلی انتشار یافت و سمینارها و کنفرانسهای بسیار جهت تقویت بنیه روحانی جوانان و بانوان توسط دفتر خدمات توسعه اجتماعی و اقتصادی تشکیل گردید .

## ۱۵۷- منظور از عهد پنجم عصر تکوین از ژانویه ۲۰۰۱ است تا زمانیکه بیت العدل اعظم انتهای انرا اعلام نمایند

عهد پنجم عصر تکوین که هم اکنون ما در آن هستیم  
در زمان تألیف این کتاب) از ژانویه ۲۰۰۱ میلادی  
شروع گردید و انتهای آن نامعلوم است و توسط بیت  
العدل اعظم به جامعه جهانی امر ابلاغ خواهد گردید  
در پیام فوق بیت العدل اعظم با اشاره به اهمیت  
موسسه مشاورین و اینکه به مرحله جدیدی از بلوغ  
فائز شده اند می فرمایند با وجد و سرور حاصل از  
این ملاحظات به عالم بهائی اعلام می داریم که اکنون  
امر حضرت بهاءالله وارد پنجمین عهد عصر تکوین  
شده است . با توجه به اهداف نقشه یکساله که رئوس  
هدفهای آن عبارت بود از استقرار دارالتبلیغ بین  
المللی در مقر دائمی خود

اتمام و اكمال طرح های کوه کرمل و افتتاح آن در  
ماه می ۲۰۰۱

- ۱- تشکیل مجدد محفل روحانی ملی اندونزی
- ۲- اهداف آموزشی متنوع در توجه به پرورش روحانی اطفال – آموزش مربیان کلاسهای دروس اخلاقی – تشکیل جلسه بحث و مذاکره قاره ای در هند – شرکت نمایندگان بهائی در جلسات و کنفرانسهای متعدد – طرح نقشه ۵ ساله از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ نقشه جهان شمولى که ما را برای ۲۰ سال آینده آماده می کند – نقشه چهار ساله که به عنوان نقطه عطفی که عظمت یک عهد را دارد – نقشه یک ساله به فرموده بیت العدل با این نقشه ۱۲ ماهه از پلى خواهیم گذشت که هرگز به آن باز نخواهیم گشت .

## ۱۵۸- منظور از هیات معاونت انتخاب اشخاصی است برای همکاری با حضرات ایادی امرالله

در زمان حیات هیکل مبارک حضرت ولی امرالله به علت تراکم امور و وسعت دامنه فعالیت حضرات ایادی هیکل مبارک اجازه فرمودند که حضرات ایادی معاونینی انتخاب نمایند که هسته مرکزی هیات معاونت کنونی گردید و از این به بعد تحت اشراف هیات مشاورین به خدمات باهره خود ادامه خواهند داد . هیات های معاونت از ابداعات حضرت ولی امرالله می باشد و برای اولین بار در توفیق آپریل ۱۹۵۴ به حضرات ایادی دستور می فرمایند که هیات معاونت برای خود انتخاب نمایند و سپس هیاتهای معاونت را به دو وظیفه جداگانه صیانت و تبلیغ مامور می فرمایند . این هیاتها زیر نظر حضرات ایادی انجام وظیفه می کردند و توسط ایشان هدایت و سرپرستی می شدند و پس از به وجود آمدن هیاتهای مشاورین تحت هدایت ایشان به فعالیت خود ادامه می دهند و

گزارش اقدامات خود را به هیاتهای مشاورین تسلیم  
می نمایند .



۱۵۹- منظور از عصر رسولی اولین مرحله

دور بابی است

اولین مرحله از دور بهائی و اولین عصر ان بنام عصر رسولی با بطولی نامیده می شود. این عصر که با اظهار امر حضرت رب اعلی شروع گردیده و با صعود حضرت مولی الوری خاتمه پذیرفته دورانش ۷۷ سال بطول انجامید از سال ۱۸۴۴ تا ۱۹۲۱ میلادی مطابق سنه ۱۲۶۰ هجری قمری تا سال ۱۳۴۰ قمری تقریباً حدود هشتاد سال قمری که معادل هفتاد و هفت سال شمسی یا میلادی میشود.

در اهمیت این عصر حضرت ولی امرالله می فرمایند: در این اولین عصر مشعشع دور بهائی که از لحاظ موهبت و کیفیت روحانیه اشرف و امجد از اعصار و ادوار در جمیع شرایع و ادیان سابقه می باشد قوه فاعله دافعه منبعثه از دو ظهور متعاقب متواصل مستقل صمدانی و پیمان و میثاق غلیظ و فرید الهی که در تاریخ بشری بی نظیر و عدیل و مثل است بر جهانیان فائض گردید.

همچنین می فرمایند: در تاریخ ۲۳ می ۱۸۴۴ میلادی نخستین مرحله عصر رسولی دور بهائی آغاز و با حلول این عصر مقدس مجلل ترین و درخشنده ترین حلقه از حلقات کور اعظم الهی که در تاریخ روحانی بی مثل و عدیل است افتتاح گردید. و در مقامی دیگر می فرمایند: عصر مبارکی که از لحاظ علو شان و سمو مقام و امتداد زمان و وفود ائمه و آثار منبیه بدیعه اکبر و اعظم از جمیع اعصار و قرون ماضیه الهیه محسوب بزرگترین لحظات عصر رسولی دور بهائی از افق سیاه چال سطوع نمود. همچنین می فرمایند: این عصر نخستین دور بهائی که از لحاظ قوا و کمالات و افاضات روحانی با هیچ دوره ای ملازم با ماموریت هر یک از موسسان ادوار سابقه قابل قیاس نیست از آغاز تا پایان با قوای خلاقه الهیه که بواسطه ظهور و تجلی دو مظهریت مستقله ربانیه جاری و ساری گشت و نیز در مقام مقایسه با ازمنه روحانیه بشریه با تاسیس عهد و میثاقی فرید و یگانه بارور و حامله شد.

۱۶۰- منظور از سلطنت الهیه انسجام تعالیم  
الهیه در قوانین مدنی و احوال شخصیه مملکت  
است

ششمین مرحله مرحله سلطنت الهیه است که از  
جزئیات آن اطلاع چندانی نداریم و باید به کلام معجز  
شیم حضرت ولی امرالله بسنده کنیم که فرموده اند این  
مرحله مرحله ظهور سلطه شارع امر عظیم است .  
در این مرحله قوانین و ضوابط کشوری تحت تاثیر و  
نفوذ احکام الهی و نظم جهانی است و مقررات  
مملکتی با اوامر و احکام الهی تطابق دارد .

## ۱۶۱- منظور از مرحله هفت گانه سیر تکاملی دیانت بهائی است

مراحل هفت گانه سیر تکاملی استقرار شریعت الله بر  
بسیط غیرا

حضرت ولی عزیز امرالله مراحل مختلف نشو و  
ارتقای شریعت الله را از ابتدای بعثت حضرت رب  
اعلی تا سلطنت الهیه طی هفت مرحله اعلام فرموده  
اند .

۱- دوران مجهولیت

۲- مظلومیت یا مقهوریت

۳- انفصال

۴- استقلال

۵- رسمیت

۶- سلطنت الهیه

۷- حکومت جهانی

## ۱۶۲- منظور از خشیه الله ترس توام با احترام از خدا است .

در کتاب نوزده هزار لغت در معنی خشیه الله  
می نویسد :

خشیه الله در لغت معنی ملاحظه و ترس از خدا -  
خوف درونی از حق ( مثل خوف و ترسی که هر  
عاشق در موارد خطا ، عصیان و یا قصور از  
معشوق دارد - خوف و ترسی که هر اولاد مقید و  
تحت تربیت در موارد قصور ، خطا و یا عدم اطاعت  
از پدر دارد و یا حق را در جمیع احوال ناظر و  
حاضر دانستن .

از حضرت ولی امرالله راجع به خشیه الله سوال نموده  
بودید شاید یاران متوجه این حقیقت نیستند که نفوس  
انسانی برای حفظ انتظام در رفتار و کردار خویش  
اکثر به خشیه الله نیازمندند مگر معدودی قلیل که  
صاحب ترقیات روحی عظیم بوده و صرفا عشق و  
محبت یزدانی محرک اعمال و افعال ایشان است . بیم  
مجازات و خوف از عقوبت الهی در صورت ارتکاب

معاصی برای تثبیت اقدام نفوس در صراط مستقیم لازم و ضروری است . یقین است وجود ما باید نسبت به خداوند تعال مشحون از عشق و انجذاب باشد ولی خوف الهی را نیز بایستی در قلوب استقرار دهیم به همان نحو که طفل از غضب و تنبیه واقعی والدین در خوف و هراس است این توجه و تذکر نباید چون دهشت و وحشت در برابر یک فرد ظالم تلقی گردد بلکه سزاوار است الطاف و عنایات رحمانیه را کامل و آن را ماوراء داد و معدلت الهیه بشناسیم .

## ۱۶۳- منظور از ایام محرمه ۹ روز تعطیلات

امری است قاموس ایقان ص ۵۴۱

بطوریکه می دانیم در دیانت بهائی ۹ روز در سال از ایام جزء تعطیلات امری است و در آن ۹ روز کار حرام است و احبا کاسب باید محل کسب را تعطیل و کارمندان و محصلین باید آن روز ها را اجازه گرفته و به سر کار و مدرسه نروند از این ایام ۵ روز آن مربوط بحضرت بهالله است دوم محرم تولد مبارک هفتادم نوروز صعود هیکل مبارک و سه روزه ایام رضوان که اظهار امر و بعثت حضرتش می باشد

سه روز هم مربوط به حضرت اعلی می باشد اول محرم تولدشان ۵ جمادی اظهار امر و ۲۸ شعبان روز شهادت هیکل مبارک یک روز هم عید نوروز است که اول سال بدیع شروع می شود ضمنا باید دانستکه از ایام فوق فقط ۷ روز از آن در کتاب مستطاب اقدس ذکر شده است و دو روز

دیگر یعنی شهادت حضرت اعلی و صعود  
حضرت به‌الله توسط حضرت عبد البها بعدا به آن  
اضافه گردیده است .



۱۶۴- منظور از ایام ها ء چند روز زائد بین

ماه هیجدهم و نوزدهم امری است

گنجینه حدود احکام

بطوریکه می دانیم سال بهائی ۱۹ ماه دارد و هر ماه نیز ۱۹ روز که جمعا ۳۶۱ روز می شود و چون سالها معمولا ۳۶۵ روز می باشد چهار روز زیادی می آید که در سالهای کبیسه پنج روز میشود آنرا ایام ها ء نامیده اند و محل آنرا بین ماه هیجدهم و نوزدهم قرار داده اند و باین علت آنرا ایام ها ء نامیده اند که ه بحروف ابجد مساوی پنج می باشد .

در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند :

و اجعلوا ایام زائده عن الشهور قبل شهر الصیام انا جعلناها مظاهر الهاء بین اللیلی و الایام ، لذا تجددت بحدود السنه و الشهو ینبغی لاهل البها ء ان تطمعوا فیها انفسهم و ذوی تلقربا ثم الفقرا و المساکین و یهللن و یکبرن و یسبحن و یمجدن

ربهم بالفرح و الانبساط و اذا تمت ايام الاعطا قبل  
امساک فليدخلن فی الصيام  
ایام زائده در تقویم که به ایام ها معروف است  
امتیازش در این است که مظاهر حرف ها می  
باشد ارزش عددی حرف ها و بحروف ابجد پنج  
است که با حد اعلاى ایام زائده مطابق است در  
آثار مبارکه حرف هاءمبین معانی روحانی  
متعددی است از جمله رمزی از هویت ایه میباشد  
جمال اقدس ابهی به پیروان خود امر فرمودند که  
ایام هاء را با وجود و سرور به برگزاری ضیافت  
و انفاق اختصاص دهند می فرمایند که ایام ها  
مخصوص مهمان نوازی و اعطا هدایا و غیره می  
باشد.

فاضل یزدی می نویسد حق جل جلاله در آیات  
مبارکه این نکته لطیفه را به عباد خود تذکر میدهد  
که چون این پنج روز بعدد ها بود و ها در عدد  
پنج است و ما آنرا مظاهر ها هویت مقرر داشتیم

در میان شبها و روزها از اینجهت پنج روز بحدود  
سال و ماه ها مقید و محدود نگشت .  
فاضل جلیل اشراق خاوری اعلی الله مقامه در  
یکی از نطق های خود درباره ایام ها چنین می  
فرماید : ایام ها یعنی ایام پنج گانه بمناسبت اغلیت  
عدد ایام باین ایام اطلاق شده زیرا در سال های  
کببسه میشود پنج روز هر چهار سال که میگردد  
یکدفعه میشود پنج روز و بقیه چهار روز است  
اسفند ماه وقتی که ۲۹ روز باشد ایام ها ۴ چهار  
روز است وقتی ۳۰ روز باشد ایام ها میشود پنج  
روز ایام ها جز سال بهائی نیست سال بهائی  
مطابق تشریح حضرت اعلی و تصویب جمال قدم  
در کتاب اقدس نوزده ماه و نوزده روز است که  
جمعا میشود ۳۶۱ روز آن پنج روز یا چهار روز  
دیگر به منزله ایام زائده بر سال بهائی است و  
جزء سال حساب نمی شود و در کتاب اقدس می  
فرمایند " ما تحددت بحدود سنه و الشهور " یعنی

ایام ها نه جزو سال بهائی است نه جزو ماه بهائی است این بمنزله یک جزء زائدی است که بین هیجدهم و نوزدهم قرار گرفته است و خداوند این ایام را قبل از شهر العلاء که ماه روزه ایام صیام قرار داده است .

می فرمایند اختصاص این ایام است که احبا باید در این چند روز از یکدیگر دعوت کنند و اجتماع کنند و محافل بیاریند غذا هائی ترتیب دهند و این ایام را با کمال فرح و سرور بذكر الهی بگذرانند در کتاب اقدس تاکید بسیار شده است درباره نگهداری عظمت این ایام می فرمایند این چهار روز خیلی مهم است باید احبا اولاً خودشان را اقوامشان را و خویشاوندان را سایر احبا را مورد توجه قرار بدهند گرد هم جمع بشوند و بنشینند با هم آیات الهی را بخوانند و بذكر و ثنای خداوند منان مشغول بشوند .

بعد از اینکه این ایام تمام شد فلیدخلن فی الصیام

آنوقت باید وارد بشوند در روزه در اهمیت ایام ها  
لوح مبارکی نازل گشته که باید در احتفالات و  
جلساتی که اطعام اقوام و مساکین و همچنین ایجاد  
الفت و محبت و جشن و سرور منعقد می شود و  
ایجاد آمادگی ورود به صیام ایجاد میگردد تلاوت  
و زیارت گردد که با این آیه مبارکه شروع می  
شود میفرمایند یا الهی و ناری و نوری قد دخلت  
الایام التی سمیتا بایام الها فی الکتاب ...

الواح مبارکه مخصوص ایام ها را میتوان در  
منابع زیر زیارت نمود

ادعیه محبوب صفحه ۱۳۱

ابواب ملکوت صفحات ۱۹ و ۲۰

رساله تسبیح و تهلیل صفحات ۱۹۷ و ۲۰۳ و ۱۰۴

رساله ایام تسعه

مناهج الاحکام جلد ۱ ص ۹۱

ملحقات کتاب اقدس صفحه ۱۲۳

۱۶۵- منظور از عهد اعلی دوران کوتاه مدت

دیانت بایی است

۱- عهد اعلی که مدت آن ۹ سال است از ۱۲۶۰

ظهور حضرت اعلی تا ۱۲۶۹ اظهار امر

خفی حضرت بهالله در سیاه چال تهران که

بسال میلادی مطابق ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۲ است.

و می دانیم که تولد حضرت عبدالبهاء هم در

پنجم جمادی یعنی هم زمان با روز اظهار امر

و بعثت حضرت اعلی می باشد پس مدت

عصر رسولی طول حیات مبارک حضرت

عبدالبهاء یعنی ۷۷ سال است .

عهد اعلی با اظهار امر حضرت اعلی شروع می شود

مدت آن ۹ سال است از ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۹ قمری بیان

مبارک حضرت ولی امرالله درباره این عهد در کتاب

گاد پاسزبای که به فارسی ترجمه شده و بنام قرن بدیع

انتشار یافته در جلد اول صفحه ۲۹ نقل گردیده

است. حضرتش در این باره می فرمایند : عهد اول یا

عهد اعلی منتسب بحضرت نقطه اولی مظهر عظمت

و قدرت و خضوع و خشوع و مظلومیت و نورانیت الهیه است. ابتدایش اظهار امر ان سید امم در اقلیم فارس که به شهادت ان حضرت در مدینه تبریز منجر گردید و خاتمه اش حدوث مذبحه کبری و ملحمه عظمی کشتار مومنین و فدائیان ان نور مبین در عاصمه مملکت و بزوغ شمس حقیقت در سنه تسع در زندان مدینه منوره طهران است. همچنین می فرمایند :  
مرحله اول و عهد اعلی که از جهت حدوث وقایع عظیمه شدیدترین و شگفت انگیزترین وقایع قرن اول بهائی را تشکیل میدهد بیش از نه سال بطول نیانجامید طلوعش اظهار امر نقطه اولی و اختتامش سطوع اولین انوار ظهور اعظم امنع ابهی است. که منظور از سطوع اولین انوار اظهار امر خفی حضرت بهالله در سیاه چال طهران است.

در دوران عهد اول عصر رسولی که منتسب به حضرت رب اعلی است امر مبارک فقط به در دو اقلیم اشتهار یافت مملکت ایران و عراق .

۱۶۶- منظور از یوم میثاق روز انتخاب شدن  
حضرت عبدالبهاء به جانشینی حضرت بهاءالله  
است .

منظور از یوم میثاق روز اعلان کتاب عهدی و جلوس  
هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء بر اریکه خلافت  
عظمی و انتخاب حضرتش به عنوان مبین آیات الله  
می باشد در کتاب حیات حضرت عبدالبهاء پاورقی  
صفحه ۳۴۱ در این باره می نویسد :

پس از صعود جمال مبارک احبا از حضور حضرت  
عبدالبهاء استدعا نمودند که اجازه فرمایند روز اعلان  
کتاب عهد کتاب عهد و استقرار آن حضرت بر کرسی  
ولایت و مرکزیت عهد و پیمان را در هر سال جشن  
بگیرند آن حضرت اجازه فرمودند تا آنکه چند مرتبه  
این تقاضا تکرار شد لذا فرمودند باید مدت شش ماه از  
صعود مبارک فاصله باشد و روز ششم قوس را که  
درست شش ماه از صعود حضرت بهاءالله می گذرد  
تعیین فرمودند آن هم به اراده مبارک و اثبات کمال  
محویت و فنا در آستان حضرت بهاءالله و عبودیت



محضه که نام و نشانی از خود نمی خواستند مصادف با روز صعود خود آن حضرت گردید .

در لوحی خطاب به میرزا احمد علی نام که سؤال از ایام تعطیل نموده می فرمایند: " اما ششم قوس استغال ممنوع نه اگر یاران احیانا شادمانی کنند این طوعا به دلخواه خود ایشان است اما فرض نه و واجب ایامی است که تعلق به جمال ابهی و نقطه اولی دارد .

لوح عهدی در روز نهم بعد از صعود مفتوح و تلاوت گردید جشن ارتقای مرکز میثاق بر سریر ولایت عظمی در روز ششم قوس گرفته شد و از آن سال به بعد تا دوره صعود احبا مرتبا این جشن را می گرفتند از قضا صعود مبارک هم در ششم قوس اتفاق افتاد .  
حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

اما در خصوص یوم جلوس مرقوم فرموده بودند جلوس این عبد این است که به عبودیت آستانه مبارکه و نشر نفحات قدسش و اعلاء کله اش به تائیدات ملکوت ابهائش موفق شوم پس از صعود آن جمال مبین و افول آن شمس علیین و محرومی و حرمان و مهجوری و هجران از مشاهده آن انوار تابان ای

خاک بر سر من و بر جلوس من الیوم باید که جمیع  
توجهات محصور بر اعلا و شوون تقدیس و ظهور  
حقایق تنزیه و اشتغال بر استقرار بر کلمات الله گردد  
در ملا عالم بین امم به نشر نفحات جانبخش حضرت  
احدیت مشغول شد. در لوحی دیگر می فرمایند :  
در خصوص مساله یوم معلوم همانست که از پیش  
مرفوم گردید بعد ملاحظه شده که آن حضرت قدری  
از آن جواب افسرده شدید و از جهت دیگر نیز  
اصرار در این مساله کسان دیگر در جهات سائره بی  
نهایت می نمایند و شاید در جانی بدون استیذان اجرا  
نمایند آن وقت اسباب حزن شدیدی از عدم اجازه به  
جهت آن حضرت حاصل گردد لهذا این قضیه را  
موکول و محول بر رای خود آن جناب نموده که به  
هر قسم و هر وقت که مصلحت بدانند مجری دارند  
اگر صد و هشتاد روز چیزی از یوم صعود بگذرد که  
ابعدایام از یوم صعود باشد بهتر است و اگر چنانچه  
کل از این فکر بگذرند خوشتر و دلکش تر آید الیوم  
جمیع افکار را در توسیع دائره تبلیغ و شوق و ذوق  
احبا باید صرف نمود ع ع

و از حضرت ولی امرالله در ابلاغیه ای است: " تاریخ بعثت و شهادت حضرت اعلی و جلوس حضرت عبدالبهاء همان است که در ایام مبارک حضرت عبدالبهاء در بین احبای غرب معمول و مجری بود تغییری داده نشد و قرار قطعی نهائی راجع به بیت عدل اعظم است ...

حکم یوم جلوس و یوم صعود حضرت عبدالبهاء ... و اما سؤال از یوم جلوس و یوم صعود حضرت عبدالبهاء که آیا این دو یوم جز تعطیلات رسمی بهائی محسوب و اشتغال به امور حرام است فرمودند حرام نه ولی جز ایام مخصوصه متبرکه است .

حضرت ولی امرالله در توفیق منیع مورخه ۲۱ ژانویه ۱۹۵۱ خطاب به محفل روحانی ملی استرالیا و نیوزیلند می فرماید :

لازم است که اهل بهاء با تشکیل جلسات مناسب مراسم یوم میثاق یعنی ۲۶ نوامبر و یوم صعود یعنی ۲۸ نوامبر به ترتیب سالگرد تولد و صعود حضرت عبدالبهاء را برگزار نمایند در این دو یوم کار و اشتغال ممنوع نمی باشد به عبارت دیگر احبا باید

برگزاری مراسم این در سالگرد را واجب شمارند اما  
تعطیل کسب و کار در آنها را ضروری به حساب  
نیاورند .

## ۱۶۷- منظور از اخرب مدن عالم عکا است

شهر عکا در حقیقت زتدانی بزرگ برای مجرمین و زندانیان سیاسی و مخالفان امپراطوری عثمانی بود دارای هوائی کثیف و آبی گندیده و محیطی نامناسب که احتمال زنده ماندن در آن بسیار کم بود از ملتزمین رکاب که نامشان در کتاب بهالله شمس حقیقت صفحه ۳۷۵ ذکر شده حرمهای جمال مبارک و فرزندانشان و میرزا موسی کلیم و خانواده اش شامل دو همسر و میرزا قلی و اهل و عیالش و یکی از همراهان ازل حدود پنجاه نفر از اصحاب و مومنین می باشند محل توقف حضرت بهالله و همراهان در امکنه عکا بود مکان اول قشله عسکریه که حدود پنج سال و دو ماه و یکروز در آنجا توقف داشتند بعدا به بیت ملک تغییر مکان دادند که ۳ ماه در آنجا ساکن بودند بعد به بیت منصور که در اینجا هم قریب ۳ ماه تشریف داشتند و بیت عبود که محل نزول کتاب

مقدس اقدس است و بالاخره در مزرعه و قصر  
که صعود مبارک در آنجا واقع گردید

حضرت ولی امر الله می فرمایند :

با ورود حضرت بهالله به عکا آخرین مرحله  
رسالت چهل ساله آن مظهر کلیه الهیه آغاز و  
دوران نفی و سرگونی آن وجود مقدس که آن نیز  
مدت چهل سنه بطول انجامید بمرحله نهائی و اوج  
اعلای خود واصل گردید

همچنین می فرمایند : فرمان صریحی که از جانب  
سلطان و وزرایش صادر می شد دائر بر این بود  
که متهم گمراه ساختن مردم بودند هر چه بیشتر  
تحت فشار قرار بگیرند و امید قاطعشان بر آن بود  
که این حبس ابد سبب نابودی کلی زندانیان شود  
بهمین دلیل ابواب لقا مسدود و سختگیری شدیدی  
برقرار حتی در دادن جیره روزانه نیز سختگیری  
و امساک می کردند.

عکا شهری است که در کنار دریای روم در

فلسطین واقع شده قلعه مستحکمی که از چندین قرن قبل محل توجه عباد و مزار انبیا و لانه و آشابنه رسل و اولیای مالک ایجاد بوده همان شهری که داود داود آنرا مدینه محصنه خوانده و هوشع بنام باب امید نامیده و در آثار الهیه بنامهای سجن عکا بقعه بیضا وادی نبیل بقعه الفردوس مرج عکا مادیه الله و ارض کثیب حمراء یاد شده است این مدینه در ادوار گذشته حالات مختلف ضعف و قدرت و آبادانی و ویرانی را گذرانیده تا اینکه در واقعه جنگهای صلیبی بدست صلیبیون افتاد

مدتی نیز مرکز تسلط و حکمرانی طوایف مختلف بوده تا بالاخره دولت عثمانی آنرا فتح و محل مجرمین سیاسی و مقصرین قرار داد در تاریخ ۳۱ اوت ۱۸۶۸ مطابق ۱۲ جمادی الاثلی ۱۲۸۵ در حالیکه از این شهر آباد جز خرابه ای باقی نمانده بود جمالقدم را به آن نقطه نفی کردند .

حضرت عبد البها می فرمایند اگر چنانچه تعرض  
اعدا نبود و این نفی و تبعید واقع نمی گشت عقل  
باور نمی کرد که جمال مبارک از ایران هجرت  
نماید و در این ارض مقدسه خیمه بر افرازد در  
همان اوائل ورود جمیع مریض و علیل و ملازم  
بستر گردیدند مدینه مذکور پر از حشرات و  
مرطوب و دارای کوچه های تنگ و تاریک و  
کثیف و پیچ در پیچ بوده و در بدی آب و هوا و  
آلودگی محیط بقدری معروف بوده که در افواه  
ناس شیوع داشت اگر پرنده ای از آسمان عکا  
عبور کند بلا درنگ هلاک و بزمین ساقط خواهد  
شد قریب ثالث حیات مقدس و بیش از نیمی از  
دوره رسالت حضرت بهالله در این مدینه گذشت  
این وقایع و حوادث از سختترین دوران امر مبارک  
محسوب میشود و به درجه ای که هیچیک از  
حوادث تاریخی این امر عظیم را بجز انقلاب  
داخلی ارض سر نمیتوان با مصائب دوران سجن



عکا قابل مقایسه دانست در الواح الهیه کرارا  
بمشقات آن زمان اشاره شده چنانچه می فرمایند: "  
از اول دنیا تا حال چنین ظلمی دیده نشده و شنیده  
نگشت مصیبت دردناک و ناگهانی دیگری نیز رخ  
گشود که به احزان و آلام مبارک افزود و آن  
عروج جناب میرزا مهدی غضن الله اطهر فرزند  
بیست و دو ساله جمال مبارک بود لسان عظمت  
در وصف هموم و غموم سجن اعظم می فرمایند  
اگر چه بر ما وارد شده مذکور آید هر آینه آسمان  
ها منفطر و کوه ها مندک گردد.

از آثار نازله در مدینه عکا می توان کتاب  
مستطاب اقدس سوره هیکل لوح برهان لوح ابن  
ذئب و الواح اشراقات بشارات طرازات تجلیات و  
کلمات فردوسیه و لوح دنیا را نام برد

- برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمائید
- دلیل و ارشاد ص ۲۲۱
- مبادی استدلال ص ۳۴۰
- بشارات کتب آسمانی ص ۱۷۲
- لوح شیخ نجفی ص ۱۳۲ جزوه فضائل عکا و  
عسقلان
- قاموس لوح شیخ جلد ۱ ص ۷۴
- رحیق حیرت یا باده سرگردانی ص ۷
- قاموس لوح شیخ جلد ۲ صفحه ۷۸۴-۸۶۶-۷۸۴
- اسرار ربانی جلد ۱ صفحات ۱۱۰ و ۲۳۹
- رحیق مختوم جلد ۲ ص ۷۶۶
- اسرار ربانی جلد ۲ صفحات ۱۸۸-۱۸۹-۱۹۳-  
۱۹۷

- خاطرات حبیب جلد ۲ ص ۲۰
- خاطرات نعیم جلد ۱ ص ۴۶۰
- سفینه عرفان جلد ۳ ص ۱۸۱
- رحیق مختوم جلد ۲ ص ۱۰۵۲
- پیام بدیع سال ۱۹ شماره ۲۲۵ ص ۴۰
- عندلیب سال ۷ شماره ۲۲۵ ص ۴۲
- پیام بهائی شماره ۲۲۹ ص ۲۲
- لئالی درخشان ص ۳۸۱ شمش حقیقت ۲۳۵-۱۳۲-
- ۲۶۱-۳۴۸-۳۴۸-۳۵۳-۳۵۴-۳۲۸
- شمس حقیقت اعظم ۳۷۶

## ۱۶۸- منظور از الواح متمم کتاب اقدس الواح زیر است

اشراقات - بشارات - طرازات - تجلیات -  
کلمات فردوسیه - لوح دنیا - لوح مقصود - لوح  
اقدس - رساله ابن ذئب - الواح وصایا - رساله  
سؤال جواب و کتاب عهدی

پس از نزول کتاب مستطاب اقدس و تشریح حدود  
و احکام الهیه الواح متعالیه دیگری نیز در اواخر  
ایام از یراعه مالک انام عز نزول یافت که در آن  
صحائف مقدسه اصول و مبادی سامیه این امر  
اعظم تشریح و بعضی از تعالیم و احکامی که از  
قبل از قلم اعلی نازل شده بود تبیین و تکمیل  
گردید و در این الواح بدیعه منیعه بشارات و  
انذارات جدیدی از سما اراده رحمن ظاهر و پاره  
ای از اوامر و نواهی که فی الحقیقه مکمل حدود  
و احکام کتاب اقدس محسوب است وضع و مقرر  
گردید . از آن جمله است الواح اشراقات و

بشارات و طرازات و تجلیات و کلمات فردوسیه و لوح اقدس و لوح دنیا و لوح مقصود . این اسفار جلیله که از آثار عظیمه و اخیره قلم خستگی ناپذیر جمال اقدس ابهی محسوب در عداد اعلی و ابهی ثمرات جنیه آن خزانه علم الهی و هدف غائی و کمال نهائی رسالت چهل ساله آن جمال مبین است .

امروز هر نفسی اطلاع بر وصایا و نصایح بهاءالله یابد و الواح کلمات و تجلیات و اشراقات و طرازات و بشارات را بخواند ادا برای او شبهه نماند که این تعالیم رزق امروز عالم انسانی است و سبب حیات ابدی .

همچنین می فرمایند : " الواح طرازات و کلمات و تجلیات و اشراقات و بشارات را بامعان نظر بخوانید و به موجب آن تعالیم الهیه قیام نمائید تا آنکه هر یک شمعی روشن گردید و شاهد انجمن شوید و مانند گل گلشن رائحه طیبه منتشر نمائید

چون بحر پرجوش و خروش شوید و چون ابر  
فیض آسمانی مبذول دارید به آهنگ ملکوت الهی  
دمساز گردید و آتش جنگ بنشانید و علم صلح بلند  
نمائید وحدت عالم انسانی ترویج دهید و دین را  
وسیله محبت و مودت به جمیع بشر شمرد و  
جمیع خلق را اغنام الهی دانید ....

مکاتیب ۳ ص ۹۳

جناب دکتر محمد حسینی در کتاب قاموس ایقان در  
این باره می نویسد :

مراد از الواح متمم کتاب اقدس الوح نازل از قلم ابهی  
پس از نزول کتاب مذکور است در این الواح مبارکه  
برخی از احکام فرعی و تکمیلی و تعالیم و نکاتی که  
در کتاب اقدس تصریح نشده و یا به تفصیل نیامده  
نازل شده و یا توضیح گردیده است حضرت بهاالله در  
یکی از الواح می فرمایند " اوامر و احکام در  
اشراقات و تجلیات و طرازات و کلمات فردوسیه و  
الواح اخری هم نازل گشته

حضرت ولی امر الله در آثار مبارکه خویش برخی از

اهم الواح متمم کتاب اقدس را نام برده اند که عبارتند از : اشراقات ، بشارات ، طرازات ، کلمات فردوسیه ، لوح اقدس ، لوح دنیا ، لوح مقصود و رساله ابن ذئب به تصریح حضرت ولی امر الله الواح وصایای حضرت عبدالباها نیز متمم کتاب اقدس است.

به تصریح بیت العدل اعظم الهی رساله سوال و جواب نیز از آثار متمم کتاب اقدس است حضرت ولی امر الله در خصوص الواح متمم کتاب اقدس چنین می فرمایند " پس از تدوین حدود و احکام مهمه دور بهائی در کتاب مستطاب اقدس حضرت بهالله آثار مبارکه دیگری را تا اواخر ایام نازل فرمودند که در آن صحائف مقدسه بعضی از اوامر و اصول اساسیه شریعت الله را اعلان و برخی از حقایق نازله از قلم اعلی را تائید و تاکید و پاره از حدود و احکام صادره را توضیح و تفصیل و بشارات و انذارات دیگری را بیان و اوامر فرعیه مکمل احکام کتاب اقدس را بیان و وضع و تشریح فرمودند و جمیع این مطالب را در الواح بی شماری که تا آخرین ایام حیات عنصری مبارکش نازل گشته مذکور و مسطور است .

در سال ۱۹۷۸ میلادی مجموعه ای از الواح متمم کتاب اقدس وسیله معهد مقدس اعلی فراهم شده که عینا به زبان انگلیسی نیز ترجمه گردیده است در این مجموعه علاوه بر آثار مبارکه ای که در بالا مذکور گشت لوح کرمل ، لوح حکمت ، ( لوح اصل کل الخیر ) سوره وفاء ، لوح سید مهدی دهجی ، لوح برهان ، کتاب عهد ، و لوح ارض یا نیز درج شده و به حقیقت اهم الواح متمم کتاب اقدس محسوب گردیده است



## ۱۶۹- منظور از حضرات ایادی امرالله افراد شایسته منتخب از طرف طلعات مقدسه میباشند

یکی از ارکان دیانت مقدسه بهائی که در دیگر ادیان نبوده و ضمن ابتکاری بودن آن رل مهمی در تحقق آمال مقدسه جامعه اهل بها دارد تاسیس موسسه هیات ایادی است که بفرموده هیکل مبارک حارسان مدنیت جهانی بهائی که در مرحله جنینی است میباشد. در باره وجه تسمیه ایادی و انتخابشان حضرت عبدالبها جل اسمه الا عظم میفرماید: (ایادی امر دستهای حقند پس هر که ناصر و خادم کلمه الله است اوست دست حق ثابت این عنوان در حق او صادق) حضرت ولی امر الله ارواحنا فدا می فرماید ( علماء در این کور مقدس در یک مقام ایادی امر الله هستند.) در باره اهمیت مقام هیات مجلله ایادی همین بس که حضرت عبدالبها در الواح وصایای مبارکه وظایف آنان را تعیین و ارزش وجودی آنان را ستوده اند. فرموده اند که (ایادی امر را باید ولی امر

انتخاب نماید ) با وضع حاضر که راه انتخاب ولی امر ثانی مسدود است در نتیجه انتخاب ایادی نیز غیر ممکن میباشد و این نفوس مقدسه ایکه بعنوان ایادی امر انتخاب شده اند اولین و آخرین نفوس مبارکه ای هستند که باین عنوان پر افتخار متباهی شده اند. قبل از اینکه بتشریح وظایف این نفوس مقدسه پرداخته شود لازم به ذکر است که کلمه ایادی از ید بمعنی دست گرفته شده که ایدی جمع آن و ایادی جمع الجموع آنست و اینکه گاهی دیده میشود که ایادی را با (الف) و (نون) جمع بسته و ایادیان ذکر میکنند صحیح نیست زیرا کلمه ایادی که خود جمع الجموع است دیگر نباید جمع بسته شود.

باتوجه به بیان مبارک حضرت عبدالبهاء در مورد اینکه ایادی امرالله را باید ولی امرالله تسمیه نماید بالاخره در دسامبر ۱۹۵۱ بشارت تاسیس موسسه ایادی امرالله در عالم بهائی بشرح ذیل انتشار یافت (.....) اکنون وقت آن رسیده که موضوعی که اضطرارا مدتی بتعویق افتاده بود بمرحله عمل درآید و ان تعیین ایادی امرالله بر طبق نصوص الواح وصایای

حضرت عبدالبهاء است این مشروع جدید التاسیس حلقه اتصال دیگری برای تحکیم روابط مرکز دائم الا تساع بین المللی امرالله با جامعه پیروان اسم اعظم در سراسر عالم بهائی است و راه را برای مبادرت به اقدامات دیگر بمنظور تقویت اساس نظم اداری بهائی هموار میسازد.)

حضرت ولی محبوب امرالله در تلگراف مورخ اکتبر ۱۹۵۷ چنین میفرماید: " مؤسسه ایادی امرالله که به اراده قاطعه الهیه تاسیس گردیده بموجب اختیارات منصوصه در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء دارای دو وظیفه اصلی صیانت و ترویج امرالله میباشد سپس دایره خدمات ووظایف مقدسه این مؤسسه فخریه را منبسط ساخته و میفرماید: وظیفه مهم و اساسی مراقبت و صیانت جامعه بهائی با همکاری و اشتراک مساعی نزدیک با همان محافل روحانیه ملیه من باب سابقه آن هیئت اضافه میگردد. " بیت العدل اعظم الهی در خصوص وظیفه حیاتی مؤسسه ایادی امرالله چنین میفرماید:

" مؤسسه فخریه ایادی امرالله که طبق نصوص مقدسه

وظایف معینه صیانت و ترویج امرالله بعهدہ آن  
عصبہ جلیلہ تفویض گشتہ دارای مسئولیت حیاتی  
مخصوصہ ای است کہ باید ایفا نماید.

حضرت ولی محبوب امرالله در تاریخ ۴ نوامبر  
۱۹۳۱ چنین فرمودہ اند: در این دور مقدس علما از  
یک جهت ایادیان امرالله و از جهت دیگر مبلغان و  
ناشران تعالیم الہیہ هستند کسانی کہ همطراز ایادیان  
نبودہ اما در میادین تبلیغ امرالله مقام و مرتبتی عالی  
و برجستہ کسب کردہ اند.

ایادیان امرالله در این دور مبارک وراثت اسم و لقبی  
نیستند بلکہ نفوس مقدسہ ای هستند کہ اشعہ تقدیس  
وروحانیتشان اذہان خلق را منور میسازد قلوب بہ  
جمال اخلاق و خلوص نیات و حس عدالت و انصاف  
آنان مجذوب است و نفوس بہ اخلاق ممدوحہ و  
خصائص مقبولہ اشان محسور و وجوہ خود بخود بہ  
سمت آثار باہرہ و علائم ظاہرہ شان متوجہ . این  
لقبی نیست کہ برای خشنودی کسی بہ او اعطا گردد  
بلکہ سند افتخاری است کہ بر روی آن ہر کسی  
بخواید جلوس مینماید. ایادیان امر ایادیان رحمن

هستند لهذا هر کسی که بنده کلمه الله و رافع آن است او ایادی خداوند است مقصد روح کلمه است و نه حروف و شکل آن هر چند نفسی در امر الهی محویت و فنا ی بیشتری حاصل کند تایید و توفیق بیشتری نصیبش خواهد شد و هر چقدر خضوع و خشوع افزونتری کسب کند به خداوند بزرگ نزدیکتر خواهد گشت.

ایادی انتخاباتی زمان حضرت ولی امرالله ۳۲ نفر میباشند همچنین عده ای از دانشمندان و مبلغین و مهاجرین نیز در نتیجه فعالیت‌های تبلیغی و خدمات ارزنده ای که در ایام حیات از خود بروز داده اند پس از صعودشان مشمول فضل و عنایت حضرت ولی امرالله شده به لقب پر افتخار ایادی مفتخر شده اند لازم شد که نام آنان نیز برای ضبط در تاریخ در این کتاب ثبت شود تا آنجا که این عبد تحقیق نموده است تعداد حضرات ایادی ۴۹ نفر است

ایادی زمان حضرت بهاءالله چهار نفر است :

۱- ملا علی اکبر شهمیرزادی (حاجی آخوند)

۲- میرزا محمد علی بن اصدق خراسانی  
( ابن اصدق )

۳- میرزا محمد تقی ابهری ( ابن ابهر )

۴- میرزا حسن طالقانی ( ادیب العلماء )

در زمان حضرت عبدالبهاء کسی رسماً بعنوان  
ایادی تعیین نشد ولی چهار نفر باین لقب مفتخر  
شده اند

۱- آقا محمد قاننی ملقب به ( نبیل اکبر )

۲- ملا صادق مقدس خراسانی ملقب به ( اسم الله  
اصدق )

۳ - شیخ محمد رضا یزدی

۴- آقا میرزا علی محمد ورقای شهید

در زمان حضرت ولی امرالله ضمن صدور تلگراف  
منیع مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ دوازده نفر نفوس  
مقدسه از شرق و غرب عالم بشرح ذیل انتخاب  
گردیدند

۱- جناب ویلیام سادرلند ماکسول

۲- چارلز میسن ریملی

۳- امة الله املیا کالینز

۴- جناب ولی الله ورقا

۵- جناب علی اکبر فروتن

۶- جناب لروی ایواس از امریکا

۷- جناب طراز الله سمندری

۸- جناب هوراس هولی

۹- امة الله دروتی بیکر

۱۰- جناب یوگو جیاگری

۱۱- جناب جرج تاونزند

۱۲- دکتر هرمان گروسمن

در فوریه سال ۱۹۵۲ هفت نفر دیگر بشرح ذیل باین

سمت برگزیده شدند

۱- جناب فرد شافلاخر

۲- امة الله كورين ترو

۳- جناب ذكر الله خادم

۴- جناب شعاع الله علائى

۵- جناب آدلير مولشگل

۶- جناب موسى بنانى

۷- امة الله كلارا دان

وبالآخرة در اكتوبر سال ۱۹۵۷ ضمن تفويض وظيفه  
خطيره حفظ وصيانت جامعه به هيات مجلله ايادى  
۸نفر ديگر را به اين شرح انتخاب فرمودند

۱- جناب ايناك اولينگا

۲- جناب ويليام سيرز

۳- جناب جان ربارتس

۴- جناب حسن موقرافنان باليوزى



۵- جناب جان فرابی

۶- جناب کالیس فدرستون

۷- جناب دکتر رحمت الله مهاجر

۸- جناب ابو القاسم فیضی

از این ۲۷ نفر ایادی ۵ نفر از آنان در زمان حیات  
هیكل مبارك صعود فرمودند كه عبارتند از :

۱- جناب ماكسول

۲- جناب جرج تاونزند

۳- جناب ولی الله ورقا

۴- امة الله دروتی بیکر

۵- جناب فرد شافلا خر

هیكل مبارك بعد از صعود این ۵ نفر ۵ نفر دیگر را  
بجای آنها بدین ترتیب انتخاب فرمودند:

۱- امة البها حضرت روحیه خانم

۲- جناب دکتر علی محمد ورقا

۳- جناب سرهنگ جلال خاضع

۴- جناب پل هنی

۵- امة الله اگنس الكساندر

از ۲۷ نفر ایادی فوق ۴ نفر آنان پس از صعود هیکل مبارک و پس از انجام خدمات پر ارج در ایام حیات خود بملکوت ابهی صعود فرمودند که عبارتند از:

۱- جناب هوراس هولی

۲- جناب لروی ایواس

۳- امة الله کلارا دان

۴- امة الله املیا کالینز

و یکی از آنها ( چارلز مسین ریمی ) نیز بواسطه انحراف و بیوفائی نسبت به نصوص و اظهار ادعاهای بی اساس و واهی از جمع ایادی و جامعه امر طرد شد طبق بیان مبارک حضرت ولی عزیز

امراالله این حضرات ایادی از ۵ قاره عالم و از نژاد سیاه و سفید هر دو انتخاب شده اند و نسبت آنان به سه دین بزرگ عالم یعنی یهودی و مسیحی و اسلام میرسد و این خود رمزی از وحدت اصلیه ایست که در جامعه بین المللی بهائی موجود میباشد.

اما گذشته از نفوس مقدسه ایکه ذکر شدند عده ای هم بعد از صعودشان بواسطه خدمات درخشانی که انجام داده باین لقب پر افتخار ملقب گردیده اند و حضرت ولی امرالله در تلگرافاتی که بعد از صعود آنان مخابره فرمود و بصرف فضل آنها را در زمره ایادی امرالله محسوب فرمودند که عبارتند از:

۱- جناب سید مصطفی رومی

۲- جناب میرزا عبد الله مطلق

۳- جناب محمد تقی اصفهانی

۴- دکتر جان ابنزر اسلومنت

۵- امة الله میس مارثاروت

- ۶- امة الله ميس كهلر
- ۷- جناب لوئی گریگوری
- ۸- جناب روی . نی ویلهلم
- ۹- عبدالجلیل بیگ سعد
- ۱۰- میرزا آقا افنان
- ۱۲- ابو الحسن اردکانی
- ۱۳- هانری دون
- ۱۴- کلارا دان

شرح حال تعدادی از حضرات ایادی در اخبار امری  
و آهنگ بدیع و مصابیح هدایت و تذکره الوفا آمده و  
درباره بعضی کتب مستقلی تدوین و تالیف گشته مانند  
شرح حال دکتر مهاجر و طراز الهی و موسسه ایادی  
و میس مارثاروٹ و خانم ملکوت و خاطرات جناب  
فیضی به نام فاتح دلها و چند کتاب دیگر .

## ۱۷۰- منظور از کور دوران طولانی چند شریعت است .

کور مدت زمانی است طولانی که مظاهر مقدسه متعددی برای راهنمایی و ارشاد بشر به امر حضرت پروردگار ظاهر شده و با احکام و تعالیم خود دین جدیدی را بعالم امکان عرضه می دارند. مثلا کور حضرت ادم از ابتدای خلقت تا زمان حضرت محمد ادامه داشته که در این مدت پیغمبران بسیاری ظهور کرده اند که می گویند تعداد آنها بالغ بر ۱۲۴۰۰۰ نفر بوده که البته کسی از نام و نشان آنها جز تعدادی معدود خبر ندارند و مشهورترینشان نوح - ابراهیم - موسی - زرتشت - عیسی و محمد بوده و فقط نام ۲۸ نفرشان در قران مجید آمده است.

کور ادم با ظهور حضرت اعلی پایان یافت و کور دیانت بهائی که امتدادش طبق نصوص مبارکه حداقل پانصد هزار سال است شروع گردید کور بهائی خود به تقسیمات کوچکتر تقسیم شده که به آن دور می گویند. اولین دور از کور جدید دینت بهائی است که مدت آن

حداقل هزار سال است و بعد از آن هر پیغمبری که ظاهر می شود در ظل کور دیانت بهائی است. از انجایی که اصطلاحات کور و دور و عصر و تقسیمات جدید امری که در توفیق ۱۰۵ از یراعه مقدس حضرت ولی امرالله نازل شده کاملاً بدیع و جدید و ابتکاری بود حتی فضلالی امر هم در فهم نکات مهمه آن دچار اشتباه میشدند.

مثلاً نویسنده فاضل کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی در چاپ اول آن کتاب ضمن شرح کور و دور و عصر و عهد می نویسد با تشکیل بیت العدل اعظم وارد عصر ذهبی می شویم در حالیکه می دانیم اشتباه است. و بیت العدل اعظم با شروع عهد سوم عصر تکوین تشکیل شد. و یا نویسنده دانشمند کتاب اسرار ربانی که قاموسی بر توفیق ۱۰۵ بدیع می باشد. می نویسد هر عصری به سه عهد تقسیم می شود و عصر ذهبی را که هنوز نیامده دارای سه عهد می داند در حالیکه ما هم اکنون در هنگام تالیف این کتاب در عهد پنجم از عصر تکوین می باشیم به همین دلیل است که حضرت ولی امرالله می فرمایند: ...((... ادعای فهم

جميع عواملی و قسمتهای داخلی این نقشه عظیم الهی که حضرت به‌الله برای نجات من فی الملک انشا فرموده و نیز ادعای به اینکه به عمق اهمیت و عظمت ان کسی نائل گشته حتی از طرف پیروان ثابت قدمش جسارتی است عظیم و وهم و خیالی است بس جسیم .

سعی در اینکه تکنونات و تمکنات انرا تصور نمایند و یا منافع و مزایای اتیه انرا بها و ارزشی نهند و یا ابهت و عظمت ان را در خاطر تصور کنند بالکل بیهوده و بی اثر است و حتی در این عصر مترقی و دوره علو مسیر تکامل انسانی محال است نفسی به حکم بالغه ان پی ببرد فقط قادریم طلایع نصر و علائم ظهور فجر سلطنت موعوده الهیه را مشاهده کنیم و تنها می توانیم اصول اساسیه این نظم بدیع را بعالمیان نمایانده و بنماییم که چگونه حضرت به‌الله انرا تمهید فرمود و حضرت عبدالبها مبین کتاب انرا بسط و نشر نموده است. (نقل از صفحه ۸ کتاب ارکان بدیع)



## ۱۷۱-منظور از نظم بدیع شالوده و زیر بنای

### حکومت جهانی بهائی است

نظم بدیع عبارت از سلسله قوانین و مقرراتی است که خداوند متعال به حکمت بالغه اش توسط مظهر ظهورش برای رفاه و راحتی بندگانش به عالم بشریت هدیه نموده است. نظم بدیع را بواسطه وسعت عظمتش و پر باری نتایجش و ابتکاری بودن طرحش نمی توان در چند کلمه یا جمله معنی نمود همین قدر باید دانست که نظم بدیع شالوده و زیر بنای حکومت جهانی بهائی در مستقبل ایام است.

و به عبارت دیگر بشارتش را حضرت رب اعلی سالها قبل از ظهور من یظهره الله داده و در باب سوم از کتاب بیان فارسی می فرمایند: طوبی لمن ینظر الی نظم بهالله و یشکر ربه یعنی خوشا بحال کسیکه نظم بهالله را ببیند و خدای خود را شکر کند. و حضرت بهالله در کتاب اقدس فرموده اند: قد اضرب النظم من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب هذا البدیع الذی ما شهدت عین الابداع شبههکه ترجمه ان چنین است :

بدرستیکه کلمه نظم از این نظم بزرگ به اضطراب  
آمد و در هم ریخت و ترتیب بواسطه این امر بدیع از  
هم پاشید نظمی که تاکنون هیچ چشمی نظیر آن را  
ندیده است. با توجه به بیایان متعالیه فوق نظم بدیع  
همان مدنیت الهیه ایست که باید بواسطه اجرای تعالیم  
مبارکه و ازدیاد مومنین به امر مبارک در بسیط غربا  
یعنی کره ارض مستقر گردد و جهان جهان دیگر شود.  
صلح عمومی ایجاد گردد وحدت عالم انسانی تحقق یابد  
زبان و خط واحد برای تسهیل ارتباط بیشتر بین بنی  
نوع بشر ایجاد شود و مدینه فاضله وعده داده شده  
تحقق یافته و عصر ذهبی حلول یابد.

بفرموده حضرت ولی امر الله این نظم که حضرت رب  
اعلی به ان بشارت داده و حضرت به الله اصول و  
احکامش را نازل فرموده اند و بوسیله حضرت  
عبداللها نقشه و طرز اجرای آن ترسیم گشته نظمی  
است کهها لمآلبه صلح اعظم و مدینه فاضله ای که  
منتها ارزوی امم است منتهی می گردد. این نظم بدیع  
که شبیه و نظیرش در هیچکدام از شرایع قبل از ادم  
تا خاتم دیده نشده از اصول و مقررات دست و پاگیر

و جنجال برانگیز احزاب سیاسی و گروه ها و جمعیت های حامی دموکراسی بر کنار است و در ضمن از مزایای بعضی از ان احزاب برخوردار گردیده است. این نظم بدیع که با تولدش تحولی عظیم در جامعه دینی و مدنی دنیا ایجاد نموده و باعث شده که احزاب و دول با ان سر ناسازگاری در پیش گیرند و به مبارزه با ان برخیزند از جهت دیگر مبشر مدنیت پیشرفته ای است که در خور جامعه انسانی است زیرا اساسش الهی است و چون تائیدات قدسیه الهیه پشتیبان و نگهبان ان است هیچ قدرتی هر چند قوی باشد نمی تواند از پیشرفت ان جلوگیری نماید که نمونه ان را در تاریخ دیده ایم که خلافت عثمانی با ان قدرت و دوران سلطنت استبدادی قاجاری با ان همه کشت و کشتار نتوانست ضربه ای به این نظم بدیع جهان ارای الهی وارد آورد

در آثار و الواح الهیه بالاخص توابع حضرت ولی عزیز امرالله اصطلاح نظم بدیع به معنا و مفهوم خاصی دلالت داشته و به کار رفته است منظور از نظم بدیع مجموعه ای از احکام و مبادی روحانی و

اداری است که در کتاب مستطاب اقدس و سایر آثار جمال اقدس ابهی شرف صدور یافته و همچنین تبیینات صادره در خطابات مبارکه و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را نیز به عنوان مکمل و متمم آثار جمال قدم باید در همین زمره محسوب نمود .

حضرت ولی امرالله در این خصوص می فرمایند:

"... این نظم بدیع که در هویت این دور الهی مندمج و حقیقت فائضه امر اعز ابهی با حسننها و اکملها در آن تجلی نموده و به مرور ایام کاملاً در تاسیسات بدیعه اش مصور و مشخص

## ۱۷۲- منظور ازدو رکن نظم بدیع مبادی و احکام است

نظم بدیع الهی بر دو پایه بسیار مهم برپا شده  
۱-مبادی ۲-احکام .

احکام سلسله اوامر و احکامی است که از طرف شارع دیانت بهائی حضرت بهاءالله نازل شده و اطاعت و اجرای آن از وظایف حتمیه هر فرد بهائی است و از واجبات دین محسوب است مانند نماز - روزه-حقوق الله - رعایت نظافت و پرهیزگاری - عفت و عصمت دوری از منهیات مانند شرب مسکرات ، زنا -دورغ و غیبت و هزاران حکم دیگر که در کتاب مقدس اقدس کتاب آسمانی اهل بهاء نازل شده و در کتب مطبوعه امری مانند گنجینه حدود و احکام و امر و خلق و حیات بهائی و اخلاق بهائی و غیره شرح و نقل شده است . مبادی اصول و قوانینی است که اصول تشکیلات بهائی و نحوه اجرای آن را شرح و تفسیر و توضیح می دهد و خود بر دو قسم تقسیم گردیده .

## ۱- مبادی روحانی ۲- مبادی اداری

۱- مبادی روحانی موضوعاتی است که به اعتقادات و اخلاقیات تعلق داشته اصول روحانی دیانت بهائی را معین می نماید از قبیل عرفان به مظاهر مقدسه اعتقاد به دنیای بعد و مجازات و مکافات تخلق به اخلاق و صفات روحانی که مهمترین آنها به نام تعالیم ۱۲ گانه معروف و مشهور است که عبارتند از :

۱- تحری حقیقت ۲- تعلیم و تربیت اجباری و عمومی  
۳- وحدت لسان و خط ۴- تعدیل معیشت و حل مسئله  
اقتصاد ۵- تساوی حقوق رجال و نساء ۶- دین باید  
سبب الفت و محبت باشد ۷- دین باید با علم و عقل  
تطابق داشته باشد ۸- عالم انسانی محتاج به نفثات  
روح القدس است ۹- محکمه کبری بین المللی و صلح  
عمومی ۱۰- ترک تعصبات ۱۱- اساس ادیان الهی یکی  
است ۱۲- وحدت عالم انسانی

این تعالیم ۱۲ گانه و شرح و بسط آن به صورت  
جزوات مستقل درباره هر موضوعی طبع و نشر  
گردیده و مجموعه آنها در کتابی به نام پیام ملکوت از

تالیفات فاضل ارجمند فقید جناب اشراق خاوری توسط  
لجنه نشر آثار طبع و نشر گردیده است همچنین  
جزوه ای به نام مبادی روحانی از تالیفات ناشر  
نفحات الله جناب احمد یزدانی و دو کتاب به نام های  
حایت بهائی از تالیفات سرهنگ عنایت الله سهراب و  
کتاب اخلاق بهائی تألیف محمد علی فیضی منتشر  
گشته و موجود است .

۱۷۳- منظور از آیه والا ترجع الی اهل البهائ

در کتاب اقدس حضرات ایادی امرالله میباشدند

حضرت بهاءالله در کتاب اقدس در بند مربوط به

اوقاف ، بر اعمال اختیارات در امر مبارک در ایام

فترت بین صعود حضرت شوقی افندی و اولین

انتخابات بیت العدل اعظم نیز تصریح می فرمایند:

" و الا ترجع الی اهل البهائ الذین لایتکلمون الا بعد

اذنه و لایحکمون الا بما حکم الله فی هذا اللوح اولئک

اولیا النصر بین السموات و الارضین " " اهل بها"

مذکور در این بند کتاب اقدس چه کسانی هستند ؟ آنها

به نفوسی که " لایتکلمون الا بعد اذنه " و " اولیا

النصر " توصیف شده اند .

یادداشت‌های منضم به کتاب اقدس تأیید می کند که در

این مورد " اهل بها " عبارت از ایادی امرالله هستند

. اگر این فقره را با سایر الواح حضرت بهاءالله

که از همین اصطلاحات برای اشاره به ایادی امرالله

استفاده کرده اند مقایسه می کنیم . در آن الواح به

ایادی امرالله به عنوان نفوسی که بدون اذن خداوند



تکلم نمی کنند و موجد نصرت امرالله هستند اشاره دارند: اصلی و اسلم و اکبر علی انجم سما عرفانک و ایادی امرک الذین طافوا حول ارادتک و ما تکلموا الا باذنک و ما تشبثوا الا بذیلک و اولئک عباد شهدت بخدمتهم و نصرتهم و قیامهم و ذکرهم و ثنائهم کتبی و زبرک و صحفک و الواحک و بهم نصبت اعلام توحیدک فی مدنک و دیارک و رایات تقدیسک فی مملکتک ...

به این ترتیب مشاهده می کنیم که در این دلالات کتاب اقدس حضرت بهاءالله بر انتقال اختیارات و مرجعیت از اغصان منتخبه به ایادی امرالله و بعد به بیت العدل اعظم ، تصریح می فرمایند . بیت العدل اعظم هشدار داده اند :

## ۱۷۴- منظور از عصر در آثار امری دوران

### کوتاهی از دیانت بهائی است

یکی دیگر از تقسیمات تقویم بدیع عصر می باشد کلمه عصر به معنی دوره و زمان معینی در یک محدوده بی نهایت می باشد طول مدت عصر از دور کمتر و از عهد بیشتر است به همین جهت است که هر دوری خود به چند عصر تقسیم می شود و هر عصر نیز به عهد مختلفه تقسیم می گردد. دیانت بهائی که طول مدت دور آن حداقل هزار سال است خود به سه عصر رسولی- عصر تکوین و عصر ذهبی تقسیم شده است.

## ۱۷۵- منظور از دور مدت زمان و دوران هر

### شریعتی می باشد

دور که جمع آن ادوار و به معنی دوره های متفاوت می باشد طول دوران شریعت مخصوص هر یک از مظاهر مقدسه الهیه بوده و تعالیم و احکام نازله در کتاب اسمانی همان دوران رایج و مجری بوده است.

مثلا دوران شریعت یهود دور حضرت موسی بوده و زمان شریعت حضرت مسیح دور آن حضرت بوده دور دیانت بهائی که اولین دور از کور دیانت بهائی است با ظهور حضرت رب اعلی در ۲۳ می ۱۸۴۴ میلادی شروع شده و طول مدت آن به نص کتاب مستطاب اقدس حداقل یک هزار سال است.

زیرا در کتاب اقدس می فرمایند : من یدعی امرا قبل اتمام الف سنه کامله انه کذاب مفترالله یعنی هر کس تا قبل از یک هزار سال آینده ادعای پیغمبری بکند دروغگو است.

و حضرت ولی امرالله می فرمایند : بدایتش سنه ستین که بفرموده مظهر ظهور مبدا تاریخ بدیع است

امتدادش به نص ان کتاب مقدس اقلا هزار سال است.  
و هر دوری خود به چند عصر تقسیم می شود. منظور  
از سنه ستین سال ۱۲۶۰ اظهار امر حضرت اعلی  
است

## ۱۷۶- منظور از عهد بخشی از عصر میباشد

حضرت ولی امرالله درباره معنی عهد در توفیق مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۵۳ می فرمایند: کلمه عهد در تفسیر و بیان دوره های مختلفه عصر تکوین و مراحل جلوه و بروز نقشه ملکوتی و فرامین تبلیغی حضرت عبدالباها استعمال می شود.

در قرن بدیع مذکور است : عهد مذکوره که در حقیقت مراحل مختلفه تاریخ بهائی را نشان می دهد شاهد یک رشته از وقایع عظیمه روحانیه از قیام مبشر امر بدیع و ظهور شارع عظیم و تاسیس میثاق حی قدیر و استقرار نظم اداری می باشد که کل متابعا و مترادفا طی قرن اول بهائی تحقق یافته و چون حلقات یک سلسله به یکدیگر متصل و مرتبطند.

توجه فرمودید که هر کوری به چند دور تقسیم می شود و هر دوری به چند عصر و هر عصری به چند عهد که شرح داده خواهد شد.

اولین دور از کور دیانت بهائی دور بهائی است. دور بهائی که با ظهور حضرت باب شروع می شود دوران

ان حداقل هزار سال است یعنی از هزار سال کمتر نیست ولی ممکن است بیشتر هم باشد که مدت آن در علم الهی مکتوم و مکنون است . بعد از دور بهائی ادوار دیگر بنام مظهر ظهورش نامیده خواهد شد.

دور بهائی به سه عصر به نامهای عصر رسولی یا بطولی - عصر تکوین یا عصر انتقال و عصر ذهبی یا دوران طلانی نامیده شده است. عصر رسولی به ۳ عهد اعلی و عهد ابهی و عهد میثاق تقسیم شده که شرح هر یک در صفحات اتی گفته خواهد شد. عصر تکوین نیز خود به عهدهای متعددی تقسیم شده و از عهدهای عصر ذهبی فعلابی اطلاقیم.

## ۱۷۷- منظوراز کور دیانت بهائی دوران این

شریعت است که حداقل ۵۰۰۰۰۰ سال است

بطوریکه گفته شد با ظهور حضرت اعلی کور ادم خاتمه پذیرفت و کور دیانت بهائی آغاز گردید.

حضرت ولی امرالله در تلگراف ۱۸ اکتبر ۱۹۵۲ که در کتاب توقیعات مبارکه صفحه ۳ درج شده می فرمایند با ظهور حضرت باب که کور حضرت ادم را با کور دیانت بهائی متصل نمود کور نبوت تمام و کور تحقق و اکمال آغاز گردید.

کور دیانت بهائی که دوران آن حداقل پانصد هزار سال است از ادوار مختلف تشکیل خواهد شد.

حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع جلد ۱ صفحه ۱۲۸ که ترجمه نه چندان جالب گادپاسزبای می باشد می فرمایند : حضرت باب ظهور مقدسش ملتقای دو کور عظیم الهی محسوب یعنی با قیام مبارک کور ادم مطلع تاریخ مدون ادیان با کور افخم اقدس بهائی که امتدادش بی نهایت طویل و اقل از پانصد هزار سال نخواهد بود مرتبط و متصل گردید.

در مورد تعیین مدت فوق بطوریکه در کتاب انوار هدایت صفحه ۵۹۴ نوشته شده حضرت ولی امرالله دو نامه ای که به یکی از احبا بتاریخ ۱۰ جولای ۱۹۲۹ مرقوم داشته اند می فرمایند حضرت عبدالبها هیچگونه توضیحی راجع به پانصد هزار سال زمان کور بهائی نداده اند افراد احبا ازادند که برای خود هر برداشتی خواهند داشته باشند بشرط اینکه در صدد بر نیایند عقاید خود را بر دیگران تحمیل کنند..

جناب اشراق خاوری فاضل ارجمند در کتاب اسرار ربانی که قاموسی بر توقیع ۱۰۵ حضرت ولی امرالله می باشد در صفحه ۳۷۱ جلد اول می نویسند مقصود از کور زمانی ممتد و بسیار طولانی است که لااقل پانصد هزار سال است و در این زمان طولانی مظاهر مقدسه الهیه در ظل جمال قدم و اسم اعظم ظاهر خواهند شد که من حیث الاستفاضه در ظل جمال مبارکند و من حیث الافاضه یفعل مایشاء هستند و زمان مخصوص به شریعت هر یک عبارت از دور مخصوص به هر یک از ان ظاهر مقدسه است. همچنین در جلد دوم کتاب مزبور صفحه ۱۴۳ می نویسند.



امتداد سلسله ظهور مظاهر مقدسه الهیه را از آغاز ظهور قیوم الارض و السما تا مدتی که خدا به ان آگاه است کور مشعشع الهی خوانند و این کور دارای حلقهات متتابعه است که هر حلقه عبارت از دور شریعت هر یک از مظاهر مقدسه است. پس متوجه شدیم که با ظهور حضرت اعلی کور دیانت بهائی شروع شده .

### عظمت و اهمیت کور بهائی

در اهمیت کور دیانت بهائی حضرت عبدالبهاء می فرمایند : این کور عظیم و دور کریم برهانش ساطع ، دلایش لامع ، حجتش قاطع ، سطوتش قاهر ، عظمتش واضح است . قوتش شرق و غرب را متحرک نموده و پرتوش جنوب و شمال را منجذب کرده ، در هر کشوری به برهانی ظاهر و در هر اقلیمی به حجتی غالب زیرا در خاور اسرار کلمات خواهند و در باختر آثار بینات جویند ملاحظه فرما که مطلع ظهور ، مجلی طور در سجن مظمور تحت سلاسل و قیود ، امر عظیم بلند نمود و یاران قدیم

ارجمند کرد و علم نور مبین برافراخت و در شرق و غرب ولوله انداخت . آیا این قدرت و قوت شبه و نظیر دارد و در قرون قدیم و مثل دارد ؟ لا و الله ... همچنین می فرمایند : کور عظیم است و صاحب کور جمال مبین سمایش شریعت تقدیس است و فائض بر مزرعه هر عزیز و خسیس و شمسش حقیقت ذات الوهیت است که جمیع مظاهرش در سائر اکوار به مقام عبودیت بودند . ارضش ارض حقائق کلیه مستفیضه از اشعه ساطعه از نیر اعظم است و بحرش محیط اکبر است حدائقش جنان فردوس است و شقائقش معطر به نفحات قدس ...

احبابی الهی کور عظیم است و اشراق شدید و عصر خداوند مجید ، امکان در حرکت است و اکوان در وجد و بشارت ، حقایق کائنات در شوق و شورند و ذرات موجودات در طرب و سرور ، ارواح در فوز و فالحند و احباب در علو و نجاح ، انوار در سطوع است و آثار روشنی بخش اقالیم و ربوع ، صیت بزرگواری جمال قدم جهانگیر گشته و نیر عظمت

حضرت احدیثش مشرق و منیر ، جمیع محافل عالم به  
ذکر اسم اعظم مزین و کل مجامع امم به خبر ظهور  
نیر اکرم مستخبر ، شرق از انوارش منور است و  
غرب از نفحاتش معطر ...

...در این کور عظیم و نعیم مقیم که فیوضات الهیه و  
تجلیات رحمانیه شرق و غرب عوالم غیبیه و آفاق  
شهودیه را احاطه نموده است به قسمی که هر شراره  
ای شهاب ثاقب شده و هر ذره ای جبل باذخ گردیده ،  
سرج حکم مشاعل یافته و نجوم سطوع شمس نموده  
، قطرات موج بحور یافته ، مستضعفین ائمه و وارثین  
گشته ، هیاکل ساده قمیص دانایی پوشیده و رئوس  
باکلاه علم علم برافراخته ، مستمندان به گنج بی پایان  
پی برده ، باید احبای الهی چون دریا به جوش آیند و  
چون ابر در خروش ، چون عندلیب در حدائق تقدیس  
به لحن حبیب بسریند و چون نجوم هدی از مطلع  
صفات و اسماء حسنی بدرخشند . اشجار بارور گردند  
و ازهار لطیف معطر . دراری صدف عرفان شوند و  
مجاری ماء حیوان ایقان ، از سلسبیل عنایت بنوشند و  
بنوشانند و از صهبای موهبت بچشند و بچشانند و این

مقام اعز اکرم اعلى میسر نگرده مگر به شوق و  
شعف و انجذاب و ذوق و شعف و اشتعال و اشتغال و  
ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان رب الارباب...

همچنین حضرت ولی امرالله در توفیق ۱۰۵ بدیع که  
در توفیعات مبارکه ۱۰۲-۱۰۹ صفحه ۱۱۱ درج شده  
می فرمایند: این کور اعظم و افخم بشارتش در متون  
صحف و زبر و کتب و اسفار و الواح از ادم تا خاتم  
مدون و در تاریخ شرایع و ادیان از اول النبیین الی  
خاتم النبیین بی نظیر و مثل و سابقه است و به شانی  
بزرگوار است که امتدادش پانصد هزار سال است.

همچنین در همان توفیق مبارک می فرمایند: این کور  
مقدس به شانی منیع و رفیع است که نسبتش به حق  
داده شده و انبیای اولوالعزم و مرسلین مستظلمین در  
ظل ان شارعین قدیر متعاقبا متزایدا به مقتضای نشر  
و ارتقای اهل ارض و استعداد روحانی عباد به ان  
بشارت داده ولی بر کیفیت ان تماما "اگاه نگشته و بر  
حسب ادراکات خلق شمه ای از عظمت ان را بیان  
فرموده اند.

## ۱۷۸- منظور از منشور نظم بدیع الواح

### مبارکه وصایا میباشد

از آنجا که حضرت ولی امرالله الواح مبارکه وصایا را منشور تاسیس نظم بدیع الهی نامیده اند و آن را محور وحدت عالم انسانی معرفی فرموده اند لذا معرفی بیشتر این اثر مبارک را لازم و ضروری دیدم لذا بخشی از این کتاب را به معرفی این الواح مبارکه اختصاص دادم. در اهمیت الواح وصایا حضرت ولی امرالله می فرمایند:

"تار و پود این نظم الهی احکام مقدسه متعالیه مصرحه در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی صادر و مبادی سامیه روحانی و اداری که در الواح و خطابه‌های مرکز عهد و میثاق و مبین آیات نیر آفاق و کتاب وصایایش مدون و مسطور"

جناب هوشمند فتح اعظم در کتاب نفیس بحرپرگهر در اهمیت الواح وصایا می نویسند:

اگر الواح وصایای حضرت عبدالبهاء چون سپیده ی سحری بر افق تاریک آن ایام نمی تابید و طلایعه

عصر نوین تکوین را بشارت نمی داد حال قیاس فرمائید ، جامعه نوباوه ی بهائی در شرق و غرب عالم چه سرنوشتی می یافت . این است که در خطبه افتتاحیه ی الواح وصایا ، حضرت عبدالبهاء در نهایت رقت و فصاحت به حمد و ثنای جمال کبریا می پردازند که هیکل امرش را با جوشن میثاق از تیر سنان شبهات صیانت فرمود و با سپاه عهد و پیمانش آئین نازینش را در مقابل حملات گروه سست بنیان عهد شکنان ، مدد و حمایت نمود . چون به تاریخ بنگریم ، این بیان حضرت ولی امرالله برای ما بهتر و روشن تر می شود که عهد و میثاق را ما به الامتیاز دور بهائی توصیف فرمود ، زیرا بدون آن ، هرگز مقصد از این امر اعظم در انجمن بنی آدم تحقق نمی یافت و وحدت عالم انسانی که مقدمه مدنیت ملکوتی الهی در بسیط زمین است ، هرگز مستقر نمی گردید .

حتی حضرت شوقی افندی در توصیف الواح وصایا فرمودند که : " منشور مبارک مقدس مرکز عهد جمال ابهی " و " کاشف کیفیت تاسیس نظم بدیع در

بسیط غبرا " و " متمم کتاب اقدس مهیمن بر کتب و صحف اولی " است . از این بیان مبارک پیداست که اگر الواح وصایا که متمم کتاب اقدس است ، از قلم میثاق صادر نمی شد ، کتاب اقدس بدون آن متمم کامل نمی شد و پایه ی مدنیت آینده ی جهانی استوار و " نظم بدیع که ... از اقتران معنوی ... از شارع قدیر ... و لطیفه میثاق ... ظاهر گشته " ، مرتفع نمی گشت .

اعلان الواح وصایا و تعیین مرکز امرالله عالم بهائی را از بلا تکلیفی نجات بخشید و افکار و آمال اهل بهاء را متوجه حضرت شوقی افندی نمود . اما شوقی افندی را جز بهائینی که در ارض اقدس و ممالک مجاورش ساکن بودند و جمع معدود زائران روضه ی مبارکه نمی شناختند و آنان که می شناختند ، ایشان را یکی از نوادگان حضرت عبدالبهاء می شناختند . اما به زودی دریافتند که مرکز میثاق ، سکان سفینه ی امر الهی را به دست ناخدای جوانی واگذار فرموده که از عمر مبارکش بیش از ۲۴ سال نگذشته بود . اگر ضوابط و معیارهای رایج در جامعه ی بشری

ملاک تشخیص قرار می گرفت ، عجیب نبود ، اگر انتقال رهبری و قیادت جامعه بهائی از شخصیت بی نظیر عبدالبهاء به جوانی ناشناخته سبب شک و تردید و خلجان روحانی در بعضی از مومنین می شد . اما در میان قاطبه ی احباء ، آن افکار ناهنجار با اطمینان به قلم ملهم عبدالبهاء و ملاحظه متن الواح وصایا زایل شد و " سطوت میثاق" چون " بانک فریادرسی " غوغای هولناک اهل ارتیاب را در وادی خاموشی مدفون ساخت . (پایان بیانات جناب فتح اعظم)

جناب صالح مولوی نژاد طی مقاله مستدل و مبسوطی تحت عنوان مصدر وحدت عالم انسانی مطالبی خواندنی درباره این الواح مبارکه نوشته اند که قسمتهایی از آن را زیب این مقال می نمایم .  
ایشان می نویسند :

روز سوم ژانویه ، ۱۹۲۲ ، الواح مبارک وصایای حضرت عبدالبهاء در جمع اعضا خانواده مبارک تلاوت شد . در آن روز تاریخی ، شاید آنچه در انظار جلوه ای خاص داشت و در اندیشه ها اهمیتی ممتاز ، این بود که به موجب الواح وصایا ، حضرت شوقی



ربانی ولی امر و مرجع اهل بهاء تعیین شده بودند .  
در روز شانزدهم همان ماه ، حضرت ورقه علیا که  
الواح وصایا نزد ایشان به امانت سپرده بود ، به عالم  
بهائی اعلان فرمودند که " طبق الواح وصایا ،  
حضرت شوقی افندی ولی امرالله و رئیس بیت العدل  
اعظم اند ... " الواح وصایا چون صدف پرگوهری بود  
که در طی دوره ولایت ، حضرت ولی امرالله با  
توضیح و تبیین آن ، به تدریج حقایق بی نظیر مندرج  
و مکنون در آن را آشکار فرمودند ، و معلوم گشت  
که این ودیعه الهی نه تنها مرجع اهل بهاء را تعیین و  
تسمیه می کند ، بلکه " مصدر و منشا وحدت عالم  
انسانی " و " دستور نظم بدیع " نیز هست . الواح  
وصایا شامل سه لوح است . تاریخ دقیق نزول آن هم  
را نمی دانیم ، اما از خلال مضامین آن می توانیم  
دوره تاریخی نگارش آنها را استنتاج کنیم . از این سه  
لوح ، اولین آنها از مجموع دو لوح دیگر مفصل تر  
است و لوح سوم از همه کوتاه تر .  
این الواح ، گرچه در تاریخ های متفاوت نوشته شده ،  
اما در هر سه آن ، وحدت موضوع نمایان است . هر

یک مضامین لوح قبل را توسعه داده و تکمیل می کند به طوری که مجموعاً سند واحدی را به وجود می آورند . لوح اول وصایا به احتمال زیاد ، در سال ۱۹۰۴ نازل شده است . آنچه این استنباط را به ذهن القا می کند این است که در این لوح ، هم آمدن هیئت اعزامی از دربار عثمانی را شرح می دهند و هم در چند قسمت آن ، به احتمال غیبت وجود مبارک از ارض اقدس اشاره می فرمایند . لوح دوم ، باز به احتمال ، در اواخر سال ۱۹۰۷ یا اوائل ۱۹۰۸ نازل شده است زیرا در این لوح نیز به آمدن هیئت دوم اعزامی که در زمستان ۱۹۰۷ وارد عکا شد اشاره فرموده و خطراتی که وجود مبارک را تهدید می کرده یادآوری فرموده اند . لوح سوم ، شاید در فواصل ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ نازل شده باشد . درک جایگاه رفیع الواح وصایا و اهمیت آن فقط به مرور زمان و طی عصرهای آینده مقدور خواهد بود . آنچه اکنون میسر است ملاحظه و مطالعه تاثیراتی که این سند مقدس در برپاگشتن نظم اداری بهائی از آغاز عصر تکوین تا کنون بر جای نهاده است . هر چه

نظم اداری بهائی به سوی کمال سیر کند ، عظمت و اهمیت الواح وصایا پر جلوه تر شده ، رموز مکنون در آن آشکارتر خواهد شد .

الواح وصایا سند میثاق حضرت عبدالبهاءست که این میثاق ، چه از لحاظ منطق و چه از نظر هدف ، با عهد جمال قدم که در کتاب عهد جلوه نموده مرتبط است . کتاب عهدی به نوبه خود علاوه بر نصایح و وصایای دیگر تصریح و تایید آیاتی است که در موضوع عهد و میثاق در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است . لهذا این سه اثر یعنی کتاب اقدس ، کتاب عهدی و الواح وصایا سند واحدی را تشکیل می دهند که اساس عهد و میثاق الهی در این دور مقدس است . چنین عهدی در هیچ دوری از ادوار گذشته سابقه نداشته است زیرا در این دور مبارک است که در پی استقرار نظم اداری حضرت بهاءالله باید به مشیت الهی وحدت عالم انسانی و متعاقب آن مدنیت الهی بر روی زمین تحقق یابد . میثاق الهی در این ظهور حامل و رساننده فیض فائض از مظهر کلی الهی به عالم انسان از طریق موسسات اداری بهائی است .

حضرت ولی امرالله در بیانی زیبا مشروعات و تاسیسات بهائی را به مجاری و قنواتی که قوه قدسیه فیض الهی را به جامعه بشری می رسانند تشبیه فرموده اند . این مجاری و قنوات که در آیات متعدد از کتاب اقدس و در الواح دیگر حضرت بهاءالله ، به نحوی کلی و گاه به تلویح ، مشخص و منصوص بوده ، در الواح وصایا تشریح و تبیین شده است . تاسیس محفل روحانی در کتاب مستطاب اقدس ، با نام " بیت عدل " تاسیسی است الهی ، اما تعیین جنبه های اداری آن مرهون الواح وصایاست . و نیز ، در کتاب مستطاب اقدس و دیگر الواح جمال قدم ، با تعمق در وظایف و مسئولیت هائی که به بیوت عدل محول شده استنباط می شود که بیت عدل یا محلی است یا جهانی . الواح وصایا حلقه ارتباطی بین این دو نوع بیت عدل تاسیس می کند تا اجرای وظایف و اعمال مسئولیتهای این موسسات را تسهیل سازد . این حلقه ارتباطی عبارت از محفل روحانی ملی است .

چگونگی تاسیس بیت عدل اعظم ، مرجع مصون از خطای تشریح احکام و قوانین غیر منصوص در دور

بهائی ، و تفصیل اختیارات وسیعی که از جانب شارع اعظم به آن عطا شده ، در الواح وصایا تشریح و تبیین گردیده است.

اگر در آغاز دوره ولایت ، میزان آگاهی بهائیان از مفاهیم عظیم الواح وصایا اندک بود به تدریج بر اثر تبیینات حضرت ولی امرالله جل مقامه ، قوای مستور در این الواح و دیگر آثار الهی هر روز بیش از پیش آشکارتر شد و بر اطلاع و بصیرت اهل بهاء افزوده گشت . شجر نظم اداری بهائی به شکوفه نشست و شکوفه ها بدل به گل های معطر شد . با تشکیل و توسعه محافل روحانی محلی و ملی و نشر و تعلیم وظایف آنها ، تکمیل و توسعه موسسه ایادی امرالله حارسان مدنیت الهیه در مرحله جنینی تشکیل شورای بین المللی بهائی ، هسته و مقدمه تاسیس بیت العدل اعظم و نهایتاً انتخاب معهد اعلی ، تاج و هاج تشکیلات و مشروعات شریعت الهی ، و نیز تشریح مقام و اختیار و مسئولیت های هر یک از این عناصر سازنده نظم اداری بهائی به مرور مکنونات نهفته در الواح وصایا بر اهل بهاء روشن تر شد .

در عالم طبعت نیز قاعده چنین است . ظهور استعداد نهفته در بذر تدریجی است و در هر مرحله از سیر تکاملی بذر تا میوه اگر به آن نگاه کنیم فقط قاعده خواهیم بود که آنچه را تا آن زمان از بطن دانه سر زده و از قوه به فعل درآمده مشاهده کنیم . تنها مرور زمان است که مراحل باقیمانده را به منصفه شهود می آورد . با عطف توجه به ثمراتی که تاکنون از حقیقت الواح وصایا در عرصه جامعه بهائی و تشکیلات اداری آن ظاهر شده به یقین توان گفت که وسعت اطلاع اهل بهاء از الواح وصایا در نسل های آینده بیشتر و عمیق تر از آگاهی نسل حاضر خواهد بود . همچنانکه اطلاع نسل کنونی بی تردید بیشتر از آن مقداری است که گذشتگان از این الواح مقدس داشتند .

تکوین تدریجی نظم اداری بهائی از بطن الواح وصایا ، فقط یک جنبه از قوای مکنونه این سند مقدس است . جنبه مهم تر آن حفظ اتحاد و وحدت جامعه اسم اعظم است . بذری که به اراده الهی باید شجر وحدت عالم انسانی را بارور سازد اگر خود از درون خلل پذیرد و وحدت خود را از دست دهد از اكمال

ماموریت نهائی خویش محروم خواهد شد . الواح  
وصایا شجر الهی را در مقابل طوفان نقض حراست  
کرد و رشد طبیعی آن را تضمین نمود . قدرت الواح  
وصایا را در محافظه امرالله فقط با ملاحظه شدت  
طوفان نقض می توان درک نمود . طوفانی که حدت  
و شدت آن ، حتی از طوفان نقض در عهد ابهی مهیب  
تر و شدیدتر بود . به بیان مبارک حضرت عبدالبهاء  
" امتحانات هر امری به قدر عظمت آن امر است .  
چون تا به حال چنین میثاقی صریح به قلم اعلی وقوع  
نیافته لهذا امتحانات نیز عظیم است (پایان گفتار جناب  
صالح مولوی نژاد)

جناب هوشمند فتح اعظم در کتاب نظم جهانی بهائی  
درباره اهمیت الواح وصایا می نویسند :

ما هنوز از لحاظ زمانی به این سند عظیم یعنی الواح  
وصایا بسیار نزدیکیم و از ادراک کامل مضامینش و  
از اطلاع بر اسرار مکنونه اش عاجز و ناتوان . فقط  
نسلهای آینده می توانند بر قدر و منزلت این شاهکار  
الهی که دست قدرت مهندس اعظم عالم برای وحدت  
و نصرت امر جهانگیرش آفریده است فی الجمله

وقوف یابند . فقط آیندگانند که قادرند ارزش تاکیدات شگفت انگیزی را که در این سند عظیم بر دو موسسه بیت العدل اعظم و موسسه ولایت امرالله نهاده شده دریابند و از اهمیت کلمات شدید حضرت عبدالبهاء که در مورد ناقضین بر عهد و میثاق در الواح وصایا بیان فرموده است باخبر شوند . فقط آیندگانند که می توانند ادراک نمایند که موسساتی را که حضرت عبدالبهاء ایجاد فرموده چقدر با وضع اجتماع آینده که مقدر است از میان آشوب و هرج و مرج عصر حاضر برخیزد مناسبت و موافقت خواهد داشت ...



## ۱۷۹- منظور از نظم اداری وسیله تحقق

### اهداف نظم بدیع است

از نظم اداری نمی توان تعریف کامل و جامعی نمود چون نظم اداری که مقدمه نظم بدیع است و هسته مرکزی آن می باشد وسیله ایست برای تحقق آمال نظم بدیع و حافظ و نگهدارنده حکومت آینده بهائی می باشد . اگر بخواهیم بهتر و بیشتر به اهمیت نقش نظم اداری در پیشبرد اهداف عالیه دیانت بهائی پی ببریم شاید با ذکر مثالی بتوان آنرا بیشتر درک کنیم اگر امر الهی را به مثابه هیكل انسانی بدانیم و آن را به شکل هیات انسان تشبیه نمائیم می توان گفت همان نقشی که استخوان بندی در شکل گیری اندام انسانی دارد و بدون آن قادر به ادامه حیات نیست زیرا اگر یک انسان دارای تمام اعضای سالم بدن باشد ، ولی استخوان بندی نداشته باشد هرگز نمی تواند یک انسان کامل باشد و هرگز اعضای سالم بدنش نمی توانند وظایف خود را انجام دهند . مثلا اگر مغز در کاسه سر محفوظ و مصون از لرزش و ضربه نباشد نمی

تواند وظایفش را انجام دهد همین طور قلب و ریه اگر در پناه استخوانهای سینه و پشت نباشد چگونه به کار خود ادامه می دهد در حالیکه استخوان بندی عمل حیاتی انجام نمی دهد ، ولی بدون استخوان بندی هیچ یک از اعضای بدن قادر به انجام اعمال حیاتی نیست ، پس همچنانکه استخوان بندی بدن و هیكل انسان وسیله ایست برای آنکه اعضای بدن مانند مغز ، قلب ، ریه ، کلیه و کبد و معده و غیره وظایف خود را انجام دهند نظم اداری در هیكل امرالله وسیله ایست تا سایر اعضای هیكل امرالله بتوانند وظایف خود را انجام دهند پس نظم اداری فقط وسیله است و هدف ، سلامت هیكل امرالله است .

نکته دیگر که درباره نظم اداری باید دانست این است که چون این نظم فعلا در مرحله جنین و طفولیت است و ضمنا بدیع و ابتکاری است نمی توان با قاطعیت درباره مراحل مختلفه و چگونگی استقرارش اظهار نظر نمود زیرا نظم اداری بهائی مراحل اولیه خود را می گذراند و هنوز به مرحله بلوغ و کمال نرسیده است و این حقیقت در آثار حضرت ولی امرالله کاملا

مشهود است ، بنابراین یاران الهی نباید در مورد آینده این نظم پیش بینی نمایند که چنین و چنان خواهد شد ، زیرا امر الهی موجود زنده ایست که حال در مرحله طفولیت است و ما نمی توانیم تجسم بلوغ این موجود زنده را بنمائیم بنابراین آنچه که به عنوان تاسیسات نظم اداری بیان می گردد گر چه اساس مستحکم و براساس نصوص مبارکه و غیر قابل تغییر است ، ولی شکل و فروعانش را نمی توان در آینده پیش بینی کرد . هیکل مبارک حضرت ولی امرالله در توفیق دور بهائی که اصلش به انگلیسی است می فرماید :

( ترجمه )

... مادام که این نظم هنوز در مرحله طفولیت است ، زنده که نفسی در ادراک کیفیتش به خطا رود و یا از اهمیتش بکاهد و یا مقصدش را دگرگون جلوده دهد ..."

نکته مهم دیگری که درباره اهمیت نظم اداری باید بدانیم این است که در دیانت بهائی تمام اختیارات اجرائی و راهنماییها و دستور العملها در دست جناح اختیاری است نه انتصابی و در این امر مبارک هیچ

فردی که دارای امتیاز خاصی باشد مانند کشیشان و  
حاکم ها و مراجع تقلید وجود ندارد .

حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۱۴ مارچ ۱۹۲۷  
می فرمایند :

یکی از اصول تعالیم الهیه که مایه وحدت و وداد  
است و اساس الفت و اتحاد این است که در این امر  
بدیع مسائل غیر منصوصه حل و عقد مشکلات ملیه  
جمع راجع به نفوس منتخبه ملت است نه فردی از  
افراد جمعیت .. اما فردی از افراد محفل هر قدر  
عظیم الشان باشد و کامل و هر چه آگاه باشد و فاضل  
باز رای فرد مصاب نبوده و نخواهد بود ..... زیرا  
اگر در امم ماضیه اشخاصی خود را اعلم و اجل نمی  
دانستند عوام بیچاره مرید آنان نمی شدند و مایه  
تفرقه نمی گردیدند پس همیشه نفوسی که خود را  
افضل از کل می دانستند سبب اختلاف گشتند ولی  
الحمدالله قلم اعلی این استبداد رای افراد علماء و  
عقلا را از میان برد و قول افراد را ولو اعلم علما و  
افضل فضلا باشند میزان نفرموده اند با توجه به بیان  
مبارک فوق یکی دیگر از امتیازات نظم اداری واضح

و آشکار می گردد .

در اینکه نظم اداری وسیله است نه هدف

حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند :

"تشکیلات امریه الهیه آلتی است در دست ما و هرگز  
جانشین ایمان و ایقان نفوس نمی گردد . تشکیلات  
امریه مجازی صافیه ای می باشند که روح الهی از  
آنان جریان یافته به سوی جهان و جهانیان ساری می  
گردد و قوای نازله شریعه الله آن قدر سریع و کثیر  
است که بایستی همیشه این مجاری را صاف و پاک و  
هموار نگاه داشت تا نوع انسان بدین نعم سابغه دائما  
مرزوق و متنعم بماند . اگر متوجه تحدید و و تقیید  
گردند البته این مجاری صافیه مسدود و افراد از  
برکات سماویه ممنوع می مانند . "

جناب نجوانی در معرفی نظم اداری می فرمایند :

اصطلاح نظم اداری که در آثار انگلیسی هیکل

مبارک به عنوان :

The Administrative Order

آمده مرحله اولای این نظم اعظم است . می فرمایند این نظم اداری مثل طفلی می ماند در موقعی که میقاتش می رسد در عصر ذهبی به مرحله بلوغ خودش خواهد رسید وقتی که نظم اداری به مرحله بلوغ رسید ما این لقب را به او می دهیم و می گوئیم The New World Order ولی عجالتا اسمش را گذاشته ایم The Administrative Order اما در فارسی نویسندگان این تفاوت را قائل نشده اند و بدون امتیاز خاص فقط اسم نظم بدیع ذکر شده البته کلمه تشکیلات بهائی هم هست که به انگلیسی Bahai Administration می گویند اما این اصطلاح نظم اداری اختصاص به آثار انگلیسی مبارک دارد . در اهمیت نظم اداری در پیامهای معهد اعلی چنین مرقوم رفته :

شناخت نظم اداری بهائی و ارکان اصلیه آن و نظامات حاکم بر آن از جانب ما ، پیروان این آئین نازنین که حاملان دریاق اعظم ، برای جهان ستمدیده می باشیم حائز اهمیت فراوان است زیرا نظم اداری

از جهتی به "مثابه صدفی برای حفظ و صیانت گوهر  
گرانبهای امرالله است و به مرور زمان واضح و  
مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیه ایست که  
این شرع انور را به مرحله نهائی وارد خواهد کرد "  
و از سوی دیگر مقدر است نظم اداری بهائی نمونه و  
الگوئی برای جامعه آینده باشد . چه که انظمه حالیه  
تکافوی اداره امور آشفته جهان کنونی را نمی نمایند و  
در این مرحله بحرانی از تاریخ عالم انسانی که حیات  
فردی و اجتماعی انسان دچار آشفتگی و آشوب همه  
جانبه گردیده است این نظم الهی تنها راه نجات عالم  
بشری از آلام و اسقام مستولیه برآن است زیرا این  
بسی واضح است که کسانی که زبان به نکوهش و  
ذکر عیوب نظم قدیم می‌کشایند و حتی حاضرند که نظم  
کهن را منسوخ و معدوم سازند خود از ارائه نظم و  
ترتیبی که بتواند جایگزین نظم قدیم شود عاجز و  
قاصرند .

۱۸۰- منظور از تجری سفینه الله در لوح

کرمل سفینه احکام و تشکیلات اداری است

جناب نخجوانی درباره مرکز اداری بیان مبارک حضرت ولی امر الله که می فرمایند " سوف تجری

سفینه الله" را چنین توضیح می فرمایند :

مقصود مرکز اداری امر مبارک است . آن کعبه الله

مرکز روحانی است و سفینه الله مرکز اداریست . پس

مقام حضرت اعلی را جز موسسات رئیسه عمده نظم

بدیع الهی حساب فرمودند و می فرمایند این شروعش

و خلقتش در دوره جمال مبارک بوده و ساختمانش در

دوره حضرت عبدالبهاء واقع شده ، اما در طی عهد

متوالیه عصر تکوین یعنی بعد از ۱۹۲۱ چه واقع شد

؟ اولاً می فرمایند کیفیت تاسیس نظم بدیع در الواح

وصایای حضرت عبدالبهاء رسماً اعلان گشت . مثل

این است که این نظم در عالم جنین بود و در سنه

۱۹۲۱ این جنین متولد شد ما اکنون نیز با این جنین

سر و کار داریم تا اینکه این طفل به مرحله رشد

برسد و در عصر ذهبی به مرحله بلوغ خود نائل



گردد . حضرت ولی امرالله می فرمایند این تشکیلات کنونی به منزله مقدمه و نمونه و هسته مرکزی نظم اعظم محسوب خواهد شد هم مقدمه نظم اعظم است که بعدا ظاهر می شود و هم نمونه اوست . جناب نخجوانی در خاتمه فرمایشاتشان فرموده اند : تشکیلات نظم اداری بهائی مطابق آثار مبارکه به منزله مجاری و قنواتی هستند که روح نباض امر الهی را به جامعه انسان منتقل می نمایند با این تشکیلات مقدر است جانی نو در کالبد افسرده عالم دمیده شود و دنیای امروز را تبدیل به جهانی تازه گرداند . در این صورت هر فرد مومن و بصیر بهائی با شناخت و قبول این واقعیت کوشش می نماید که هر چه بیشتر با این روح نباض در تماس باشد و نه تنها از اثرات حیات بخشش مستفیض گردد بلکه خود جزئی از اجزا این قنوات شود و در پرورش و تقویت و رشد آن بکوشد . توجه به این حقیقت که این نظم نوین حتی در مرحله جنینی انظار بسیاری را به خود جلب کرده و طرز کار و چگونگی تاسیس و هدف والای موسسات نظم اداریش حتی در این مرحله مورد اعتنای بسیار

واقع شده و اینکه بر اساس آثار مبارکه می بایستی که نظام کهنه عالم جای خود را به این نظم نوین بدهد مسئولیت کارکنان و خادمین این موسسات را بسی بیشتر می کند . این مسئولیت هم فردی و هم جمعی است مسئولیت های فردی بر مبنای روح تعالیم مبارکه است .

## ۱۸۱- منظور از عصر ذهبی غایت قصوی و هدف اصلی دیانت بهائی است

عصر ذهبی غایت قصوا و هدف اصلی دیانت بهائی است گر چه از نظر رعایت سلسله مطالب طلایی این قسمت باید بخش پایانی کتاب باشد ولی از آنجا که این عصر مشعشع نورانی هنوز میقات وقوعش نرسیده و از رموز و عهود آینده آن بی اطلاعیم به عهده آیندگان می گذاریم .

به طور کلی باید دانست که در مورد نقش عصر ذهبی و کیفیت رشد و نمایش در جهان و شکل تکامل یافته اش در آینده در حال حاضر هیچکس چیزی نمی داند و هر چه بیان شود ابراز عقیده شخصی و خصوصی است که ارزش امری ندارد . بدیهی است که مراحل تکامل موسسات نظم بدیع الهی تحت قیادت مصون از خطای بیت العدل اعظم الهی طی خواهد شد .

عصر ذهبی که به فرموده حضرت ولی امرالله غایت قصوی و مقصد اعلای این دور مقدس است بعد از

اختتام عصر تکوین فرا می رسد عصری که عصر اتحاد ملل و اتفاق نحل و طوائف عالم است . حضرت ولی امرالله در اهمیت عصر ذهبی می فرماید : عصر ذهبی فرا رسد و نظم جهان آرای الهی در بسیط غربا جلوه نماید مدنیت الهیه تاسیس شود و ملکوت الله چنانکه حضرت مسیح وعده فرموده در بین بریه استقرار یابد .

دور نمای دل انگیز عصر ذهبی در متون مختلفه آثار و توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله به خوبی ترسیم و مشخص گشته و در آثار شارع امر اعظم بنام استقرار ملکوت الهی بر بسیط غربا معرفی گردیده برای درک لذت بیشتر ترجمه بیان مبارک حضرت ولی امرالله را زینت بخش این اوراق می نمایم . حضرت ولی امرالله در توقیع منیع جهان آینده در ظل تعالیم دیانت بهائی که سال ۱۹۳۶ نازل شده است این عصر پر انوار را چنین تشریح می فرماید : وحدت نوع انسان که مورد نظر حضرت بهاءالله است عبارت از تاسیس جهانی متحد است که در آن همه ملت ها و نژادها و مذاهب و طبقات کاملا و

دائما متحد گردند و در آن استقلال ممالک و اعضا و آزادی شخصی و حق پیشنهاد و وضع قانون از جانب همه کسانی که این ممالک را تشکیل می دهند کاملا محفوظ ماند . این جهان متحد تا آنجا که ما می توانیم تصور کنیم باید مرکب از یک هیات قانونگذاری جهانی باشد که اعضای قانونگذار آن به عنوان امنای همه عالم بشری ، کلیه منابع طبیعی ملل متشکل را تحت نظارت نهائی خود قرار داده قوانینی وضع نماید که حیات بشر را تحت انضباط آورد ، نیازهای انسان را برآورد و روابط همه ملل و اقوام را تعدیل نماید . یک هیات اجرایی جهانی مستظهر به نیروئی بین المللی ، تصمیمات متخذه هیات قانونگذاری را اجرا و قوانین موضوعه آن را تنفیذ و وحدت همه جهان متحد را حفظ خواهد نمود . محکمه ای جهانی در جمیع مناقشاتی که ممکن است بین عناصر مختلفه مرکبه این نظام بین المللی رخ دهد قضاوت نموده حکم لازم الاجرا و نهائی خود را صادر خواهد کرد . دستگاه ارتباط جهانی ابداع خواهد شد که تمامی کره زمین را در بر خواهد گرفت

و آزاد از موانع و قیود ملی با سرعتی شگفت آور و  
نظمی کامل به کار خواهد افتاد . پایتختی دنیایی به  
منزله مرکز اعصاب تمدنی جهانی پدید خواهد آمد که  
قوای وحدت بخش حیات به سوی آن معطوف و از  
آنجا اثرات نیرو بخش آن صادر خواهد گردید . زبانی  
جهانی ابداع یا از بین السنه موجوده انتخاب و در  
مدارس همه ملل به عنوان زبانی کمکی علاوه بر  
زبان مادری تدریس خواهد شد . خطی عمومی ،  
ادبیاتی جهانی ، یک مقیاس پول ، وزن اندازه گیری  
متحدالشکل و عمومی ، ارتباط و تفاهم بین ملل و  
اقوام دنیا را تسهیل خواهد نمود . در چنین جامعه  
جهانی علم و دین یعنی دو قویترین نیروی حیات  
انسانی با هم سازش و تشریک مساعی می نمایند و  
با هماهنگی ، رشد و پیشرفت می کنند . در ظل چنین  
نظمی مطبوعات ، در حالی که میدان را از برای  
ابراز نظرات و عقاید مختلف اپنا بشر باز خواهد  
گذاشت دیگر آلت دست مصالح و اغراض شخصی  
قرار نخواهد گرفت و از اعمال نفوذ دول و ملل  
متخاصم رهائی خواهد یافت . منابع اقتصادی دنیا

تحت نظم خواهد آمد . مواد خام آن استخراج و مورد بهره برداری کامل قرار خواهد گرفت . بازارهای جهان تنظیم و توسعه خواهد یافت و فرآورده ها به طور منصفانه بین ملل توزیع خواهد شد . رقابت ها ، خصومت ها و دسیسیه های ناشی از تعصب ملی پایان خواهد یافت . دشمنی و تعصب نژادی به دوستی و حسن تفاهم و همکاری بین نژاد ها بدل خواهد شد . علل نزاع و جدال مذهبی برای همیشه از میان خواهد رفت . موانع و قیود اقتصادی کاملاً مرتفع خواهد شد . امتیاز مفرط بین طبقات از میان خواهد رفت . فقر از یک سو و تجمع بی اندازه ثروت از سوی دیگر ناپدید خواهد گشت . نیروهای عظیمی که در راه جنگ اقتصادی یا سیاسی به هدر می رود وقف مقاصدی می گردد که باعث توسعه دامنه اختراعات و پیشرفتهای تکنولوژی ، ازدیاد فرآورده های انسانی ، از بین بردن بیماری ، توسعه تحقیقات علمی ، بالا بردن سطح بهداشت عمومی تهذیب و تشحیذ فکر آدمی ، استخراج منابع متروک و ناشناخته کره زمین ، تزئین حیات انسان و پیشرفت

هر عامل دیگری که بتواند حیات عقلانی ، اخلاقی و روحانی جمیع اینا بشر را تقویت کند . نظمی جهانی بر کره ارض استیلا خواهد یافت که سلطه ای کامل بر منابع فوق العاده دنیا خواهد داشت . آمال شرق و غرب را در خود ممزوج و مجسم خواهد نمود . از شر جنگ و مصائب آن رهائی خواهد یافت و توجهش را معطوف به استخراج جمیع منابع نیروی موجود در سطح زمین خواهد نمود . نظمی که در آن قدرت ، خادم عدالت است و حیات آن متکی به شناسائی عمومی یک خدا و ایمان به ظهوری واحد خواهد بود . این است هدفی که عالم بشریت تحت تاثیر قوای وحدت بخش حیات ، به سوی آن در حرکت است . حضرت ولی امرالله در توقیع منیع مبارک هدف نظم بدیع دور نمای عصر ذهبی را ترسیم نموده و می فرمایند :

یک نوع حکومت عالیه جهانی باید رشد و تکامل یابد که همه ملل جهان با طیب خاطر هر نوع ادعای مربوط به جنگ و برخی از حقوق مربوط به وضع مالیات و کلیه حقوق مربوط به نگهداری قوای



نظامی و آلات و ادوات حرب به جز به منظور حفظ نظم داخلی ممالک خود را بدان واگذار نمایند . یک چنین حکومت در نطق خود دارای قوه مجریه بین المللی است که صلاحیت کافی دارد تا هر عضو طاغی اتحادیه جمیع ممالک عالم را در برابر مرجعیت و قدرت عالیه و قاطع خود به اطاعت وادارد و نیز پارلمانی جهانی که اعضای آن از طرف مردم ممالک مختلف انتخاب می شوند و مورد تائید دولتهای خود قرار می گیرند ، و محکمه کبرای بین المللی که رای صادره از آن حتی در مواردی که طرفین مایل با احاله دعوا بدین هیئت کبری نباشند حکمی لازم الاجرا به شمار می رود . جامعه ای جهانی که در آن همه موانع اقتصادی برای همیشه مرتفع گردد و ارتباط و اتکال کار و سرمایه به نحو قاطع شناخته شود ، و در آن عربده و هیاهوی تعصبات و مجادلات مذهبی برای ابد تسکین یابد ، و در آن نار مخاصمات نژادی سرانجام خاموش شود و در آن مجموعه واحدی از قوانین بین المللی که محصول داوریهای نمایندگان همه ممالک دنیا در این

اتحادیه عالم است تدوین گردد و مداخله میرم و  
اجباری نیروهای متحد اعضای حکومت متحده  
ضامن اجرائی آن به شمار رود و بالاخره جامعه ای  
جهانی که در آن خشم ملیت پرستی متلون و جنگاور  
نبوعی آگاهی و جهان دوستی بدل شود . این است  
روش کلی و بر جسته نظمی که حضرت بهاءالله پیش  
بینی فرموده اند . نظمی که در آینده به منزله ابهی  
ثمره عصری رو به تکامل شناخته خواهد شد .

و در همان توقیع مبارک می فرمایند :

طلوع دوره عزت و سعادت عالم بشریت که شاعران  
در طی قرون و اعصار در وصف آن به نظم سرود و  
اشعار پرداخته اند و انبیا زمانی دراز آن را در رویا  
دیده اند منوط به اتمام و اکمال این طرح عظیم و  
شکوهمند اتحاد دنیا است . اتحادی که جمیع منابع  
سیاست رومیان از عهده تحقق آن عاجز ماند و  
مساعی مایوسانه ناپلئون با شکست روبرو شد . و  
نیز تحقق نبوات انبیای سلف که روزی شمشیرها به  
گاو آهن تبدیل خواهد شد و شیر و بره در کنار هم  
خواهند خسبید مربوط به تحقق اتحاد عالم است و

تنها آن می تواند منادی ملکوت اب سماوی باشد که دیانت عیسی مسیح بدان بشارت داده است تنها همین اتحاد عالم می تواند شالوده نظم بدیع جهانی را که حضرت بهاءالله تصویر فرموده اند پی ریزی نماید چنان نظمی که در حد استعداد عالم خاک این بسیط غبرا را آئینه تجلیات ملکوت ابهی خواهد کرد .

بیت العدل اعظم الهی می فرمایند :

عصر ذهبی خود فی حد ذاته منقسم به اقسام و عهود متابعه خواهد بود که متناوبا متسلسلا در عالم امکان لایح و عیان خواهند گشت و منجر به استقرار صلح اعظم در بسیط زمین جلوه سلطنت عالمیه و غلبه ظاهره شریعت سماویه خواهد و مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه در اقطار جهانی برقرار خواهد گشت . حضرت ولی امرالله سال ۱۹۶۴ در توقیعی چنین مرقوم فرموده اند :

چنین مقدر است که قرن دوم بهائی شاهد انتشار وسیع و استحکام بارز قوای فعاله در توسعه و پیشرفت جهانگیر نظم مزبور و نیز ناظر جنبش های اولیه نظم جهانی باشد ، نظمی که تشکیلات اداری

موجود طلیعه و هسته مرکزی و نمونه ای از آن است ، نظمی که چون شکل گیرد و درخشش و لمعان تاثیرات لطیفه اش کره ارض را در برگیرد ، بلوغ کلیه نوع بشر و تکامل امر الهی را که به وجود آورنده نظم مزبور است ، اعلام خواهد داشت . " حضرت ولی امرالله دور نمای عصر پر انوار ذهبی را در یکی از توقیعات مبارکه چنین ترسیم می نمایند : سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی موسس آنین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی مرحله سابع و اخیر است . و بعد اضافه می فرمایند : در این مرحله اخیر به نفسه مقدسه ظهور و جلوه مدنیت حقیقیه الهیه و بلوغ عالم به رتبه کمال که اعلی المراتب است و تبدیل ارض به قطعه از فردوس اعظم تحقق یابد .

جناب نخجوانی در نطقی که ایراد فرموده اند و خلاصه آن در پیام بهائی شماره ۱۵۱ صفحه ۲۴ مندرج است می فرمایند :

بعد از این عهد و اختتام عصر تکوین که عصر دوم بود وارد می شویم به عصر ذهبی که باز مشتمل بر عهد متعدده است . این صریح بیان حضرت ولی امرالله است یعنی وقتی که عصر ذهبی شروع شود مشتمل خواهد بود بر عهد متعدده یعنی این عهد بلا انقطاع با ما خواهد بود و این عصر ذهبی شاهد ظهور و جلوه اعلی و ابهی ثمره نظم جهانی بهائی در عالم خواهد شد . این قسمت آخر نقل از یکی از توقیعات حضرت ولی امرالله به فارسی است که می فرمایند این عصر شاهد ظهور و جلوه اعلی و ابهی ثمره نظم جهانی است یعنی نظم جهانی بهائی یک ثمره ای خواهد داشت و این ثمره در عصر ذهبی مشاهده خواهد شد . الان هنوز ظاهر نشده .

ما در قرنی زندگی می کنیم که اگر بخواهیم به طور صریح آن را توصیف کنیم قرنی است که در آن دو سانحه ی عظیم دیده می شود . سانحه ی اول سكرات موت نظمی را نشان می دهد که فرسوده و غافل از خدا شده و با لجاجت تمام با وجود علائم و اشارات یک ظهور صد ساله نخواستہ است وضعیت خود را با دستورات و مبادی آن دیانت آسمانی وفق دهد . سانحه دوم درد زده نظم جدیدی را اعلام می دارد که ملکوتی و متضمن نجاح و فلاح عالم است و به طور قطع جایگزین نظم اول و در تشکیلات اداری آن نطفه ی مدنیته ی بی مثیل و عالمگیر نمایان است که به طور مرئی در حال رشد و بلوغ است .

اولی منزوی و در ظلم و خونریزی و ویرانی مضمهل می گردد و دیگری منظره عدالت و وحدت و صلح و معارفی به روی ما می گشاید که در هیچ عصری نظیر آن دیده نشده است . اولی قوای خود را به مصرف رسانیده و سقیم و عقیم بودن خود را ثابت نموده و فرصت خود را به نحوی غیر قابل جبران از دست داده و با سرعت تمام به طرف زوال و ویرانی

می گراید . و دومی نیرومند و شکست ناپذیر  
زنجیرهای خود را گسسته و محقق می سازد که یگانه  
پناهگاهی است که عالم انسانیت رنج کشیده هر گاه از  
آلودگیهای خود پاک شود می تواند به وسیله آن به  
مقامی که برای آن مقدر است نائل گردد .

از حضرت ایادی عزیز امرالله جناب ابوالقاسم فیضی  
مطلبی را درباره عصر ذہبی می پرسند ایشان می  
فرمایند : و اما عصر ذہبی یعنی تمدن بهائی که به  
وجود خواهد آمد این عصر ذہبی اواخر دوره  
حضرت بهاءالله خواهد بود یعنی بعد از پانصد  
ششصد سال خیلی مدت زمان زیادی است اما زمان  
ما خیلی بهتر است چون در حال شروع کردن آن  
عصر هستیم آیا می خواهید آن عصر ذہبی را ببینید .

## ۱۸۲- منظور از دوران مجهولیت دوران

کوتاهی است که امر مبارک شناخته نشده بود

اولین دوره از دوران هفت گانه استقرار شریعت الله در بسیط غربا دوران مجهولیت است . این دوران گرچه مظهر هر ظهوری ادعای خود را فاش ساخته و امر الهی را اعلام فرموده ولی ظهور و بروزش تا مدتی از انظار اهل عالم مخفی و پنهان است زیرا طبقه عوام از آن بی اطلاعند و طبقه خواص هم آن را جدی نمی گیرند . دوران مجهولیت که در تمامی ادیان آسمانی جریان دارد در دوران حضرت مسیح حدود ۴ سال طول کشید یعنی ۴ سال بعد از شهادت حضرت مسیح با شهادت استیفان که در سال ۳۷ میلادی روی داد امر مسیح مورد توجه روسای دین یهود و اهالی ساکن در اراضی مقدسه قرار گرفت و به آن اهمیت داده شد و از مرحله مجهولیت درآمد . در دیانت اسلام این دوره حدود سه سال بود که حضرت محمد امر خود را علنی نساخته بود و فقط به اطرافیان نزدیکش از جمله خدیجه حرم مبارکش و



حضرت علی پسر عمش و یکی دو تن از اقربا امر مبارک را اعلام نموده بود و در سال چهارم بود که ظهور خود را علنا اظهار نمود و دیانت اسلام از حالت مجهولیت بدر آمد . اما دوران مجهولیت دیانت بابی بسیار کوتاه مدت و از همان ابتدای ظهور در نتیجه عکس العمل شدید علما که عده ای موافق و عده ای مخالف شدند از مجهولیت درآمد و با واکنش شدید دولت در قلع و قمع اصحاب اولیه در واقعه قلعه طبرسی و زنجان و نیریز به اوج خود رسید . دوران مجهولیت دیانت بهائی بعد از اظهار امر خفی حضرت بهاءالله در سیه چال طهران آشکار و قبل از اظهار امر علنی در بغداد پایان پذیرفت . زیرا عده زیادی از اصحاب حضرت باب که در بغداد ساکن بودند پی به شخصیت والای حضرت بهاءالله برده و با نزول کتاب ایقان که متمم کتاب بیان بود دوران مجهولیت دیانت بهائی به سر آمد . اقدام بی نتیجه دولتیان در به شهادت رساندن حضرت اعلی و شهید نمودن ۲۰ هزار نفر از مومنین اولیه و حبس و تبعید حضرت بهاءالله طی شدن دوران مجهولیت را تسریع

نمود و امر مبارکش از مرحله مجهولیت که اولین دوره از مراحل هفت گانه می باشد با سرعتی غیر قابل تصور عبور نمود .

به طور کلی دوران مجهولیت دوران بسیار کوتاهی است که معمولاً تا شناسائی امر جدید در تمامی ادیان سابقه دارد در دیانت حضرت مسیح این دوران ۳ سال بود دوران مجهولیت اسلام حدود ۴ سال بود که با گرویدن عده ای از فامیل و دوستان حضرت محمد دیانت اسلام از مجهولیت در آمد و آشکار گردید و مخالفت معاندین و مخالفین شدت گرفت دوران مجهولیت دیانت بابی که از زمان محمد شاه قاجار شروع شده بود بسیار کوتاه بود و با تیراندازی به ناصرالدین شاه پایان گرفت و از مجهولیت در آمد . دوران مجهولیت دیانت بهائی بعد از اظهار امر خفی حضرت بهاءالله آشکار و در دوران بغداد حتی قبل از اظهار امر علنی پایان یافت زیرا شخصیت حضرت بهاءالله و نزول کتاب ایقان باعث شده بود که عده زیادی پی به شخصیت والای ایشان ببرند . بیت العدل اعظم الهی در پیام مورخ رضوان ۱۹۹۲ در مورد

نتایج و دست آورده های نقشه ۶ ساله که پیروزمندانه خاتمه یافت . می فرمایند : خروج بارزتر امر الهی از مرحله مجهولیت را در بازتابهای شخصی که داشته است می توان مشاهده نمود از جمله در محافل فرهنگی در کتب مرجع و در وسائط خبری به نحو روز افزونی از امر بهائی به عنوان یکی از ادیان عمده یا اصلی یاد می شود . در اثر تشدید مجاهدت احبا در اعلان امرالله بر حجم مطالبی که درباره اقدامات جامعه بهائی به وسیله وسائل ارتباط جمعی منتشر می شود بسیار افزوده شده از این مهمتر آنکه موسسات و منابع خبری راسا نیز علاقه مند به کسب خبر از جامعه بهائی شده اند و در نقاط مختلف جهان به ابتکار خود با جوامع بهائی تماس می گیرند .

۱۸۳- منظور از دوران مظلومیت دوره ایست  
که معتقدین به آن دچار صدمات و لطمات  
میشوند

دوران مظلومیت که به آن دوران مقهوریت نیز می  
گویند معمولاً دوره ایست که اصحاب و مومنین مورد  
اذیت و آزار حکومت و علما و متعصبین قرار می  
گیرند .

دوران مقهوریت دیانت بابتی با تیر اندازی به شهادت  
آنها در کتب تاریخی امری و غیر امری مسطور است  
دوران مظلومیت یا مقهوریت با واقعه رمی شاه قاجار  
شدت گرفت و باعث شهادت عده زیادی از اکابر بابیه  
و هجرت بسیاری به بغداد گردید . در این دوره بابی  
کشی رواج یافت و اصحاب و افراد بابی حق حیات  
نداشته جان و مال عیال و اولاد آنان در معرض خطر  
بود در دوران دیانت بهائی این دوره به صورتی دیگر  
جلوه نمود گر چه از شدت فشار کاسته شد ولی باز هم  
با بروز تضییقات از قبیل اخراج از ادارات یا عدم به  
رسمیت شناختن ازدواج و مراحل مختلف دیگر ادامه

یافت که خوشبختانه دورانش بس کوتاه بود و احبا با استقامت خود در مقابل شدائد ثابت نمودند که حاضرند جان خود را فدا نمایند و کلمه تبری بر زبان جاری نسازند .

دوران مقهوریت متاسفانه به علت بروز تعصبات جاهلیه در دوران مشروطیت کم و بیش ادامه داشت و بازار ردیه نویسی و اذیت و ایذا احبا به صور مختلف و ایجاد انجمن حجتیه و تبلیغات اسلامی رواج یافت. و در دوران جمهوریت به اوج خود رسید و باعث حرق و نهب منازل و محل کسب عده زیادی از احبا و اخراج از کار و دانشگاه و دبیرستان و شهادت بیش از ۲۳۰ نفر از نخبه احبا و اعضای محافل ملی و محلی و هیات معاونت گردید و بیش از ۷۰۰ نفر از احبا گرفتار سجن های دراز مدت و کوتاه مدت شدند و متاسفانه این جریان هنوز هم ادامه دارد ولی استقامت احبا طلیعه ظهور دوران انفصال قطعی و استقلال را در ایران می دهد . البته در بیشتر کشورهای مختلف جهان این دوران وحشتناک یا اصلا

اتفاق نیفتاده و یا آن را از سر گذرانده اند و حتی به استقلال و رسمیت هم رسیده اند شدت تابش شمس ظهور سبب شد که امر الهی تقریبا بلافاصله به مرحله ثانی - مظلومیت و مقهوریت وارد شود . طوفان ظلم و اعتساف بر نهال نوپائی که در ارض اراده الهیه غرس شده بود ، با شدت وحدتی عظیم وزیدن گرفت و وقایع مدهشه ای از جهل و جفا ، قتل نفوس و نهب اموال بر پیروان امر بدیع وارد شد . این طوفان مهیب گاه با شدتی عظیم و گاه با حرکتی بطنی ، همچنان جریان داشته و تا زمانی که اراده غالبه الهیه به ندای " اسکنی " تعلق گیرد و امر امر حقیقی آن را با آرامش و سکون امر فرماید ، از حرکت باز نایستد

۱۸۴- منظور از دوران انفصال دوره ایست  
که امر الهی بصورت دین جدید شناخته میشود

در این دوره مسئله فرقه ای از یکی از ادیان سالفه  
بودن روشن گشته و بر مدعیان واضح می گردد که  
دین است و فرقه نیست .

دوران انفصال که هم اکنون در آنیم دوره ایست که  
دیانت بهائی را باید به عنوان یک دین مستقل شناخت  
نه یک فرقه زائیده از اسلام در این دوران امر  
مبارک با داشتن برنامه های جهانی از جمله رادیو  
پیام دوست و برنامه آئین بهائی که از تلویزیونهای  
خارج پخش می شود و همچنین با بیانات و پیامها و  
ابلاغهای معهد اعلی و برنامه ریزی احبا همانند طرح  
روحي و شرکت در خدمات اجتماعی کم کم مراحل  
انفصال را طی می نماید و دیگر آن را یک فرقه آن  
هم ضاله نمی دانند . در این مرحله شریعت الله از  
ادیان منسوخه عتیقه منفصل شده به عنوان یک آئین  
الهی که از منبع وحی منبعث شده مورد تأیید و  
شناسائی قرار می گیرد و جز فرقه ای از ادیان سالفه

بودن روشن می گردد.

حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک قرن خطاب به احبای شرف توضیح دادند که بر وجه نظم بدیع الهی نقابی قرار داشت در پی حکم محکمه در مصر در سال ۱۹۲۵ که آئین الهی را دینی مستقل توصیف کرد این نقاب از رخ نظم نظم بدیع الهی برداشته شد . (اصل بیان مبارکه در مجموعه توقیعات مبارکه صفحه ۹۵ مندرج است .) در این رای از جمله صریحا اعلام شده است که " و من جمیع مایتقدم یثبت قطعا ان البهائیه دین جدید قائم بذاته . له عقائد و اصول و احکام خاصه . تغایر و تناقض عقائد اصول و احکام الدین الاسلامی تناقضا تاما و لایقال للبهائی مسلم و لا العکس . کما لایقال بوذی او برهمی او مسیحی مثلا مسلم و لا العکس للتناقض فیما ذکر ."

حضرت ولی امرالله در این باره در یکی از توقیعات می فرمایند: و در جراید مصر رسما این واقعه اعلام گردید که دیانت بهائی دینی مستقل است و ربطی به اسلام ندارد .



درباره اعلامیه جامعه الازهر بزرگترین مرجع دینی  
مسلمین در مصر جریده مشهور الاخبار چنین می  
نویسد :

ترجمه از جریده مصری " الاخبار " مورخ دوازدهم  
جولای ۱۹۵۵

آزادی رای و عقیده در اسلام

در مجله بالغه " آخر ساعته " مقاله فصیحی بقلم استاد  
نشاشیبی مطالعه شد که در آن راجع به تضییقات  
وارد بر بهائیان مطالبی مرقوم و در خاتمه سنوالی  
طرح شده بود که آیا این اضهدات و تضییقات با  
تعالیم عالیہ اسلامیہ و روح عدل پرور آن موافقت  
دارد یا نه ؟

نگارنده این سطور معتقد است که اسلام بزرگترین  
دینی است که کافل آزادی رای و عقیده و عاری از  
نقیصه است هر فردی از افراد بشر مادام که در  
راحت و امان زندگی می کند و مخل نظم و آسایش  
عمومی نیست حر و آزاد است و سلاح اسلام اتیان  
دلیل در مقابل دلیل است و همچنین اسلام توصیه  
نموده که با غیر مسلم به نیکی و انصاف و انسانیت

بوجه اکل معامله شود ولو آنکه از عبده اوئان (بت پرست) باشند بر طبق تعالیم پیغمبر اسلام که الهام الهی است این آیات قرآن کریم معرف دین است قوله تبارک و تعالی لکم دینکم ولی دین " و فمن شاء فلیومن و من شاء فلیکفر " یعنی دین شما از برای شما و دین من از برای من هر کس مایل است ایمان بیاورد و هر کس می خواهد کافر بماند " و اما آیات مبارکه " تقاتلو نهم او بعلمون و اقتلوا لمشرکین حیث و جد تموهم " را نمی توان با اوضاع حاضر منطبق نمود زیرا این آیات مبارکه مخصوص مشرکین عرب بوده که بر ضد رسول خدا بمحاربه قیام کرده بودند و آن گروه کلا از بین رفته و وجود خارجی ندارند چنانچه علامه شهاب الدین شلبی در این باره تحقیقاتی نموده است و می گوید طبق تحقیقاتی که نموده و مطالعاتی که کرده رسول خدا و خلفا او از همان آتش پرستان نیز حمایت می کردند و آزادی ایشان را محفوظ می داشتند چرا در ایران تحت تضییقات قرار می گیرند و علماء خونشان را مباح می دانند و اموال و معابدشان را متصرف می شوند؟

خداوند تعالی ما را امر فرموده که با غیر مسلم مادام که رفتارشان مسالمت آمیز است به عدالت و جوانمردی رفتار نمائیم چنانچه در سوره ممتحنه وارد است و قبل از آنکه راجع به مساجد توصیه فرماید راجع به معابد غیر مسلمین سفارش فرموده است چنانکه در سوره حج می فرماید :

" ولو دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و  
بیع و صلوات و مساجد"

یعنی اگر نمی بود دفع خدا مردمان را بعضی از ایشان را به بعضی هر آینه ویران کرده شده بود صومعه ها و معبدها نمازها و مسجدها وقتی یکی از صحابه حسین انصاری از دو پسر خود به نزد رسول شکایت برد که آنها متمایل به دین نصاری هستند حضرت فرمود آنها را در دین خود آزاد بگذارید در این حین این آیه مبارکه نازل شد " لا اکراه فی الدین" اسلام حتی با مرتدین نهایت گذشت را رعایت نموده و کسی از ائمه دین چه در گذشته و چه در زمان حال راضی به قتل آنان نشده و اگر نفوسی معتقدند که باید به قتل برسند آنان نمی توانند یک آیه از قرآن بر

صحت اعتقاد خود اتیان نمایند و اما احادیثی که مورد استدلال علمای ماست یا مجهول است و یا ضعیف و هر حدیث آحادی البته مفید علم و یقین نیست چنانکه غزالی و اسنوی بدان اشارت نموده اند پس ای علما روحانی و ای صاحبان فضل و مقام در ایران و مصر و سائر بلدان اسلامی با تعصب مذموم خود به اسلام ستم نمائید .

غزالی حرب مدرس خدیویه ثانویه درباره انحلال محاکم شریعه روزنامه آخر ساعته که از روزنامه های معتبر مصر بود در شماره ۱۰۱۲ مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۵ می نویسد :

( جلسه قضاة شرعی ) برای همیشه از بین رفت ۲۱۲ قاضی شرع شصت هزار قصبه شرعیه مصر در این هفته از لغو محاکم شرعی و مجالس ملی حرف می زند . قرار این کار در وقت مناسب و بصور مناسب و به طریق مناسب داده شد . مردم گفتند این قدمی بود که با خلع فاروق در امنیت برابری می کرد و مسئولین اظهار داشتند که این عمل از جمله امور مهمه برای بر انداختن فساد در مصر

بود.

در ساعت هشت شب پنجشنبه گذشته خبری شایع شد که محاکم شرعی و عرفی یکی شده بامداد آن شب اثر ناگهانی این خبر که وزیر عدلیه آن را خبر داده بود بالطبع در محاکم شرعیه قاهره ظاهر گردید مثلا در ( حلیمه ) اثر یکی شدن محاکم به صورت عجیبی جلوه گر شد . اجتماعاتی در هر یک از کانونهای مدافعین شرعی به وقوع پیوست که آقایان با عمامه های سفید در حالی که سرهای بعضی از آنان به طرف بعضی دیگر خم شده بود تا در قانون تفسیر خاصی بکنند .

یکی از وکلای مدافع شرع که روزنامه صبح را در دست داشت بدرستی گفته خویش به چند سطر از مندرجات آن استدلال می کرد .

قاضیهای شرع به تندی کارهایی را که در دست داشتند ترک نمودند سپس به اطاق مخصوص خود رفته درها را به روی خویش بسته شروع به مناقشه درباره اقدام به کار خود نمودند . و بعد از آن متصدی هم در محضر محکمه عالییه همه چیز را واگذار به

هیات جدید نمود در حالیکه جلو در محکمه نشست و به دقت به گفتگوهای که در اطرافش جریان داشت و چیزی از آن سردر نمی آورد گوش می داد بالاخره سرش را به حیرت تکان داد گمان کنم بزودی به محکمه جنایات هم احضار شوم .

در اولین روز الغای محاکم شرعی بعضی از مدافعین به جانب شعبه محکمه شرعی محل رفته درباره کلمه (الغای محاکم شرعیه) که با خط درشت نشر شده بود اعتراض کردند . یکی از حضار پرسید آیا تنها همین است که شما را مکدر کرده ؟ همگی به یک بار فریاد بر آوردند که آری واجب بود که به لفظ مناسب دیگری از قبیل ( داخل کردن یا ضمیمه ساختن) نوشته می شد تا دشمنان ما را سرزنش نمی کردند .  
مفتی شرع مصر می گوید:

رای مفتی در الغای محاکم شرعیه چیست؟  
شیخ حسن مأمون که زندگی خود را در محاکم شرعی گذرانده است چه می گوید؟  
در هفته گذشته مفتی مصر با روزنامه ( آخر ساعه) به صراحت گفتگو کرده اظهار داشت : بیگانه چیزی

که او را ناراحت کرده این است که مردم یکی شدن  
محاکم عرفی و محاکم شرعی را بحادثه شیخ شبل  
مربوط بسازند حتی بعضی معتقدند که قاضیهای شرع  
تماما مانند شیخ شعبی هستند و حال آنکه حقیقت امر  
در جریان واقعه بر خلاف این است و من خود می  
دانم که راه اصلاح منحصر به همین قانون صریح  
بود که محاکم شرعی منحل و محاکم عرفی قضائی  
در آن ادغام و یکی شدند . پایان مقاله

در کتاب قرن بدیع جلد چهارم فصل ۲۴ ترجمه  
فرمایشات حضرت ولی امرالله را از کتاب  
گادپاسزبای چنین نقل می نماید :

هنگامی که نظم اداری امر حضرت بهاءالله در شرق  
و غرب عالم استقرار می یافت و اساس و شالوده آن  
به کمال متانت و اتقان نهاده می شد آنین الهی در یکی  
از قراء دور افتاده در قطر مصر از جانب مصادر  
امور و روسای مذهبی آن دیار مورد حمله شدید قرار  
گرفت ، حمله ای که از لحاظ تاریخ فصل جدیدی در  
مسیر ترقی و تکامل امرالله باز نمود و موقعیت خطیر  
و بی نظیری در عصر تکوین این دور اعظم بل در

تمام قرن اول بهائی ایجاد کرد . این تحول عظیم که در نتیجه تعرض اعداء حاصل گردید شریعه اله را از مرحله مظلومیت به مرحله انفصال و استقلال سوق داد و راه را برای رسمیت آئین رحمانی و تاسیس سلطنت الهی و استقرار حکومت جهانی بهائی که در مستقبل ایام به کمال عظمت و جلال جلوه گر خواهد گردید هموار نمود .

انفصال امرالله در کشور مصر مرکز عالم عربی و اسلامی که از طرف روسای اهل سنت و جماعت اعظم شعبه اسلام اعلان و در اثر اقدامات و تشبثات جمعی از پیشوایان آن قوم به منظور جلوگیری از فعالیت بعضی از یاران الهی که در بین آنان حائز مشاغل رسمی مذهبی بودند تشدید گردید بر حیثیت و اعتبار نظم اداری دین الله بیفزود و پایه و اساس آن را مستحکم ساخت . بدیهی است چون این حرکت و تطور عجیب به سایر ممالک اسلامی سرایت نماید و اهمیت آن از طرف پیروان دیانت مسیح و اسلام چنانکه باید و شاید احساس شود آنگاه است که دوره انتقال که اکنون امرالهی در مرحله تکوین و تقدم



خویش در آن سائر است به سرغت رو به اختتام خواهد رفت .

در کوم الصعایده یکی از قصابات گمنام مصر واقع در ناحیه ببا از ولایت بنی سویف در مصر علیا به علت تاسیس محفل روحانی از طرف جمع قلیلی از دوستان ، کدخدای محل برآشفست و نایره حسد در قلبش شعله ورگردید و یاران حضرت رحمان را نزد مقامات انتظامی مملکت و حکمران ولایت به مخالفت با شرع انور متهم ساخت به نحوی که عرق عصیبت جهال به حرکت آمد و ضوضاء شدید برپا شد و رئیس ثبت که سمت حکومت شرع و نمایندگی وزارت عدلیه را دارا بود علیه سه نفر از بهائیان آن سامان اقامه دعوی نمود و از مراجع قضائی انفصال و آزادی زوجات ایشان را به استناد اینکه ازدواجشان طبق مقررات شرعی اسلامی به عمل آمده و حالا که آنها از دیانت اسلام دست کشیده و به آئین بهائی اقبال نموده اند خواستار گردید . در تاریخ دهم می ۱۹۲۵ حکم محکمه شرعی در این باره صادر و از طرف عالی ترین مقامات روحانی مصر در مدینه قاهره تایید

گردید و متن آن انتشار یافت . به موجب حکم مذکور  
علمای سنت عقد ازدواج بین بهائیان مذکور و  
زوجانشان را فسخ و ارتداد و کفر متمسکین به شریعه  
ربانیه و انفصال و استقلال امر حضرت رب البریه  
را از سایر شرایع قبلیه اعلام نمودند . با صدور این  
حکم محکم حجاب اعظم دریده شد و حقایق مکنونه  
مستوره مکشوف گردید و آنچه را که دشمنان امرالله  
در شرق و غرب از اقرار و اعتراف به آن طی سنین  
متمادی خودداری و یا اظهار جهل و عدم اطلاع می  
نمودند علی ملا الاشهاد اعلان گردید . در حکم  
مذکور با قید حدود و احکام دیانت اسلام و تشریح  
اصول و مبادی این امر اعظم و استدلال به بعضی از  
آیات مقدسه کتاب اقدس و الواح منزله از قلم مرکز  
میثاق و پاره ای از جمل و عبارات از رسائل جناب  
ابوالفضل و درج شمه ای از مقررات بهائی اصالت  
دین مبین اثبات و خروج متهمین از شریعت حضرت  
سیدالمرسلین اعلام و به صراحت بیان تاکید گردیده  
که " ان البهائیه دین جدید قائم بذاته له عقاید و  
اصول و احکام خاصه بتغایر و تناقض عقاید و

اصول و احكام الدين الاسمى تناقضا تاما فلا يقال للبهائى مسلم و لا العكس كما لا يقال بوذى او برهمى او مسيحي مثلا مسلم و لا العكس للتناقض فى ما ذكر . " با الغاء عقد زواج و دستور انفصال ازدواج بهائى از زوجات خود مقرر مى دارد " من تاب و آمن منهم و صدق بكل ماجاء به سيدنا محمد رسول الله ... و عاد الى الدين الاسمى الكريم عوده صحيحه فى نظر اسلام و المسلمين حقا ... و سلم بان سيدنا محمد هو خاتم النبيين و المرسلين لا دين بعد دينه و لا شرع ينسخ شرعه و ان القرآن هو آخر كتب الله و وحى لانبياؤه و رسله ... قبل منه ذلك و جار تجديد عقد زواجه . " صدور اين حكم محكم از طرف اعداء امرالله در كشورى مانند مصر كه داعيه قيادت و رهبرى اسلام و تجديد مقام خلافت را داشت اولين سند و منشور قاطعى محسوب مى گرديد كه انفصال امر حضرت بهاءالله را از سنن و احكام اسلاميه ابلاغ و راه را براى احراز اصالت و رسميت آئين بهائى هموار مى نمود . اين شهادت رسمى كه بادل صريحه متكى و به تائيد مقامات روحانى آن

اقلیم موکد بود و علمای شیعه در ایران و عراق در طول یک قرن به کمال سعی و اهتمام از اظهار آن خود داری می نمودند بر دهان منکرین و معاندین این امر اعظم من جمله روسای ملت در غرب که امر بهائی را یکی از شعب مذهبی و یا شعبه ای از دیانت بابی و یا فرقه ای از فرق اسلامی و یا ترکیبی از مذاهب مختلفه متنوعه می شمردند مهر سکوت زد و به کمال صراحت و تاکید اثبات نمود که آئین بهائی آئینی است مستقل و دارای اصول و قوانین مخصوص و احکام و سنن معلوم که از سایر ادیان و شرایع عالم متفاوت و متمایز است .

در کتاب نفیس بحر پر گهر جناب هوشمند فتح اعظم درباره انفصال که مرحله سوم از ۷ مرحله تکامل الهی است می نویسند :

در زمان قیادت حضرت ولی امرالله هنوز اکثر نقاط جهان ، آئین بهائی را شعبه ای از اسلام می پنداشتند . چون امر بهائی در بستر کشور اسلامی ایران پیدا شده بود و ناچار اسامی تاریخی بزرگان و پیروان این آئین جدید اسامی اسلامی بود ، این فکر غلط در نزد

بسیاری از مردم ، حتی مورخین ، قوت گرفته بود . معلوم است که این تصور نادرست چقدر سبب تالم حضرت شوقی افندی بوده است و از نخستین سال های عصر تکوین به انحای مختلف سعی ایشان در این بود که استقلال امرالله را تثبیت نمایند و آئین جدید را به عنوان شریعتی مستقل و جهانی بر اهل عالم بشناسانند . در آثار خویش به شرق و غرب این موضوع را مکررا ذکر می فرمودند ، زیرا در آن زمان اهل بهاء چه در شرق و چه در غرب هنوز بعضی از سنن و عادات و تقالیدی که میراث اجدادشان بود ، با خود داشتند ، حتی مثلا بهائیان اروپا به عضویت خود در کلیسایی که قبلا عضو آن بودند ، ادامه می دادند ، یا در ایران هنوز بودند بهائینی که در ایام عاشورا روضه خوانی در منزل خود برپا می داشتند . این بود که حضرت ولی امرالله به تدریج و با حکمت ، ولیکن در نهایت قدرت ما را از استقلال آئین حضرت بهاءالله آگاه ساختند . مثلا اصرار فرمودند که ایام محرمه بهائی را مراعات کنند ، حتی به خاطر لزوم رعایت ایام محرمه بهائی ،

مدارس بهائی را فرمودند تعطیل شود ، ولی در تمکین به حکم دولت در بازنگاه داشتن مدرسه در ایام مخصوصه امتناع ورزیدند تا مردم ایران بدانند که امر بهائی خود دارای احکام و مناسکی مستقل از اسلام است . تا آن که فرصت مغتنمی به دست آمد و در مصر در قضیه ی ازدواج بهائی بین دو جوان مصری ، علمای اسلام در آن سامان غوغائی برپا کردند و هیاهویی به راه انداختند ، تا این که این قضیه به محکمه شرعیه مصر ارجاع شد . محکمه برای آن که امر بهائی را بی اعتبار سازد و پیروان این آئین را مرتد شمارد ، حکم صریح و مفصلی داد و بر انفصال امر بهائی از اسلام تاکید کرد .

حضرت ولی امرالله در توفیق شباط ( ۹ فوریه ۱۹۲۷ ) این کوشش علمای اسلام را در مصر که اعلی محکمه شرعیه در اکثر ممالک مسلمان است ، به عنوان بشارتی به بهائیان شرق و غرب ابلاغ فرمودند و اکثر متن آن را نیز به نقل حکم دادگاه عالی شرع در آن توفیق گنجانند می فرمایند :

" از جمله بشارت اولیه و علائم فرح بخش غلبه و

اعلان امرالله و استعلاء و استقلال دین الله و  
استخلاص و انفصال شریعه الله از سنن و شرایع  
متنوعه سابقه ، قرار نهائی و اعلام صریح رسمی  
محکمه شرعیه قطر مصر است که بعد از تفحص تام  
و تحری و تجسس کامل و مباحثات و مناقشات و  
تدقیقات متینہ به اطلاع و تصویب حکام و روسای  
شرع انور صادر گشته و رسماً ابلاغ گردیده و طبع و  
انتشار یافته . هرچند این حکم محکمه شرعیه ،  
پیروان شریعت حضرت بهاءالله را از ملحدین و  
مرتدین شمرده و از کفار انگاشته و خارج از ظل  
شریعت محمدیہ دانسته و حکم فسخ عقد زواج بین  
طرفین از بهائی و غیر بهائی صادر نموده ولی به  
صریح عبارت و مستند بر استشادات و استدلالات  
منصوصه قاطعه ی مقتبسہ از کتاب اقدس و کتاب  
عهد و کتاب ایقان و سوره هیکل و هفت وادی و  
الواح شتی که در نصوص آن حکم مسطور و مندرج  
است ، شہادت داده و اقرار و اعتراف نموده که آئین  
بهائی دینی است جدید و مستقل و دارای احکام و سنن  
و قواعد و اصول مخصوصه ..."

## ۱۸۵- منظور از عصر تکوین عصر دوم دیانت بهائی است

عصر دوم از دور بهائی عصر تکوین می باشد که هم اکنون ما در آن می باشیم . شروع عصر تکوین با افتتاح الواح وصایا و جلوس حضرت ولی امرالله بر اریکه ولایت امر یعنی به سال ۱۹۲۱ میلادی یا ۱۳۴۰ قمری و ۱۳۰۰ شمسی است . عصر تکوین که به آن عصر انتقال هم گفته شده در حقیقت حلقه اتصال دو عصر رسولی و ذهبی است . به فرموده حضرت ولی امرالله انتهای این عصر استقرار نظم بدیع الهی در شرق و غرب و جلوه وحدت اصلیه در انجمن بنی آدم است که تاریخش در علم الهی مکتوم است . درباره مختصات خاص عصر تکوین حضرت ولی امرالله چنین می فرمایند " عصر تکوین دور بهائی به ارتفاع نظم اداری مخصص گشته و این نظم به مثابه صدفی برای حفظ و صیانت گوهر گرانبهای امرالله است و به مرور زمان واضح و میرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیه ایست که این شرع انور



را به مرحله نهائی وارد خواهد کرد . عصر تکوین در مقام خود ممتاز و حامل رسالتی عظیم و بی نظیر در مدت امتداد خود بوده و در آن مقرر است که نظم اداری ارتقاء یافته و نظم بدیع جهان آرای الهی متولد شود و میراث گرانبھائی که از عصر رسولی با جانبازیها و فداکاریهای بیشمار اسلاف حاصل شده است در قالب تشکیلات و موسسات اداری به عصر ذھبی منتقل گردد .

تبلیغ و انتشار امر در این عصر جایگاهی خاص داشته و سرنوشت روحانی آتیه امر را تا حدود زیادی به خود مرتبط می سازد و بدیھی است که ما به عنوان وارثان امر الهی ، از این لحاظ در عصر تکوین حامل رسالتی عظیم می باشیم . جناب فاضل مازندرانی راجع به اهمیت این موضوع چنین ذکر می نماید : " هر یک از ادیان و نهضتھای روحانیہ دورہ تبلیغاتشان کمال اهمیت را دارا بوده و هست زیرا کہ در آن دورہ روح و عوامل معنویہ باید تولد و تقرر یابد تا اساس مدنیت و کمالیت آن دیانت و نهضت را در دورہ استقلال و استقرار خود بہ موقع عمل گذاشته

و منتشر سازد و به عبارت اخری تقدیرات آتیه هر دیانت و نهضت روحانیه مبتنی بر دوره تبلیغات و تمام حیثیات و شؤون آن فروع و اغصان همان بذری است که در آن دوره افشانده شده و نمو نموده است حتی اگر بذری فاسد در دوره تبلیغات افشانده شود ثمره تلخش در دوره بعد دیده خواهد شد و به هر اندازه که در تبلیغات قصور وفتور واقع شود به همان درجه در عظمت انتشار آن دیانت آثار آن دیده خواهد شد و عظمت وسعت هر دیانتی به مقیاس وسعت و همتی است که در بنیان تبلیغات جلوه کرده و از این رو معلوم است که دیانت و نهضتی که به نام عمومی و جهانگیر ظهور نموده دوره تبلیغاتش بایستی تا چه اندازه ممتد و عظیم و عالی باشد و هر گاه در دوره تبلیغاتش به طوریکه لازم است از حیث فداکاری و علاقمندی و عمومیت فکر و نورانیت ضمیر اقدامات وافیه نشود ممکن است مطابق آمال و انتظارات اولیه سرعت واقع نشده و نتیجه منظور حاصل نگردد .

و حضرت ولی امرالله در تبیین این حقیقت که اهمیت

این دوره کمتر از عصر رسولی نیست چنین می  
فرمایند ، قوله الاحلی : " اگر چه موفقیت‌های عظیم و  
خدمات فراموش ناشدنی نصیب علمداران عصر  
رسولی امر در سرزمین ایران شده است ولی تاثیری  
که بانیان شجاع اساس قویم نظم بدیع الهی ... در  
ایجاد تشکیلات حیاتی امر الهی داشته اند اینک به  
سوی تحقق نقشه ای در حال پیشرفت است که مبشر  
عصر ذہبی امرالله می باشد و به هیچ وجه این دوره  
دشوار از تاریخ امر کم اهمیت تر از فداکاریهای  
گذشته نیست

نکته اساسی دیگر که از امتیازات عصر تکوین است  
تشکیل بیت العدل اعظم است یعنی استقرار انجمنی  
مصون از خطا بر بسطی غیرا . این امر که به هدایت  
الهی و همت حضرات ایادی علیهم بهاءالله و مشارکت  
مستقیم تمام احبای جهان در ظل رایت نظم اداری  
صورت گرفته است و می توان آن را شاهکار عالم  
خلق در عصر تکوین خواند در طول تاریخ ادیان  
گذشته کاملا بی مثل و بی نظیر است . این انجمن که  
در یکصدمین سال اظهار امر علنی جمال اقدس ابھی

در عالم امکان تمکن یافت اکنون به عنوان یگانه ملجا بشریت در مانده آحاد بشر را به سوی قادر متعال فرا می خواند و نسل کنونی مفتخر است که در چنین عصری در جوار چنین رکن رکینی به ایفای وظایف مقدسه خویش قائم و موید است . حال قسمتی از بیانات مبارکه حضرت ولی امر الله را راجع به عصر تکوین نقل نموده و به توضیح مختصری درباره تقسیمات آن می پردازیم .

در تَوَاقِع ۱۹۳۲ می فرمایند : " با افول نیر میثاق عصر مبارک رسولی عصر جانبازان و باسلان این دوره اعظم که به علت انتسابش به طلعات قدسیه موسسین این امر ابداع افخم و وضع اساس و مبانی اولیه این بنیان اقوم و قیام و شهادت پیروان و رسولان این شرع اکرم اعلی و اشرف از جمیع اعصار و قرون محسوب و تجلیات و اشراقات فائق بر انتصارات و فتوحات گذشته و آینده است پایان پذیرفت و ماموریت و رسالت مرکز پیمان که حلقه ارتباط و حد فاصل بین این عصر مشعشع که در آن بذور امر جدید الولاده افشانده شده و اعصار لاحق

که زمان بروز آثار و اثمار شجره طیبه رحمانیه است  
به انتهی رسید . قوه قدسیه الهیه که در سنه ستین  
در شیراز تولد یافت و در ارض (طا) نبغان جدید  
حاصل نمود و شعله اش در مدینه الله و ارض سر  
مرتفع گردید و نفحات مسکبه اش عالم غرب را  
معطر و اقطار شاسعه جهان را معنبر ساخت اکنون  
با طلوع عصر تکوین در مشروعات و موسسات  
بهیه این آئین نازنین که به منزله مجاری و قنوات  
جهت ایصال فیض نامتناهی الهی به جهان بشری  
است حلول نمود و بر قوت و اتقان بیفزود و در این  
عصر ثانی که عصر جدید امر یزدانی است موسسات  
محلّی و ملی و بین المللی شریعت حضرت بهاءالله به  
تدریج تشکیل و روزبه روز وسعت و عظمت خواهد  
پذیرفت تا عصر ثالث و اخیر دور بهائی یعنی عصر  
ذهبی فرارسد و نظم جهان آرای حضرت رحمن در  
بسیط غربا جلوه محیر العقول نماید و ثمره نهائی  
امر جمال اقدس ابهی ظاهر و آشکار گردد و مدنیت  
الهیه تاسیس شود و ملکوت الله چنانکه حضرت

مسیح له المجد و الثنا وعده فرمودند در بین بریه  
استقرار یابد . عصر تکوین با افتتاح الواح وصایای  
مبارکه حضرت عبدالبهاء و اعلان جانشینی حضرت  
ولی امرالله آغاز گردید و شامل عهد های متفاوت و  
گوناگونی با طول زمان های مختلف می باشد.

## ۱۸۶- منظور از رسمیت شناخته شدن امر الهی توسط حکومت است

مرحله پنجم مرحله رسمیت است که دین الهی در مملکتی که نطفه اولیه آن منعقد گردیده به رسمیت شناخته خواهد شد .

نظیر این جریان در به رسمیت شناختن دیانت مسیحی در زمان قسطنطین کبیر امپراطور روم شرقی وقوع یافت که بعد از اینکه قریب ۳۰۰ سال مسیحیان مورد شکنجه و آزار قرار گرفته و آنها را که به عنوان گلاادیاتور معروف بودند با حیوانات درنده و وحشی روبه رو می ساختند و از تکه پاره شدن آنها به وسیله آن درندگان تفریح می نمودند وقتی قسطنطین کبیر دیانت حضرت مسیح را پذیرفت خود مسیحی شد . دین مسیح را به عنوان دین رسمی مملکتش اعلام نمود و یا در ایران وقتی بساط استبدادی دوران قاجاریه برچیده شد و مشروطیت اعلام گردید یکی از مواد اصول قانون اساسی این بود که دین رسمی مملکت اسلام و مذهب شیعه است . در بیشتر کشورها

دیانت بهائی به این مرحله رسیده است بیت العدل اعظم در پیام مورخ رضوان ۱۲۲ مژده زیر را به عالم بهائی ابلاغ فرمودند شش محفل روحانی ملی رسماً به تسجیل حکومت رسیده و در کشور کامبوج که در ظل نقشه نه ساله دارای محفل ملی مستقلی گردید امر الهی به شناسائی حکومت در آمده است. و در پیام مورخ رضوان ۱۹۶۷ مرقوم داشته که در کشور ایسلند و کره و لیبریا و لوکزامبورک و رودزیا اکنون قباله ازدواج بهائی را به رسمیت می شناسند و ایام متبرکه که بهائی در کشور های جمهوری دومینیکن و گویان و هاوایی و ایسلند و ایتالیا و کنیا و لوکزامبرک جز تعطیلات رسمی محسوب می گردد. در حقیقت مرحله رسمیت شناسائی به عنوان دین رسمی است که در اجرای مراسم دینی و داشتن معابد آزاد است و تحت حمایت اولیای امور است.



## ۱۸۷- منظور از عهد میثاق دوران انتخاب حضرت عبدالبها بجانشینی حضرت بها>الل است تا صعود ایشان

عهد میثاق که دوران آن ۲۹ سال است ابتدایش سال  
۱۳۰۹ قمری و انتهایش سال ۱۳۴۰ قمری مطابق  
۱۳۰۰ شمسی همزمان با صعود حضرت عبدالبها می  
باشد.

عهد سوم دور بهائی که بنام عهد میثاق نامیده میشود  
مدتش ۲۹ سال است ابتدای آن از جلوس حضرت  
عبدالبها بر اریکه عهد و پیمان الهی یعنی سال ۱۳۰۹  
قمری است که کتاب عهدی وصیت نامه حضرت  
بهاالله مفتوح گردید و جانشینی حضرت عبدالبها مسلم  
گشت و انتهای آن سال ۱۳۴۰ قمری است که صعود  
هیکل مبارکش واقع گردید. از وقایع مهمه این عهد قیام  
ناقصین عهد و پیمان- استقرار عرش حضرت اعلی  
در کوه کرمل- پایه گذاری بنای مقام اعلی - ایجاد  
اولین مشرق الاذکار و مقدمات ساختمان دومین مشرق  
الاذکار- سقوط خلافت عثمانی و مسافرت هیکل

مبارک حضرت عبدالبها به اروپا و امریکا و انتشار امر الهی در آن صفحات می باشد. و همچنین در معرفی این نظم نوین که کافل سعادت بشری است می فرماید: ای دوستان عزیز و ارجمند این نظم بدیع جهانی که تحققش در آیات نازلہ از قلم حضرت بهاء الله موعود بوده و اصول اساسیہ اش در آثار مرکز میثاقش مصرح گشته مقصدی جز ایجاد اتحاد کامل نوع انسان ندارد و این وحدت و اتحاد ایجاد نگردد مگر آنکه موافق و مطابق با اصول و هماهنگ با قوه محرکه و قوانین حاکمه بر موسساتی باشد که اینک اساس بنیاد نظم اداری بهائی را تشکیل می دهند .

حضرت ولی امر الله در ضمن یکی از تواقیع مبارکه پایان عصر رسولی را مقارن با ارتحال سلیلہ البهاء اخت محبوب حضرت مولی الوری حضرت ورقه علیا در سنہ ۱۹۳۲ و دیعہ عصریکہ مشحون از جلالت و شہامت و بسالت است معین و مصرح فرموده اند . در عہد سوم عصر رسولی یعنی در عہد میثاق امر الهی علاوہ بر ۱۲ مملکت کہ در عہد اول و دوم نفوذ کرده بود در ۲۰ مملکت دیگر نیز

مستقر و مشتهر گردید که عبارتند از :

- ۱- عربستان ۲- اطریش ۳- کانادا ۴- فرانسه ۵- انگلستان
- ۶- هلند ۷- ایتالیا ۸- روسیه ۹- سویس ۱۰- تونس
- ۱۱- استرالیا ۱۲- برزیل ۱۳- چین ۱۴- آلمان
- ۱۵- هاوایی ۱۶- لهستان ۱۷- ژاپن ۱۸- آفریقای
- جنوبی ۱۹- اردن ۲۰- آمریکا

افول کوكب میثاق که خاتمه این دور اعظم یعنی عصر  
رسولی محسوب است.

## ۱۸۸- منظور از حکومت جهانی تحقق وحدت

### عالم انسانی است

آخرین مرحله این سیر تکاملی نشو و ارتقا آئین نازنین تشکیل حکومت جهانی است که به فرموده مبارک جلوه سیطره ظاهری روحانی موسس آئین بهائی است که با تشکیل محکمه کبری بین المللی و بروز و اعلان صلح عمومی مقدمه وحدت عالم انسانی که هدف غائی دیانت بهائی است تحقق خواهد یافت . طی این مراحل هفت گانه در جوامع مختلف بشری یکسان نخواهد بود زیرا طی مراحل اول تا چهارم در بیشتر ممالک یا طی شده و یا اینکه اصلا وجود نداشته و در بعضی ممالک استقلال و رسمیت آئین بهائی پذیرفته شده و مسلما طی مراحل ششم و هفتم زمان می طلبد و باید در محدوده زمانی دور بهائی که حداقل یک هزار سال تحقق یابد . در این مرحله صلح اعظم الهی تاسیس می گردد و آغاز عصر ذهبی شروع می شود . در این مرحله که مرحله سابع و اخیر رشد و ارتقای امر جمال اقدس

ابهی در دور بهائی است . " جلوه سیطره ظاهری و روحانی موسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی " متحقق خواهد شد .

مراحل هفتگانه فوق ، کل مقدمات " ظهور و جلوه مدنیت حقیقه الهیه و بلوغ عالم به رتبه کمال که اعلی المراتب است " خواهد بود .

به طوریکه گفته شد مراحل اول تا پنجم ، از مجهولیت تا رسمیت ، در اقالیم و ممالک مختلفه عالم ، یکسان و همزمان نخواهد بود و در هر جا ، به اراده غالبه الهیه ، و با ارتباط به درجه همت و ایثار مومنین در راه تبلیغ میقاتی معین خواهد داشت و از مرحله ششم تا بعد ، ترقی و سیطره امر در سطح جهانی متحقق خواهد گشت . تحقق مراحل سبعة فوق ، جریان حرکت جوهری و نشو و ارتقای امر حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی را در طی دور بهائی که امتداد آن لااقل هزار سال در علم الهی معین شده ، در بر خواهد گرفت .

۱۸۹- منظور از مراحل دهگانه ارتقاء امر  
طی مراحل مختلف تا تشکیل بیت العدل اعظم  
است

حضرت ایادی امرالله ابوالقاسم فیضی اعلی الله مقاله  
سیر نشو و نمای دیانت مقدس بهائی را که منتهی به  
ایجاد مدینه فاضله و عصر پرانوار ذهبی خواهد  
گردید با استفاده از بیانات گهربار مولای توانا  
حضرت ولی امرالله که ارتفاع امر مبارک را طی ده  
مرحله بیان فرموده اند به شرح زیر در کتاب فاتح  
دلها صفحه ۲۱۱ معرفی نموده اند :

- ۱- کور آدم - ظهور حضرت آدم (ابوالبشر)
- ۲- عهد اعلی (ظهور حضرت باب)
- ۳- باروری شجره امر الهی با شهادت ۲۰ هزار  
شهید (دوران مقهوریت)
- ۴- نزول وحی در سیاه چال طهران بر حضرت  
بهاءالله (اظهار امر خفی)
- ۵- اظهار امر علنی در بغداد (ایام رضوان)

- ۶- اظهار امر عمومی ( دوران ادرنه و عکا و  
نزول کتاب اقدس و الواح سلاطین )
- ۷- عهد میثاق ( دوران پرافتخار حضرت  
عبدالبهاء )
- ۸- عهد اول عصر تکوین
- ۹- ابلاغ نقشه دهساله از طرف حضرت ولی  
امرالله به جهانیان
- ۱۰- تشکیل بیت العدل اعظم الهی

۱۹۰- منظور از مرحله اول کور حضرت ادم

است

حضرت ولی عزیز امرالله درباره کور آدم و مرحله اول می فرمایند: ... شجره لاشرقیه و لاغربیه که در عهد آدم ید قدرت الهیه در ارض مشیت غرس نموده در ادوار سابقه در ارض میعاد در عهد حضرت خلیل و حضرت کلیم و حضرت روح و در جزیره العرب در عهد حضرت خاتم و در کشور ایران و هندوستان در عهد حضرت زردشت و حضرت بودا و سایر انبیای الوالعزم صلوات الله علیهم اجمعین در مدت شش هزار سال متدرجا نشو و نما نموده ... در مدینه طیبه شیراز بر اثر ظهور قائم موعود ... ثمره ازلیه قدسیه را که در هویتش مکنون و مخزون بوده پس از انقضای شش هزار سال آشکار نمود ..."

منظور از کور آدم پیدایش اولین بشر بر روی زمین و یا به قولی اولین پیغمبر می باشد ظهور این بشر اولیه یا اولین پیغمبر در بیشتر کتب آسمانی و دینی هم ذکر شده از جمله در قرآن و تورات و و بند هش و



کتب بابلی ها در قرآن مجید در سوره های بقره و اعراب و و حجر و طه و ص خلق و ایجاد حضرت آدم بیان شده و در سوره بنی اسرائیل و کهف نیز به آن اشاره گشته و از اینکه تمامی فرشتگان به آدم سجده کردند فقط شیطان به این بهانه که خلقت من از آتش است و خلقت او از خاک و من از او برترم از سجده کردن خودداری نمود که به همین دلیل مورد غضب الهی قرار گرفت و از بهشت اخراج شد که البته دارای معانی و تفاسیر دیگر است در آثار مبارکه شیطان همان نفس اماره است که باعث گمراهی انسان می گردد .

این مرحله با ظهور حضرت آدم در شش هزار سال قبل آغاز می شود . حضرت آدم آغازگر یکی از ادوار کلیه ظهورات الهیه است که از آن به دوره آدم یا کور آدم تعبیر شده است با طلوع کور آدم ، شجره لاشرقیه و لاغربیه و به تعبیر دیگر " شریعه الله" در ارض اراده الله غرس می شود و از این شجر ، نور الهی به عالم خلق متجلی می شود . این شجره مبارکه در مراحل اولیه رشد و نمو خود ظهورات متوالیه

مظاهر حق را در بر می گیرد و بسیر مطمئن و متین خود ادامه می دهد . در طی این مرحله ظهورات حضرت موسی ، حضرت زردشت ، حضرت بودا ، حضرت مسیح ، حضرت محمد و سایر پیامبران واقع می شود و هر یک به نوبه خود و به سهم خود عالم خلق را به مرحله بروری شجره الهیه نزدیکتر می سازد . در طی این ادوار ، شجره لاشرقیه و لاغربیه باخون شهدای بیشمار آبیاری شده ، اصلش محکم و شاخ و برگ آن گسترده شده ، شکوفه های آن ظاهر می شود . این بهار روحانی است .

شش هزار سال فاصله میان آدم و حضرت خاتم ظاهرا ماخوذ از آیاتی مانند آیه ۵۴ از سوره اعراف در قرآن مجید است که خلقت عالم را در طی شش روز بیان می فرماید و مفسرین قرآن کریم با توجه به اینکه به موجب آیه ۴۶ سوره حج و آیه ۴ سوره سجده یوم رب معادل هزار سال ذکر شده است بر این عقیده اند که شش روز خلقت عالم به معنای شش هزار سال دوران شش تن از پیامبران اولی العزم است که آخرین شان حضرت محمد می باشند که در

توقیع مبارک نیز به این معنی اشاره شده است .  
شاعر و عارف شهیر شیخ عطار مضامین مزبور را  
در ابیات زیر آورده است ،

به قرآن این چنین فرمود داور

تو تا دینش بیابی ای برادر

که عالم را به شش روز آفریدم

محمد را به عالم برگزیدم

بود شش روز عهد شش پیمبر

شود قائم مقام خلق ظاهر

هزار سال بودن روز دین که مورد اشاره شیخ عطار

قرار گرفته و هزار سال آخر آن را متعلق به شریعت

اسلام می داند که با انقضای آن قائم موعود ظاهر می

شود با مدت دور اول کور بهائی که طول آن در کتب

و آثار مبارکه لااقل هزار سال تعیین شده است نیز

تطبیق می کند .

استاد ارجمند و محقق دانشمند فریدالدین رادمهر در

مقاله مبسوطی تحت عنوان ذکر اوائل که در کتاب

نفیس نه مقاله درج شده توضیحات ارزشمندی درباره  
 ادوار کلیه و معانی دور و کور مرقوم داشته اند از  
 جمله می نویسند : کور حضرت آدم به شش دور  
 تقسیم می شود و این مساله در قرآن و تورات به ایما  
 و الغاز مطرح و در نزد عرفا و حکمای مسلمین  
 مورد مباحثه قرار گرفته ، در قرآن در هفت موضع  
 موضوع خلقت آسمانها و زمین در شش روز مطرح  
 شده مثلا در سوره الاعراف : "ان ربکم الله الذی خلق  
 السموات و الارض فی سته ایام" ( قرآن سوره ۷ آیه  
 ۵۴) اگر چه بسیاری از مفسرین معنی ظاهری این  
 آیه را بی هیچگونه تاویلی قبول نموده اند و برخی نیز  
 اگر ظاهر را نپذیرفته اند ولی تاویلش را بر عهده  
 راسخون فی العلم گذاشته اند و عده ای هر روز را  
 هزار سال دانسته اند یعنی شش هزار سال از جمله (   
 کشف الاسرار و عده الابرار ج ۳- ص ۶۲۸ ) ، اما  
 بوده اند عارفانی که شش روز را رمز از شش پیامبر  
 دانسته اند .

و فاضل مازندرانی در امر و خلق جلد ۳ صفحه  
 ۴۲۸ می نویسد : مراد از خلق آسمانها و زمین در

شش روز آن روز الهی است و خلق روحانی و الا  
قبل از این آسمان و زمین شب و روزی نبود .

## ۱۹۱- منظور از مرحله دوم دوران کوتاه مدت

### دیانت بایی است

— منظور از دوران عهد اعلی اظهار امر حضرت رب اعلی در شب پنجم جمادی الاولی ۱۲۶۰ است که تقریباً می توان آن را با دوران مجهولیت برابر دانست و اظهار امر ایشان از طرفی موجب مخالفت و طغیان جهلای معروف به علم که بساط فرمانروائی خود را در خطر می دیدند گردید و از طرفی عده زیادی از علما و مردم عادی که منتظر ظهور بودند و علامات را مطابق با واقعیات می دانستند به حضرتش گرویده و به او مومن گشتند . این دوران گر چه به ظاهر مدت آن بسیار کوتاه بود ولی با دارا بودن اثرات بیشمار امتداد می یابد .

در این دوره ، شجره لاشرقیه و لاغربیه بارور شده ، ثمر آن ظاهر می شود کوتاهی دوره شریعت حضرت اعلی که به فرموده حضرت ولی امرالله " نباید به هیچ وجه میزان سنجش حقانیت و عظمت آن حضرت قرار گیرد ... " چه که " این رمزی است که احدی پی

به آن نبرد "چنان عظیم و پر برکت است که خاتمه آن  
خود مرحله ثالث این سیرتکاملش شریعت را در بر  
میگیرد

۱۹۲- منظور از مرحله ثالث دوران باروری

امر مبارک است

حضرت ولی امرالله درباره مرحله سوم می فرمایند :  
" مرحله ثالث مقهوریت و معصوریت این ثمر جنی  
رطب لطیف در آسیاب محن و بلااست که شش سال  
بعد در مدینه تبریز دهن آن ظاهر گردید "

منظور از دوران باروری شجره الهی همان دوران  
مقهوریت و مظلومیت است که باعث شهادت حدود  
بیست هزار شهید و پراکنده شدن عده ای از مومنین  
اولیه و هجرت بسیاری به بغداد و سایر نقاط گردید .  
باروری شجر ، منجر به ظهور ثمر می شود . میوه  
شجره امر الهی باید آثارش به مرور دهور و ادوار  
بسیار باقی بماند . ید قدرت الهی این ثمر را بدهن  
حکمت مبدل می سازد تا " سراج امر " را بدان  
روشن سازد . مرحله باروری شجره لاشرقیه و  
لاغربیه که با ظهور حضرت اعلی آغاز گشت و ثمر  
آن ظاهر شد ، در طی عهد اعلی تکامل یافته و بعد  
از شش سال ، با شهادت حضرت نقطه اولی در تبریز



تبدیل به روغن روحانی شده مرحله سوم این ترقی و تکامل را تشکیل می دهد .

مرحله سوم از مراحل دهگانه سیر تکاملی امر مبارک به عنوان باروری شجره امرالله نیز نامیده شده در عالم نبات هر درختی بارور شده شکوفه و بار و برگ به بار می آورد که بالمآل تبدیل به ثمر و میوه می گردد . شجر پر ثمر امر الهی نیز اثر و ثمرش به مرور ایام ظاهر می گردد و سالها باقی می ماند تا بندگان از آن منتفع گردند . دست قدرت الهی این ثمر را به روغن حکمت مبدل می سازد . چنانکه در مناجاتی که در ادعیه محبوب صفحه ۳۴۰ مذکور است می فرمایند الهی الهی سراج امرت را به دهن حکمت برافروختی از اریاح مختلفه حفظش نما ....

و به واسطه این روغن چراغ است که سراج امر الهی روشن و تابناک گشته و جهان را با انوار درخشان خود نورانی می سازد .

این مرحله با ظهور حضرت اعلی شروع گشته و بعد از طی بسیار کوتاه مدت مجهولیت که در تمامی ادوار ادیان آسمانی دوران کوتاهش بی سابقه است بعد

از ۶ سال و با شهادت حضرت رب اعلی در تبریز  
تبدیل به دهن یا روغنی گردید که برای فروزان نگه  
داشتن سراج امرالله لازم و ضروری بود.

۱۹۳- منظور از مرحله چهارم اظهار امر

خفی جمال مبارک است

مرحله چهارم نزول وحی در سیاه چال طهران است که به اظهار امر خفی معروف است یعنی در سنه تسع که منظور نهمین سال بعد از اظهار امر حضرت اعلی است زیرا در بیان فارسی به مومنین مژده آن را داده اند و می فرماید: فی سنه التسع انتم بلقاءالله یرزقون"

درباره اهمیت مرحله چهارم می فرمایند:

" مرحله چهارم اشتعال این دهن لطیف است که به ید قدرت الهیه یکصد سال قبل در زندان اظلم انتن سیاه چال طهران افروخته شد "

منظور این بیان مبارک نزول وحی به قلب ممرد جمال اقدس ابهی و اظهار امر خفی در سیاه چال طهرانست این مرحله چهارم شعله ور شدن این دهن مقدس به اراده الهی و مشیت پروردگاری در سجن سیاه چال طهران است چنانکه می دانیم در بروز حادثه رمی شاه حضرت بهاءالله را به مدت ۴ ماه در

سیاه چال طهران که در آثار مبارکه به سجن اکبر  
ملقب گشته مسجون نمودند و هنگامیکه بی گناهی  
ایشان بر اولیای امور واضح گردید به بغداد هجرت  
نمودند در این مدت لمعات درخشان وحی الهی که در  
پس پرده غیب مستور بود شروع به تابش کرده و عده  
معدودی از اصحاب که با حضرتش در بند بودند این  
سعادت را یافتند که به علت داشتن صفای قلب و  
ضمیر باطن پی به این ودیعه نهانی الهی ببرند و  
حضرتش را قبل از اظهار امر علنی به عنوان من  
یظهره الله بشناسند .

۱۹۴- منظور از مرحله پنجم اظهار امر علنی

حضرت بهاءالله است

درباره مرحله پنجم می فرمایند :

" مرحله پنجم اشراق آن لمعه نور در مدینه الله است که تازه به کشور عراق پرتو افکنده و پس از آنکه ده سال در حجاب غل و بغضا مکشوف و مقنوع بود در مصباح ظهور جلوه ای شدید بنمود "

منظور رضوان اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در باغ نجیب پاشا معروف به باغ رضوان است .

این مرحله با اظهار امر جمال مبارک در مدینه بغداد ، در سنه ۱۲۸۰ هجری قمری . آغاز می شود . فروغی که قلب منور حضرت بهاءالله در ظلمتکده سیاه چال طهران درخشیده بود ، اکنون علاوه بر مهد امرالله ، آفاق کشور مجاور ، یعنی عراق را نیز با شعله ور شدن در مشکوه ظهور جمال قدم ، روشن می سازد . که طبق وعود حضرت رب اعلی در سنه ثمانین مژده ای که به اهل عالم درباره ظهور من یظهره الله به اهل عالم داده بودند تحقق پذیرفت و

بزرگترین وعده الهی که شاید هر پانصد هزار سالی  
یکبار به وقوع پیوندد انجام پذیرفت و ابواب رحمت  
بر خلق جهان گشوده گشت و امر مبارکی که فقط در  
ایران گسترش یافته و با خون بیست هزار شهید  
آبیاری شده بود افق کشوری دیگر یعنی عراق را نیز  
منور ساخته بود و اشعه تابناکی که در ظلمتکده سیاه  
چال درخشیده بود اکنون می رفت که از مرز مهد  
امرالله عبور نموده و کم کم انوار تابناکش جهانگیر  
گردد .

۱۹۵- منظور از مرحله ششم اظهار امر

عمومی با نزول الواح ملوک است

درباره مرحله پنجم می فرمایند :

" مرحله پنجم اشراق آن لمعه نور در مدینه الله است

که تازه به کشور عراق پرتو افکنده و پس از آنکه

ده سال در حجاب غل و بغضا مکشوف و مقتوع بود

در مصباح ظهور جلوه ای شدید بنمود "

منظور رضوان اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در

باغ نجیب پاشا معروف به باغ رضوان است .

این مرحله با اظهار امر جمال مبارک در مدینه بغداد

، در سنه ۱۲۸۰ هجری قمری . آغاز می شود .

فروغی که قلب منور حضرت بهاءالله در ظلمتکده

سیاه چال طهران درخشیده بود ، اکنون علاوه بر مهد

امراالله ، آفاق کشور مجاور ، یعنی عراق را نیز با

شعله ور شدن در مشکوه ظهور جمال قدم ، روشن

می سازد . که طبق وعود حضرت رب اعلی در سنه

ثمانین مژده ای که به اهل عالم درباره ظهور من

یظهره الله به اهل عالم داده بودند تحقق پذیرفت و

بزرگترین وعده الهی که شاید هر پانصد هزار سالی  
یکبار به وقوع پیوندد انجام پذیرفت و ابواب رحمت  
بر خلق جهان گشوده گشت و امر مبارکی که فقط در  
ایران گسترش یافته و با خون بیست هزار شهید  
آبیاری شده بود افق کشوری دیگر یعنی عراق را نیز  
منور ساخته بود و اشعه تابناکی که در ظلمتکده سیاه  
چال درخشیده بود اکنون می رفت که از مرز مهد  
امراالله عبور نموده و کم کم انوار تابناکش جهانگیر  
گردد .



۱۹۶- منظور از مرحله هفتم دوران پربرکت

### حضور حضرت عبدالبها است

حضرت ولی امرالله درباره اهمیت مرحله هفتم می فرمایند :

مرحله هفتم سطوع آن نور الهی در دوره مرکز عهد و میثاق از سجن اعظم به ماوراء بحار بود که تجلیاتش بیست کشور مستقل و اقالیم تابعه در قطعات امریکا و اروپا و استرالیا را نورانی ساخت . این مرحله که امر الهی به نحو چشم گیری گسترش یافت و نطاقش از دو قاره آسیا و آفریقا فراتر رفته به اروپا و امریکا کشیده شده مربوط به دوران حیات پر افتخار و پر ثمر حضرت عبدالبهاست که به دوران میثاق معروف است . در این دوران با مسافرت حضرت عبدالبهاء به اروپا و امریکا و شرکت در مجامع و کنائس و ایراد خطابات مهیمنه و ملاقات با اشخاص سرشناس نطاق امرالله گسترش بی سابقه یافت و آوازه امر الهی به بیش از ۲۰ کشور رسید و فروغ امر الهی از سجن اعظم ( عکا ) از ماورای اقیانوسها و

قارات عالم گذشت و ۲۰ کشور مستقل و اقالیم تابعه  
آن را فرا گرفت .

۱۹۷- منظور از مرحله هشتم عهد اول عصر

تکوین است

درباره مرحله هشتم حضرت ولی امرالله می فرمایند  
: " مرحله هشتم انتشار آن نور الهی در عهد اول و  
سنین عهد ثانی عصر تکوین امرالله در نود و چهار  
کشور مستقل و اقالیم تابعه و جزائر کره ارض است  
که بر اثر اجرای نقشه های ملی از طرف یازده محفل  
روحانی ملی در سراسر جهان و استفاده از وسائل و  
وسائط نظم اداری جدید البنیان ملکوتی تحقق یافته و  
اکنون به جشن صدمین سال بعثت حضرت بهاءالله  
خاتمه می یابد ."

این دوران پر افتخار که با اختتام عصر رسولی و  
شروع عهد اول عصر تکوین که مقارن با جلوس  
هیکل مقدس ولی امرالله براریکه ولایت امری است  
شروع می گردد در نتیجه زحمات و ارشادات  
حضرتش جهشی غیر قابل تصور یافت و امرالهی که  
تا آن زمان فقط در ۲۰ کشور معرفی و شناخته شده  
بود ناگهان در بیش از ۹۴ کشور و اقالیم و جزایر

تابعه نفوذ کرد و با صدور توقیعات مبارکه و  
ارشادات حضرتش در تفهیم و ترویج نظم اداری و  
تشکیل محافل روحانی محلی و ۱۱ محفل روحانی  
ملی واسکان مهاجرین و فتح نقاط بکر امر الهی  
سطوعی حیرت انگیز یافت و اسفا که هیکل انورش  
که خود بانی و موجد این فتوحات عظیمه بودند تمام  
این انتصارات را مرهون جانفشانی احبا و مهاجرین و  
مبلغین دانسته و با شکسته نفسی کوچکترین نامی از  
خود نمی برند و درسی بزرگ به مومنین امر مبارک  
میدهند

۱۹۸- منظور از مرحله نهم اعلام نقشه

دهساله بعالم بهائی است

نقشه دهساله که به جهاد کبیر اکبر معروف است بسال ۱۹۵۳ میلادی توسط حضرت ولی امرالله بعالم بهائی ابلاغ گردید. حضرت ولی امرالله درباره مرحله نهم چنین می فرمایند:

" مرحله نهم یعنی دوره ای که اکنون افتتاح می شود . مرحله اشاعه آن نور الهی در متجاوز از یکصد و سی و یک اقلیم و جزائر دیگر در شرق و غرب عالم است که بر اثر اجرای یک جهاد روحانی جهانی ده ساله انجام خواهد گرفت و ان شاءالله تعالی ختام این جهاد با جشن اعظم منوی اعلان امر علنی حضرت بهاءالله در بغداد مقارن خواهد بود "

این مرحله در سال ۱۹۵۳ با اعلام نقشه دهساله جهانی به عالم بهائی آغاز گردید و فتوحات بسیار در نتیجه ترسیم این نقشه الهی نصیب جامعه جهانی بهائی گردید ولی صد هزار افسوس که قافله سالار این جهاد روحانی و ترسیم کننده این نقشه عظیم الهی در اواسط

این دوران یعنی در اکتبر ۱۹۵۷ محبان خود را که گوش به فرمانش بودند تنها گذاشت و بختتا به عالم باقی شتافت و در حیات عنصری و عالم ناسوتی شاهد پیروزیهای درخشان و اتمام فاتحانه ایکه هیکل مبارکش ترسیم نموده بود نبودند گر چه در عالم ملکوت و ارواح این موفقیت عظیم را شاهد بودند که در راس اتمام نقشه یکی از بزرگترین نوایای هیکل اقدسش که تشکیل بیت العدل اعظم بود تحقق یافت و اراده الهی بر این قرار گرفت که اگر به حکمت بالغه اش یکی از ارکان نظم بدیع به صورت ظاهر منتزع گردید بلافاصله رکن دیگر به وجود آمد تا عالم بشری از این عطیه الهی محروم نگردد. در این دوران پر شکوه با امتثال امر مبارکش سیل مهاجرین همت به فتح نقاط بکر گماشند و انوار پر اشراق امر الهی به بیش از ۱۳۰ مملکت تابدین گرفت و با تشکیل جشنهای صدمین سال اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در مدینه الله بغداد و شرکت بیش از دو هزار نفر از احبا در کنفرانس لندن تشکیل و انتخاب اولین اعضای بیت العدل عمومی به عالم امر اعلام گردید.

## ۱۹۹- منظور از مرحله دهم تشکیل بیت العدل اعظم و اشتهار امرالله است

درباره این مرحله حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" مرحله دهم که مرحله نهائی این سیر عظیم است سرایت و نفوذ آن نور الهی در طی جهادهای عدیده و در عهود متوالیه دو عصر تکوین و ذهبی به جمیع اقالیم باقیه کره رض است که باید به وسیله استقرار کامل نظم اداری حضرت بهاءالله در کلیه اقالیم شرق و غرب تحقق پذیرد و آن مرحله این است که انوار آئین مظفر و منصور الهی به کمال قدرت و عظمت بر جهانیان تابیده و کره ارض را احاطه خواهد نمود " در این مرحله که به سال ۱۹۶۳ با تاسیس بیت العدل اعظم و جشنهای صدمین سال اظهار امر علنی حضرت بهاءالله آغاز گردید تحت هدایات آن مرجع مصون از خطا سایر عهود عصر تکوین ترسیم و نقشه های بدیعه جدید تنظیم و تعالیم امر ارائه گردید و این روش مرضیه تا طلوع عصر ذهبی که استقرار سلطنت الهیه بر بسیط غربا است

ادامه خواهد یافت.

بسط و توسعه مراحل باقیمانده و تقسیم عهد آینده و ترسیم نقشه های متعدد و سیر تکاملی این روند رو به تزاید طی مراحل ۷ گانه ای که در آثار حضرت ولی امرالله مذکور است ادامه خواهد یافت

در طی این مرحله با اجرای نقشه های متوالی ، فروغ امر الهی به کلیه اقالیم ارض گسترش یافته و تاسیسات و مشروعات بدیعه نظم اداری بهائی در شرق و غرب عالم استقرار خواهد یافت و منتهی به تاسیس مدنیت الهی در بسیط زمین خواهد گشت .



## ۲۰۰- منظور از عهد ابھی دوران اظہار امر خفی حضرت بہاء اللہ است تا صعود ہیکل مبارک

عهد ابھی دومین عهد عصر رسولی است کہ ابتدایش  
سنہ ۱۲۶۹ اظہار امر خفی جمال مبارک و انتہایش  
سنہ ۱۳۰۹ سال صعود ہیکل مبارک می باشد. مدت  
ان ۳۹ سال می باشد. وقایع مهم این عهد عبارت است  
از اظہار امر علنی ہیکل مبارک در باغ رضوان  
بسال ۱۲۷۹ ہجری قمری نزول الواح ملوک و اظہار  
امر عمومی تبعید ہیکل مبارک از بغداد بہ اسلامبول  
و عکا و ادرنہ و نزول کتاب اقدس حضرت ولی  
امر اللہ در معرفی این عهد چنین می فرمایند :

عهد ثانی این عصر مبارک منتسب بہ ہیکل مکرم  
افخم جمال قدم و اسم اعظم و طائف حول ان مظلوم  
عالم و موعود و مقصود کل ملل و امم و مستند بر  
شرع اشرف امجد اعز اقدس ان محیی رمم امتدادش  
سی و نہ سال ابتدایش حلول سنہ تسع و دعوت سری  
مظہر کلی الہی و تجلی روح اعظم بر قلب اصفای

مرد سلطان قدم در سجن مظلم و انتهایش صعود ان  
منجی امم و افول ان کوکب دری مشرق بر افاق عالم  
در مغرب سجن اعظم. همچنین می فرمایند : عهد ثانی  
منتسب به هیکل اقدس جمال قدم است این عهد  
مشعشع ابهی که اقدس و امنع و اشرف اعز از کل  
قرون و اعصار محسوب و با اشراق روح اعظم بر  
قلب سلطان قدم در سیاه چال تهران و تحقق و عود و  
بشارات حضرت باب آغاز گردید با افول نیر حقیقت  
در جوار سجن اعظم عکا خاتمه یافت این عهد اکرم  
اقوم امتدادش سی و نه سال بود.

بطوریکه می دانیم حضرت بهالله سه بار امر خود را  
به جهانیان اعلام و اظهار فرمودند .

بار اول سال ۱۲۶۹ در سیاه چال تهران هنگامیکه  
در زندان مخوف ناصر الدین شاه در زیر غل و  
زنجیر بودند به اطرافیان و هم زنجیران خود فرموده و  
خود را همان من یظهره الله که حضرت اعلی بشارت  
ظهورش را داده اند معرفی نمودند.

بار دوم سال ۱۲۷۹ در باغ رضوان بغداد مقام منبع  
خود را اشکار فرمودند که به اظهار امر علنی مشهور

و معروف است و همین ایام عید رضوانی است که همه ساله آن را جشن می گیریم که مدت ۱۲ روز است و سه روز اول و نهم و دوازدهم آن تعطیل امری است و کار در آن سه روز حرام و ممنوع است و به نام ایام محرمه معروف است البته می دانید که ایام محرمه کلاً ۹ روز است یعنی جمعا در دیانت بهائی ۹ روز تعطیل امری است که ۳ روز آن مربوط به حضرت اعلی است یعنی اول محرم تولد آن حضرت ۵ جمادی اظهار امر و بعثت و ۲۸ شعبان روز شهادت آن حضرت می باشد.

۵ روز از این ایام مربوط به حضرت بهالله است که عبارتند از دوم محرم روز تولد سه روز ایام رضوان ایام اظهار امر و هفتادم نوروز روز صعود هیکل مبارک و یک روز هم عید نوروز است که گذشته از اینکه روز ملی است عید فطر بهائیان نیز می باشد زیرا ایام صیام روزه داری پایان می پذیرد.

بار سوم اظهار امر مبارک اظهار امر عمومی است که در ادرنه با نزول الواح ملوک و خطابات عمومی به سلاطین عالم بود. در دوران این عهد ظهور کلی

الهی طبق بشارات کتب مقدسه قبل تحقق یافته و دیانت  
جدیدی که احکام و تعالیمش مطابق مقتضای زمان بود  
به عالم بشری اهدا گردید و اساس نظم بدیع ایجاد  
گردید. در عهد دوم عصر رسولی دیانت مقدس بهائی  
به ۱۰ مملکت دیگر هم سرایت نمود .

۱- برمه ۲- مصر ۳- لبنان ۴- سودان ۵- ترکیه  
۶- قفقاز ۷- هندوستان ۸- فلسطین ۹- سوریه

۱۰- ترکستان